

راه سبز

احکام ویژه دختران
دوره دبیرستان

ستاد اقامه نماز

- حسن زاده، علی، ۱۳۴۵
راه سبز: احکام ویژه دختران دوره دبیرستان / مؤلف علی حسن زاده؛ تهیه و تنظیم ستاد اقامه نماز، معاونت
پرورشی و تربیت بدنی. - تهران: آدینه، ۱۳۸۰
ISBN ۸-۱-۶۲۱۱۹-۴۶۹. ص ۱۸۵
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه به صورت زیرنویس
فقه جعفری - رساله عملیه - ادبیات نوجوانان. الف. ستاد اقامه نماز. ۱.
BP۲۲۴۳ / ۷۹۲ ر ۳۶ ح / ۹ / ۲۴ ۳۸۱ / ۱۳۸۰
کتابخانه ملی ایران ۸۰ - ۱۶۱۶۱ م
محل نگهداری:

عنوان کتاب: راه سبز
(احکام ویژه دختران مقطع دبیرستان)
× ویرایش جدید ×
تهیه و تنظیم: ستاد اقامه نماز وزارت آموزش و پرورش
مؤلف: علی حسن زاده

ناشر: آدینه
توزیع: مرکز فرهنگی و انتشاراتی ایپا ۸۷۹۶۵۹۹
چاپ اول ناشر: ۱۳۸۰
شمارگان: ۶۰۰۰۰
قیمت: ۲۰۰ تومان
شابک: ۸-۱-۹۱۱۲۶-۹۶۴
ISBN ۸-۱-۶۲۱۱۹-۴۶۹

تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان شهیدبدرادران مظفر
ساختمان شماره پنج
وزارت آموزش و پرورش طبقه پنجم ستاد اقامه نماز تلفن: ۶۴۶۶۸۳۴

فهرست

عنوان صفحه
طلیعه

تصویری از راه سبز
گل محبت خدا

گل‌شناسی - ۱
شناخت احکام
آگاهی از احکام
چاره عصر غیبت
کارشناس عرصه احکام
گستره احکام
بزرگ دانستن احکام الهی

پایه‌های فهم احکام - ۲
تقلید و مرجع تقلید
شرایط دیگر
شناسایی مرجع تقلید
فراگیری مسائل دینی
صادقانه با احکام ۲۷
قداست فتوا ۲۸

فدایی ولایت ۳۰ - ۳
ولایت فقیه ۳۲
شرایط و صفات ولی فقیه (رهبر) ۳۳
وظایف و اختیارات ولی فقیه (رهبر) ۳۳
اطاعت از رهبری ۳۴

بلوغ شاخه‌ها ۳۵- ۴
نشانه‌های بلوغ ۳۶
پنجره‌های اعمال ۳۷
آشنایی با زبان احکام ۳۸
راههای دستیابی به احکام ۳۹
دوران بازنگری ۴۰

بر صراط مستقیم ۴۱- ۵
پاك‌ها و نجس‌ها ۴۲
نجس‌ها ۴۲
نجاست مُسرى ۴۳
احکام نجس‌ها ۴۳
پاك‌کننده‌ها ۴۴
اقسام آب مطلق ۴۴
مقدار آب كُرّ ۴۵
آب لوله‌ها ۴۵
احکام آب مطلق ۴۵

فرهنگ پاکسازی ۴۷- ۶
تطهیر ظروف ۴۸
تطهیر غیر ظروف ۴۸
توجه ۴۹
لباسشویی‌ها ۴۹
خشك‌شویی‌ها ۵۰
تطهیر جامدات ۵۱
تطهیر زمین نجس ۵۱

پاکسازی بدن ۵۲- ۷
غسل‌های واجب ۵۳
غسل مسّ میت ۵۳
روشن‌بینی ۵۳
جنابت ۵۴
آداب ویژه غسل ۵۵
احکام غسل ۵۶

پدیده قاعدگی ۵۷- ۸
تشخیص کامل ۵۹
مقررات ایّام قاعدگی ۶۰
پایان قاعدگی ۶۱
دوره نفاس ۶۲- ۹
احکام نفاس ۶۳
خون استحاضه ۶۳
راههای تشخیص ۶۳
اقسام استحاضه ۶۴

نکته‌های مهم ۶۵

توجه ۶۵

در اوج آسمانها ۶۶- ۱۰

وضوی مستحبی ۶۷

وضوی واجب ۶۷

برطرف کردن موانع ۶۸

محلّ وضوی بانوان ۶۹

کیفیت وضو ۶۹

شستن اعضای وضو ۷۰

اعضای مسح ۷۰

مسح سر ۷۰

مسح پاها ۷۱

بطلان وضو ۷۱

انتظار سبز ۷۲- ۱۱

احکام نماز ۷۳

پوشش نماز ۷۳

نکته‌های مهم ۷۴

بدن و لباس نمازگزار ۷۴

مکان نمازگزار ۷۵

نمازی شکوهمند ۷۵

امام فرشتگان ۷۷- ۱۲

حضور قلب ۷۸

تکبیرة الاحرام ۷۸

سوره حمد ۷۹

سوره توحید ۸۲

ذکر رکوع ۸۴

ذکر سجده ۸۴

قنوت ۸۴

تسبیحات اربعه ۸۵

تشهد ۸۶

سلام ۸۷

احکام «فراموش شده‌ها» در نماز ۸۷

قاعده کلی ۸۸

احکام «فراموش شده‌ها» پس از نماز ۸۹

سجده سهو ۹۰

طریقه بجا آوردن سجده سهو ۹۰

سیر و سفر ۹۱- ۱۳

وطن ۹۳

قصد روز ۹۵

نیّت نماز شکسته ۹۶

آنجا کجاست؟ ۹۷- ۱۴

نماز جماعت ۹۸
برپایی نماز جماعت ۹۹
احکام نماز جماعت ۹۹
شرایط امام جماعت ۱۰۰
استفتاء از مقام معظم رهبری ۱۰۰
وظیفه مأموم در نماز جماعت ۱۰۰
اقتدا پیوستن به نماز جماعت ۱۰۱
چگونه اقتدا کنیم؟ ۱۰۱
سیل رحمت ۱۰۵-۱۵
امام جمعه ۱۰۶
برپایی نماز جمعه ۱۰۷
اعتکاف ۱۰۷

در سوگ هجران ۱۱۰-۱۶
برخی از آثار روزه ۱۱۱
اقسام روزه ۱۱۴
جبران گذشته‌ها ۱۱۴
قضای روزه ۱۱۵
قضا و ققاره ۱۱۵
قضا و اطعام ۱۱۶
اطعام ۱۱۷

از سر اخلاص ۱۱۹-۱۷
آدای تکلیف ۱۲۱
تهیه جهیزیه ۱۲۱
سال خمس ۱۲۱
قانون کلی خمس ۱۲۲
فرهنگ اقتصاد ۱۲۳
رشوه ۱۲۴

فریادگر حق ۱۲۵-۱۸
معروف و منکر ۱۲۶
جلوگیری از گناه در جامعه ۱۲۷
واکنشهای نخستین ۱۲۷
شرایط امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۸
فرهنگ امر و نهی ۱۲۸
مراحل امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۹
دفاع همگانی ۱۳۰

گل پاک ۱۳۲-۱۹
مصونیت نه محدودیت ۱۳۳
اعتراف دانشمندان ۱۳۴
خلأ عشق ۱۳۵

الگوی بانوان ۱۳۷-۲۰
پوشش اسلامی ۱۳۹

چهره و دستها ۱۳۹
پوشش کامل ۱۴۰
معیارهای انتخاب لباس ۱۴۱
جلب نامحرم ۱۴۱

در حریم عفاف ۱۴۳-۲۱
اختلاط دختر و پسر ۱۴۴
خلوت با نامحرم ۱۴۵
مکالمه با نامحرم ۱۴۶
مراجعه به نامحرم ۱۴۶
نگاه به نامحرم ۱۴۶
محرم و نامحرم ۱۴۷
روابط دختر و پسر ۱۴۸

بنیانی مقدّس ۱۵۱-۲۲
خواستگاری ۱۵۳
اجازه پدر ۱۵۴
مهریه ۱۵۴
دوران نامزدی ۱۵۵
مراسم ازدواج ۱۵۶
عروسی ۱۵۷
برنامه‌های عروسی ۱۵۸

بر قله خوشبختی ۱۶۰-۲۳
اصول همسررداری ۱۶۱
راستگویی ۱. ۱۶۲
امانتداری ۲. ۱۶۲
فرمانبری ۳. ۱۶۳
شغل بانوان ۱۶۴
معیارهای انتخاب شغل ۱۶۵
اخلاق همسررداری ۱۶۷

طلیعه

طبیعت، گوناگون بر ما جلوه می‌کند،
باشکوه‌ترین جلوه‌های آن، دوران نشاط و سرسبزی اوست، آن زمان که لحظه به لحظه می‌بالد و می‌شکفت تا به
اوج طراوت و زیبایی می‌رسد
آن زمان که بحیوچه تلاش و کوشش اوست و قلبش مالا مال از امید است
آن زمان که خود را می‌فهمد و به فرادهای خود می‌اندیشد
آن زمان، که بهار جوانی اوست
جوانی دوران بسیار حسّاس و سرنوشت‌ساز است، دوران طراوت و نشاط، دوران رشد و شکوفایی، دوران
تفکر، تلاش، تحقیق، تصمیم و عمل

جوان با قدم نهادن به این دنیای سرسبز به خود و جهان پیرامون خود می‌اندیشد. او پس از تفکر و تحقیق به سر حلقه هستی یعنی خداوند متعال ایمان می‌آورد و با اعتقاد راستین به امامان و پیامبران و باور کردن معاد و روز واپسین، جایگاه خود را در هندسه هستی می‌یابد و به شخصیت والای خویش پی می‌برد.

اینجاست که جوان برای تقرّب به خداوند و تأمین آینده ابدی خود، به جستجوی برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برمی‌آید چرا که او به خوبی دریافته است که بدون برنامه و دستورالعمل‌های دقیق و عمل بر اساس آنها به هیچ هدفی نمی‌توان رسید.

جوان با تفکر و اندیشه به این باور می‌رسد که باید به برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که از سوی خدا توسط پیامبر اسلام و امامان معصوم‌علیهم‌السلام برای هدایت انسانها آمده است روی آورد. به این برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها «احکام» می‌گویند.

جوان همانگونه که در هر رشته و فنی سراغ متخصص و کارشناس آن رشته و فنّ می‌رود برای آگاهی کامل و درست از احکام به متخصص و کارشناس این رشته یعنی «مرجع تقلید» مراجعه می‌کند و برای آشنایی با احکام، رساله مرجع تقلید خود را تهیه و براساس آن عمل می‌کند.

این مجموعه که در پیش رو دارید، شما را در راه استفاده هرچه صحیح‌تر و بهتر و کاملتر از رساله مرجع تقلیدتان یاری می‌رساند.

در نظر داشته باشید که احکام این کتاب براساس فتاوی حضرت امام خمینی‌قدس سره تنظیم شده و در چند مورد به فتاوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (زید عرّه) اشاره شده است. شما با کمک و راهنمایی مربی و امام جماعت و دبیر دینی می‌توانید به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید و اگر چنانچه در پاره‌ای موارد فتاوی مرجع تقلید شما با آنچه در این کتاب آمده است فرق داشت، براساس همان فتاوی مرجع تقلید خود عمل کنید. جوانی که از احکام الهی بااطلاع است چون مسافری است که در طلیعه سفر، راه مقصد را به خوبی شناخته و در آن گام برمی‌دارد راهی سبز، نرم و هموار

ما برای شما عزیزان آرزوی سعادت و پیروزی داریم و از نظرات و پیشنهادهای شما استقبال می‌کنیم.

سخنی با مربیان، دبیران دینی و ائمه جماعات مدارس

این کتاب می‌کوشد جوانان عزیز را با بخشی از احکام دینی‌شان آشنا کند و به پاره‌ای از مشکلات آنان پاسخ گوید اما این کتاب به تنهایی نمی‌تواند رسالت خود را به انجام رساند و به یاری شما بزرگواران سخت نیازمند است.

شما می‌توانید در بخش‌های زیر ما را یاری نمایید

بخش تهیه و تنظیم مطالب کتاب: شما که از نزدیک با جوانان ارتباط دارید و به خوبی نیازها و مشکلات آنان را لمس می‌کنید می‌توانید مشکلات و نیازهایی را که کتاب احکام می‌تواند پاسخگوی آنها باشد و در کتاب نیامده است برای ما بازگو نمایید.

بخش طرح و برنامه‌ریزی: آشناسازی نسل جوان با احکام دینی در قالب‌های نوین و طرح‌های جذاب و کارآمد رسالت سنگینی است که بدون همفکری ناتمام می‌ماند، شما می‌توانید با ارائه طرح‌های هم‌جانیه و قابل اجرا ما را در راه بالندگی این طرح یاری رسانید.

بخش اجرا و پیاده‌سازی: تهیه کتاب و در دسترس جوانان قرار دادن قدم‌های اولیه این کار بزرگ است، قسمت عمده آن به بخش اجرا و پیاده کردن این طرح بستگی دارد که همت و پشتکار شما بزرگواران را می‌طلبد. در این بخش به دو گونه همکاری شما نیازمندیم

الف: مطالب این کتاب به صورت توضیحی و گزینشی و با حفظ محتوا براساس فتاوی حضرت امام خمینی‌قدس سره تنظیم و در پاره‌ای از موارد به فتاوی مقام معظم رهبری «زید عرّه» اشاره شده است. و منبع عمده مطالب در پاورقی‌ها آمده است شما می‌توانید جوانان را در تطبیق مطالب کتاب با فتاوی مرجع تقلیدشان یاری رسانید.

ب: اطلاع از میزان بازدهی و کارایی این طرح و تأثیر این مطالب در جوانان برای ادامه کار، نقش اساسی و کلیدی دارد. اطلاع رسانی شما در این زمینه نیز برای ما کارساز و ارزشمند است.

پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را برای ما به نشانی تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان برادران مظفر - ساختمان شماره ۵ - وزرات آموزش و پرورش - طبقه پنجم - ستاد اقامه نماز معاونت پرورشی و تربیت بدنی ارسال فرمائید. همکاری و همفکری شما را صمیمانه سپاس می‌گوییم.

ستاد اقامه نماز
معاونت پرورشی و تربیت بدنی
وزارت آموزش و پرورش

(تصویری از راه سبز) ۱)

راه سبز، راهی است که شقایق‌های آن بوی خوشبختی و سعادت می‌دهند. مهدیه محمدی - دوم متوسطه - ?
استان کرمان
راه سبز، راهی بی‌انتهاست که هرچه بیشتر پیش برویم، سبزی و قداست و عظمت آن را بیشتر و بهتر درک ?
می‌کنیم.
دلیری - استان خراسان
راه سبز، سبزترین راهی است برای تقرّب هرچه بیشتر جوانان - این شکوفه‌های تازه باز شده - به معبود ?
بی‌نیاز خود
راه سبز، راهنمای شهر دین است?
نسرین فرامرزی - پیش‌دانشگاهی - استان ایلام
راه سبز، راهی است که هر که آن را ببیند زیباترین لحظات را تجربه خواهد کرد?
فاطمه احمدی - اول متوسطه - استان گلستان
راه سبز، راهی بود که ما دختران توانستیم آن را به عنوان هدایت خودمان برای رسیدن به تکامل و خوشبختی و ?
سعادت انتخاب کنیم و توانستیم از آن بهره‌های زیادی ببریم و از آنچه که بی‌خبر بودیم ما را باخیر کرد
گوهر بختیاری - پیش‌دانشگاهی - چهارمحال و بختیاری
راه سبز، کتابی است که راه سبز خوب زیستن را به ما آموخت. زینب زارعی - پیش‌دانشگاهی - استان قم?
راه سبز، مرا آگاهتر و بیناتر کرد و راه رضوان را به من نشان داد. مرجان مصطفی‌پور - اول متوسطه - ?
استان آذربایجان غربی
زیباترین احساس من از راه سبز، این است که هر وقت در این گنجینه طلایی را می‌گشایم تحت تأثیر قرار ?
می‌گیرم و از عالمی به عالم دیگر که همان پاکی و قداست است پرواز می‌کنم و از این هدیه بسیار خوشحالم.
مرضیه یوسفی - دوم متوسطه - استان کردستان
احساس می‌کردم که به آسمان پرواز می‌کنم، احساس می‌کردم که دارم معنوی و معنوی‌تر می‌شوم و به خدا ?
نزدیک می‌شوم، احساس می‌کردم که دارم با فرشته‌ها صحبت می‌کنم
معصومه علایی - اول متوسطه - استان اردبیل

گل محبت خدا

به سیاهی نیندیش
امیدوار باش به روزهای روشن فردا
به آسمان آبی
و به دریای آسمانی بنگر
به رودهای خروشان نگاه کن

هنوز گل‌دان احساسات
شاخه محبت دارد
اگر گل محبت خدا را
در گل‌دان دلت آبیاری کنی
همیشه پُر عطر گل یاس
پُر احساس، پُر چلچله‌ها
(خواهی بود) ۲
«زهر ا» (ماهرخ) طهوری - ساری»

۱

گل‌شناسی

خدمت او کن که سلطانت کند خار او شو تا گلستانت کند بنده او گر شدی آزاد زی گر غم او می‌خوری دلشاد
زی (۳) بوی معطر، رنگ شاد، و طراوت و نشاط گل تو را به وجد و سرور وامی‌دارد، احساس می‌کنی که از
صمیم جان گل را دوست داری، برمی‌خیزی و با دست شوق شاخه‌ای از گل می‌چینی. بر لب چشمه‌ساری که در
کنار گل است زیر نم باران می‌نشینی و به گل می‌اندیشی
دلنشینی گل از چیست؟

بی‌شک اگر «ساقه» نبود از شاخه و گل خبری نبود
و اگر «ریشه» نبود، ساقه و شاخه و گلی نبود
و اگر «آب باران» و «چشمه‌سار» نبود اصلاً بوته گل نمی‌روید
آن بوته، دین است و آن آب باران، وحی و آن چشمه‌سار، فطرت و آن ریشه، عقاید و آن گل،
«احکام» است
شناخت احکام

اگر بخواهیم به شناخت واقعی احکام دست یابیم باید حقیقت دین را بشناسیم و به ریشه‌های احکام که همان عقاید
پاک است نظری بیفکنیم

: عقاید پاک که از «وحی» و «فطرت» تغذیه می‌کنند و سیراب می‌گردند به ما می‌گویند
خداوند، خالق و مدبّر جهان و انسان است، انسان در این جهان بیهوده نیامده و سرانجام نابود نخواهد شد. انسان،
موجودی ابدی است و این ابدیت با اعمال او در این جهان ساخته می‌شود، و چون فطرت به تنهایی توان هدایت او
را ندارد باید از هدایت‌های پیامبران و امامان مدد بگیرد
از اینجاست که مجموعه هدایت‌های الهی تحت عنوان «احکام» شکل می‌گیرد و برای رسیدن به سعادت ابدی
باید آنها را فرا گرفته و بکار بست

آگاهی از احکام

سُراغ گل را باید از باغبان و گل‌بان گرفت و مردمی که در عصر حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و
ائمّه‌علیهم السلام می‌زیستند چنین می‌کردند
آن روزها دسترسی به احکام کار چندان دشواری نبود، نماینده‌ای می‌فرستادند و یا خود حضور می‌یافتند و حکم
مسئلی را که برای آنان پیش آمده بود جویا می‌شدند
با غیبت امام عصر علیه السلام دسترسی به احکام از طریق گذشته میسر نبود و از طرف دیگر با تغییراتی که
در بافت‌های اجتماعی و ساخت‌های حکومتی پیش می‌آمد و نوآوری‌های علم و تمدن، مسائل نو و نسبتاً پیچیده‌ای
پدید می‌آمد که حکم آنها برای توده مردم نامعلوم می‌نمود

چاره عصر غیبت

چاره عصر غیبت چیست؟
بی‌شکّ دین اسلام چون دین کاملی است، حکم هیچ مسأله و پیشامدی را فرو نگذاشته است و ما با مراجعه جدی و کارشناسانه به دین توان فهمیدن حکم مسائل و پیشامدها را داریم.
عقل و دین هر دو، چاره کار را در مراجعه به منابع دین می‌دانند.
منابع دین عبارتند از: عقل و نقل.
عقل؛ همان عقل پاک و پیراسته از اوهام و خرافات است، همان عقل فطری که در نهان و نهاد همه هست و نقل؛ مجموعه قرآن و سنت است. قرآن را که می‌دانیم، اما سنت عبارت است از: گفتار، کردار، و امضاء و تأیید معصوم علیه السلام.

کارشناس عرصه احکام
شناخت گل، ذوق لطیف و فهم رقیق می‌طلبد و فهم احکام از منابع دین نیز لطافت، ظرافت و دقت نظر و باریک‌بینی می‌خواهد، همه افراد برای شناخت احکام، آزادند تا با آموختن علوم و دانش‌های این رشته، تخصص لازم را پیدا کنند. تحصیل در این رشته استعداد فراوان و علاقه زیاد می‌طلبد، کسانی که دارای این دو ویژگی باشند دختر یا پسر می‌توانند با شرکت در آزمون ورودی دانشگاه علوم دینی یعنی حوزه‌های علمیه و شرکت فعال در کلاس‌های درس، دانش‌های موردنیاز را فرا بگیرند ولی قطعاً کسانی که در این عرصه به سرحد تخصص نرسیده باشند نمی‌توانند احکام دین را از منابع اصلی به دست آورند و چنین افرادی باید به کارشناس این عرصه یعنی «مجتهد» رجوع کنند
به آن مجتهدی که مردم به او رجوع می‌کنند و در احکام دین از او تقلید و پیروی می‌کنند «فقیه» و «مرجع تقلید» می‌گویند.

گستره احکام
هر چیز که به رشد و تکامل معنوی انسان مرتبط است در قلمرو دین است و هرگز دین درباره آن ساکت ننشسته است؛ و هر جا سخن از تکلیف و وظیفه است در قلمرو احکام است. مانند عبادات، معاملات، مسائل فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و مسائل حکومتی و کشورداری.

بزرگ دانستن احکام الهی
احکام الهی تأمین کننده دنیا و آخرت و مقرب انسان به خدای بزرگ هستند و نباید آنها را از اوج خود پائین بباوریم. استخفاف احکام به راههای زیر است:
۱. احکام را منحصر در احکام فردی بدانیم.
۲. احکام را تنها در محدوده اجتماع لازم بدانیم.
۳. احکام را فقط تأمین کننده مسائل دنیوی بدانیم.
۴. احکام را از سیاست و حکومت جدا بدانیم.
۵. احکام را تنها تأمین کننده آخرت بدانیم.

۲

پایه‌های فهم احکام

(قُلُوا لَا تَفَرُّوا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ فِي الدِّينِ) ۴
! پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟
مجتهد و فقیه که رسالت بزرگ فهم دقیق احکام و ابلاغ آن را به جامعه به عهده گرفته است برای استنباط احکام از منابع دینی به علوم زیر نیازمند است
(ادبیات عرب) شامل: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع و لغت. ۱

منطق ۲.

انس و آشنایی با قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام ۳.
آشنایی با علم رجال برای تشخیص روایان حدیث ۴.
(اصول فقه) برای به دست آوردن قدرت استخراج احکام از منابع آن ۵.

تقلید و مرجع تقلید

کسانی که توان استنباط احکام را ندارند و یا در راه تحصیل این شاخه از علوم اسلامی هستند ولی هنوز به حدّ اعلای تخصص نرسیده‌اند به حکم عقل و دین موظفند از فقیه جامع‌الشرایط که به او مرجع تقلید می‌گویند، تقلید کنند.

مرجع تقلید کسی است که به حدّ اعلای تخصص و تعهد بار یافته است؛ فهم او از سایر فقیهان دقیق‌تر و تقوای او شدیدتر است. با نشانه‌ها و شرایط مرجع تقلید آشنا می‌شویم

کسی که ما باید احکام را از او بگیریم و به نظریه کارشناسی او در مسائل دینی عمل کنیم باید دارای این نشانه‌ها و ویژگی‌ها باشد

دانا و دانشمند باشد ۱.

به مرحله «اجتهاد» رسیده باشد ۲.

(بنابر احتیاط واجب از همه متخصصین، داناتر و ورزیده‌تر باشد) اعلم باشد ۳.

به اوضاع زمان، آن اندازه که در تشخیص موضوعات احکام و اظهار نظر جدید فقهی دخالت دارد، آشنا ۴.
باشد

عادل باشد؛ آن‌گونه که «گناه کبیره» (۵) انجام ندهد و از تکرار «گناه صغیره» بپرهیزد ۵.

شرایط دیگر

اگر فقهی نشانه‌های تخصص و تعهد در او جمع بود، با چهار شرط می‌توانیم از او تقلید کنیم

زنده باشد ۱.

مرد باشد ۲.

بالغ باشد ۳.

(شیعه دوازده امامی باشد) ۴. ۶.

از یاد نبریم که

در انتخاب مرجع تقلید نباید در پی کسی باشیم که فتاوايش آسان‌تر از دیگران باشد بلکه باید ببینیم کدام فقیه، ۱.
نشانه‌های کامل اجتهاد در او جمع است و سایر شرایط را نیز داراست

دختران نیز می‌توانند با خواندن درس‌های لازم به مرحله اعلای تعهد و تخصص در فهم احکام دین راه یابند ۲.
و نظیر بانوی اصفهانی (۷) به مرحله اجتهاد برسند

شناسایی مرجع تقلید

از راه‌های زیر می‌توان مرجع تقلید خود را شناخت

خودمان عالم دینی هستیم و قدرت شناسایی مرجع تقلید را داریم ۱.

دو تن از عالمان عادل که توان تشخیص دارند او را به ما معرفی می‌کنند؛ البته به شرط آنکه دو عالم عادل ۲.
دیگر برخلاف آن دو، نظر ندهند

گروهی از عالمان دینی که از عهده تشخیص مرجع تقلید برمی‌آیند او را به ما معرفی کنند و ما به گفته آنان ۳.
(اطمینان پیدا کنیم) ۸)

بنابراین اگر تاکنون در انتخاب مرجع تقلید مشکلی داشته‌ایم یا بدون تقلید، عمل می‌کرده‌ایم هم اینک از راه‌هایی که گفته شد باید مرجع تقلید خود را شناسایی کنیم و تکلیف خود را نسبت به اعمالی که تاکنون انجام داده‌ایم از او جویا شویم

فراگیری مسائل دینی

انسان نباید در فراگیری مسائل دینی کوتاهی کند بلکه واجب است مسائلی را که غالباً به آنها نیاز دارد، فرا
بگیرد

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نقل می‌کند که فرمود
(أَفَّا لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَبْقَى فِيهِ أَمْرٌ دِينِيهِ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ. ۹)
وای بر هر مسلمانی که در هفته (لا اقل) يك روز را برای فهم مسائل دینی و پرسش از آنها قرار نمی‌دهد.

صادقانه با احکام

پس از انتخاب مرجع تقلید و فراگیری احکام مورد نیاز، باید صادقانه آنها را به کار بندیم. چه بسا فلسفه حکمی برای ما معلوم نباشد و یا عمل به آن مطابق با میل ما نباشد، ما به حکم عقل و دین موظفیم آن حکم را در زندگی به کار بندیم؛ چرا که مرجع تقلید با ویژگی‌هایی که دارد تمام توان خود را برای استنباط آن حکم به کار گرفته است و از روی صداقت و امانت بی‌هیچ اضافه و کاستی آن را برای ما بیان داشته است.
بندگان شایسته خدا همیشه در برابر احکام الهی سراپا تسلیم بوده‌اند یکی از یاران امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: «به خدا سوگند اگر اناری را دو نیم کنی و بگویی نیمی از آن حلال و نیم دیگرش حرام است؛ «من گواهی می‌دهم آنچه را حلال دانسته‌اید حلال است و آنچه را حرام دانسته‌اید، حرام است»
امام عقیده پاک و زلال او را آفرین گفت
(خدا تو را رحمت کند، خدا تو را رحمت کند!) «۱۰»

قداست فتوا

وحی الهی مقدّس است چون از سوی خداست و در آن خطا و اشتباه راه ندارد و مرجع تقلید نیز که به فهم احکام دینی از وحی الهی موفق می‌شود و بر اساس آن فتوا می‌دهد فتوای او مقدّس است چرا که تلاش کرده تا وحی الهی را بازگو کند

گرچه مرجع تقلید، معصوم نیست و ممکن است در مواردی به فهم صحیح وحی نائل نیامده باشد ولی چون تنها راه مطمئن ما به وحی الهی، فتوای اوست و او نیز در کمال امانت و صداقت آنچه را فهمیده است بازگو می‌کند. فتوای او محترم و مقدّس است و به حکم عقل باید از آن پیروی کنیم
پیروی از مرجع تقلید که به آن «تقلید» گفته می‌شود، پیروی از کارشناس و متخصص دینی است و کاری است عاقلانه و سنجیده و منطقی
ما به مرجع تقلید عشق می‌ورزیم و به او احترام ویژه می‌گذاریم و احکام دینی خود را از او فرا می‌گیریم

۳

فدایی ولایت

ولایتی که برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام می‌باشد برای فقیه هم ثابت است. در این (مطلب هیچ شکی نیست. ۱۱)

من هم مثل شما تعجب کردم وقتی که دیدم عده‌ای از بانوان پشت در خانه جمع شده‌اند. شما به من فرمودید: اسماء! ببین چه خبر است

من رفتم و خبر آوردم که: عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت شما آمده‌اند. عده‌شان زیاد بود. وقتی دور بستر شما را گرفتند، اتاق کاملاً پر شد. شما را دیدند که پهلویتان شکسته بود، میخ‌های در سینه‌تان را زخم‌آلود کرده بود!

بازویتان مجروح بود و صورتتان کبود

یکی از آنان به نیابت از همه احوالتان را پرسید

ای دختر رسول خدا! با این بیماری، شب را چگونه به صبح آوردید؟

از دنیای شما بیزارم و از مردان شما خشمگین» -

چرا نگذاشتند حق در مرکز رسالت قرار یابد؟ و چرا پایگاه خلافت نبوی را از منزل وحی دور کردند؟ همان منزلی که محل فرود آمدن جبرئیل بود و پیکره رسالت بر پایه‌های آن استوار شده بود. چرا افراد مسلط به امور دنیا و آخرت را کنار زدند و دیگران را جایگزین کردند؟

این، بی‌تردید زیانی آشکار و بزرگ است
 چه چیز سبب شد که از ابوالحسن (علی‌علیه‌السلام) کینه به دل بگیرند و او را کنار بگذارند؟
 من به شما می‌گویم،
 به این دلیل که شمشیر عدالت او خویش و بیگانه نمی‌شناخت
 به این دلیل که او از مرگ هراس نداشت
 به این دلیل که در مسیر رضای خدا از هیچ چیز باک نداشت و به هیچ‌کس رحم نمی‌کرد
 به این دلیل که در کار خدا اهل سازش و مُداهنه و مدارا نبود
 سوگند به خدا اگر زمام امور را به او می‌سپردید، او کارها را سامان می‌بخشید و امت را به آسانی در مسیر
 هدایت و سعادت قرار می‌داد و به مقصد می‌رساند و کمترین حقی از کسی ضایع نمی‌شد
 او در پنهان و آشکار و در حضور یا غیبت مردم، خیرشان را می‌خواست
 اهل استفاده شخصی از بیت‌المال نبود و از حُطام دنیا هم تنها به قدر نیاز برمی‌گرفت؛ آب آن قدر که تشنگی فرو
 «(بنشینند و غذایی مختصر آنقدر که گرسنگی با آن مرتفع شود، همین و بس). (۱۲)
 ولایت فقیه

نقش «ولایت امام» را در جامعه شناختیم. سخن اینجاست که آیا در عصر غیبت، که مردم دسترسی به امام
 معصوم ندارند، ولایت و سرپرستی جامعه با کیست؟
 بی‌شک همانگونه که ولایت امام از سوی خدا و ابلاغ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است، پس از امامان نیز
 ولی و سرپرست جامعه باید از سوی خدا و ابلاغ امام‌علیه‌السلام تعیین شود
 نامه‌ای به محضر مبارک امام زمان علیه‌السلام نوشت و مسأله را از ایشان پرسید. جواب به خط مبارک آن
 حضرت به دستش رسید

وَأَمَّا الْحَوَائِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ
 و در پیشامدها - و مسائل دینی - به روایان حدیث (فقیهان جامع الشرائط) مراجعه کنید که آنان بر شما حجّت و
 (راهنمایند و من حجّت خدایم). (۱۳)

یعنی: قلب تپنده جامعه اسلامی «ولی فقیه» است
 نگاهبان دین از تحریف‌ها «ولی فقیه» است
 نجات دهنده دین از چنگال دشمنان «ولی فقیه» است
 و مرجع نهایی حلّ و فصل اختلاف‌ها «ولی فقیه» است
 ولایت فقیه، استمرار حضور امامان است. ولی فقیه نماینده امام زمان است و با وجود او به دین و مملکت آسیبی
 نخواهد رسید

ولی فقیه چون سایرین موظف به رعایت موازین اسلام است. یعنی آنچه حاکم است دین و فقاقت است
 (شرایط و صفات ولی فقیه) رهبر
 (. صلاحیت علمی لازم برای استنباط احکام در ابواب مختلف فقه) اجتهاد ۱.
 عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی ۲.
 بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری ۳.
 (در صورت تعدّد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدّم است). (۴)

(وظایف و اختیارات ولی فقیه) رهبر
 تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱.
 نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام ۲.
 فرمان همه‌پرسی ۳.
 فرماندهی کلّ نیروهای مسلح ۴.
 اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها ۵.
 نصب و عزل و قبول استعفاء ۶.
 الف: فقهای شورای نگهبان
 ب: عالیترین مقام قوه قضائیه
 ج: رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

- د: رئیس ستاد مشترك
 ه: فرمانده كل سپاه پاسداران انقلاب اسلامي
 و: فرماندهان عالي نيروهاي نظامي و انتظامي
 ح: اختلاف و تنظيم روابط قواي سه‌گانه ۷
 حلّ معضلات نظام كه از طرق عادي قابل حلّ نيست، از طريق مجمع تشخيص مصلحت نظام ۸.
 امضاء حكم رياست جمهوري پس از انتخاب مردم، صلاحيت داوطلبان رياست جمهوري از جهت دارا بودن ۹.
 شرايطي كه در اين قانون مي‌آيد بايد قبل از انتخابات به تأييد شوراي نگهبان و در دوره اول به تأييد رهبري برسد
 عزل رئيس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حكم ديوان عالي کشور به تخلف وي از ۱۰.
 وظائف قانوني، يا رأی مجلس شورای اسلامي به عدم كفايت وي براساس اصل هشتماد و نهم
 عفو يا تخفيف مجازات محكومين در حدود موازين اسلامي پس از پيشنهاد رئيس قوه قضائيه ۱۱.

اطاعت از رهبري
 با گوشه‌هایی از شيكوه‌های حضرت زهرا عليها السلام آشنا شدیم. روح کلام ایشان این بود که اگر حمايت مردم نباشد رهبر اسلامي قدرت اجتماعي براي حاکم ساختن قانون اسلام را ندارد
 حمايت از رهبري ويژه مردان نيست در طول تاريخ بانواني قهرمان از ولايت و رهبري ائمه عليهم السلام دفاع کردند و در دوران انقلاب حضور بانوان و حمايت آنان از مقام بلند ولايت فقيه چشمگير بوده و هست
 امروز كه روز حكومت قانون اسلام است بايد بدانيم كه حكومت قانون تنها با ولايت و نظارت وليّ فقيه و حضور مردم ميسور است

۴

بلوغ شاخه‌ها

(يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا) (۱۵)
 ای مردم، در حقيقت براي شما از جانب پروردگارتان برهاني آمده است و ما به سوي شما نوري تابناك فرو فرستاديم
 در صبح دل‌انگيز بهاري بر لب حوض خانه نشسته‌ای و غرق در تفکر گشته‌ای؛ به درختان می‌اندیشی که چگونه ناگهان عوض شده‌اند و به شاخه‌ها که چگونه پر از برگ و شکوفه گشته‌اند
 شاخه‌ها از این پس می‌خواهند با طراوت و معطر باشند، میوه بدهند، و سایه مهر و عطوفت بر دیگران بگسترانند
 اینست‌های و به «بلوغ شاخه‌ها» می‌اندیشی
 از بلوغ شاخه‌ها به بلوغ خود پی می‌بری، چرا که دیگر حسّ پرستش و وظیفه‌شناسی در تو سبز و شکوفا شده، دیگر کودکی نیستی که در شناخت پیرامون خود تنها از حواس پنج‌گانه ات كمك بگیری، عقل تو بيدار شده است، همه چیز در نگاه تو تحوّل و تغيير یافته است
 دیگر دوست نداری مثل همیشه به لهو و لعب و به سرگرمی‌ها و بازی‌های بی‌هدف بپردازي و کارهايت بدون هدف و آرمان باشد
 می‌خواهی در تمام گذشته‌های خود تجدیدنظر کنی و افکار و عقاید خود را بر اساس حقّ و حقيقت و با واقع‌بینی تنظيم کنی
 در این بحبوحه فکري شديداً به راهنمایی دانا، دلسوز و مهربان نیاز داری. تو دیگر بالغ شده‌ای خداوند، پیامبران و امامان را به یاری تو فرستاده تا دنیا و آخرت تو را براساس عقل و فطرت تو پی‌ریزی کنند و تو «مكلف» هستی که براساس دستورها و راهنمایی آنان زندگی کنی

نشانه‌های بلوغ

بلوغ جنسی دختران به حسب آب و هوا، نژاد و تغذیه و وضعیت روحی و جسمی آنان متفاوت است. از نشانه‌های آشکار و مهم آن «اولین قاعدگی» است که معمولاً در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی، دختران با آن مواجه می‌شوند. (۱۶)

دختران بلوغ دیگری نیز دارند که چند سال زودتر از بلوغ جنسی به آن می‌رسند، که از آن به «بلوغ دینی» تعبیر می‌شود، با رسیدن به بلوغ دینی، باید تکالیف دینی را به خوبی انجام دهند. بلوغ دینی سه نشانه دارد که می‌توان با رجوع به رساله توضیح المسائل از آن آگاهی یافت ما به يك نشانه بسنده می‌کنیم و آن پایان یافتن ۹ سال قمری است (۱۷) و چون هر سال قمری، ۱۰ روز و ۱۸ ساعت از سال شمسی کمتر می‌باشد، دختران ۹۶ روز و ۸ ساعت زودتر از ۹ سال شمسی به سن بلوغ قدم می‌گذارند.

پنجره‌های اعمال

خانه قلب تو پنجره‌های لطیف و ظریف دارد، تو با انجام دادن هر کار پنجره‌ای از قلبت را به سوی آن کار می‌گشایی و با ترك کردن هر کار پنجره‌های قلبت را به روی آن کار می‌بندی، اسلام براساس شناخت کاملی که از تو و جهان پیرامون تو دارد در برابر هر کاری، حکمی دارد او می‌داند که اگر پنجره‌ای از قلبت را به سوی کدام کارها بگشایی نسیم معطری به خانه قلبت خواهد وزید؟ و اگر به سوی کدام کارها بگشایی فضای قلبت را آلوده خواهد کرد؟

احکام دینی عبارتند از:

۱. واجب؛ عملی است پسندیده که انجام آن لازم است و ترك آن عذاب دارد؛ مانند پوشش بدن و موی زن در برابر نامحرم و اطاعت از خدا و پیامبر و امامان
۲. حرام؛ عملی است که ترك آن لازم است و انجام آن عذاب دارد؛ مانند جلوه‌گری در برابر نامحرم، آزردن پدر و مادر، و نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم
۳. مستحب؛ عملی است پسندیده که انجام آن پاداش دارد، ولی ترك آن عذاب ندارد؛ مانند شستن میوه پیش از خوردن، یاد کردن امام حسین علیه السلام بعد از آشامیدن آب و نفرین کردن بر قاتلان آن حضرت
۴. مکروه؛ عملی است که ترك آن زیباست و پاداش دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند گذاشتن نان زیر ظرف غذا، و آشامیدن آب بعد از غذای چرب
۵. مباح؛ عملی است که انجام و ترك آن یکسان است و پاداش یا عذاب ندارد؛ مانند استراحت کردن، و (سرگرمی‌های حلال). (۱۸)

آشنایی با زبان احکام

هر علم و فنی زبان مخصوص به خود را دارد. زبان شعر و هنر با زبان روانشناسی فرق دارد، زبان زیست‌شناسی با زبان تاریخ متفاوت است. احکام نیز زبان مخصوص به خود را داراست. رساله را برمی‌داریم به واژه‌هایی برمی‌خوریم که معانی آنها را نمی‌دانیم. اکنون با چند واژه آشنا می‌شویم.

(فتوا) یا بیان حکم توسط مجتهد ۱.

حکم مسأله ذکر شده است مثلاً گفته شده است: واجب است، حرام است، جایز است، واژه‌های زیر نیز به معنای فتواست

أظهر این است - أقرب این است - اقوی این است - بعید نیست
این واژه‌ها به معنای فتواست یعنی باید براساس آن عمل شود

احتیاط واجب ۲.

حکم مسأله ذکر نشده فقط گفته است (احتیاط این است که) (و یا گفته است) (احتیاط واجب این است که) مقلد موظف است یکی از این دو کار را انجام دهد.
الف: براساس همین احتیاط عمل کند
ب: اگر مجتهد دیگری که از نظر علمی نسبت به همسطح ایشان یا ایشان پایین‌تر و از دیگران بالاتر است در این مسأله فتوا داده است، به فتوای او عمل کند

مثال: اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنا بر احتیاط (واجب، باید تا قبل از اذان صبح، بدون این که نیت اداء یا قضا کند نماز را بجا آورد. (۱۹) احتیاط مستحب ۳. حکم مسأله ذکر شده ولی در کنار آن گفته شده: (احتیاط آن است که) و یا گفته شده (احتیاط مستحب آن است که)

در اینجا بهتر است به احتیاط عمل کنیم و به ثواب بیشتری دست یابیم
مثال: اگر مکلف نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است ولی احتیاط (آن است که اگر وقت دارد نماز را دوباره بخواند. (۲۰)
به طور خلاصه اگر

الف: هم حکم بود و هم احتیاط، این احتیاط، مستحب است
ب: اگر از اول با لفظ «احتیاط» یا «احتیاط واجب» بیان شد، و حکم، ذکر نشد این احتیاط واجب است. (۲۱)

راههای دستیابی به احکام

از راههای زیر می‌توان از حکم مرجع تقلید خود در مسائل گوناگون اطلاع یافت و براساس آن عمل کرد
با شنیدن از خود ایشان ۱.
با خواندن از رساله معتبری که با مهر و اجازه ایشان چاپ شده است. ۲.
با پرسیدن از يك یا دو تن عادل که فتوای ایشان را می‌دانند. ۳.
با پرسیدن از شخص راستگو و مورد اعتمادمان. (۲۲). ۴.

دوران بازنگری

دوران سبز بلوغ باید دوران بازنگری به گذشته هم باشد
گاهی انسان در ایام کودکی کارهایی انجام داده است که هم اکنون موظف است آنها را جبران کند مانند ضایع کردن حقوق دیگران که از آن به «حق الناس» یا «حقوق الناس» تعبیر می‌شود
یکی از حقوق الناس، حقوق مالی آنهاست. بنابراین اگر چیزی از اموال مردم را از بین برده و یا خسارتی وارد (کرده‌ایم نزد صاحبان آن اموال می‌رویم و به هر طریق ممکن، آنها را راضی و خشنود می‌کنیم. (۲۳)
خمس نیز از حقوق مالی است، بنابراین اگر در ایام پیش از بلوغ سرمایه‌ای داشته‌ایم و از آن منافعی به دست (آورده‌ایم بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازیم. (۲۴)

۵

بر صراط مستقیم

(مَایْرِذُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْنَا مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ) (۲۵)
خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک گرداند
ظرف‌ها را چند بار آب می‌کشد، هر روز لباسهایش را می‌شوید، گاهی در و دیوار خانه را آب می‌کشد. کمتر اتفاق می‌افتد به میهمانی برود و یا غذاهای آنها را نجس نداند، همیشه ترشرو و عصبانی است، فکر می‌کند همه چیز نجس است و همه مردم بی‌مبالا هستند
او به بلای شیطانی «وسواس» گرفتار شده است. باید بداند که زندگی روز به روز بر او تنگتر خواهد شد و روی آرامش و خوشبختی را نخواهد دید. او از جاده مستقیم دین منحرف گشته است، هرچه سریعتر باید وسوسه‌های شیطانی را نادیده انگارد و به همان راه و رسمی که آدمهای متدین و مسأله‌دان عمل می‌کنند، عمل کند
بعضی‌ها برخلاف وسواسی‌ها، همه چیز را پاک می‌دانند به قول خودشان دلشان پاک است، کمتر اتفاق می‌افتد که به طهارت و نجاست اهمیت دهند و جایی را که نجس شده است به روش صحیح تطهیر نمایند

اینها نیز مسیر انحرافی را می‌پیمایند باید هر چه سریعتر به دستورات اسلام در این زمینه اهمیت داده و بر اساس آن زندگی کنند. برای آنکه دچار اشتباه و کج سلیقه‌نگری نگردیم باید ابتدا نجس‌ها را بشناسیم و آنگاه راه پاکسازی چیزهای نجس را فراگیریم.

پاك‌ها و نجس‌ها

ممکن است چیزی کثیف باشد ولی نجس نباشد و یا چیزی تمیز باشد ولی پاك نباشد. بنابراین پاکی و نجسی غیر از تمیزی و کثیفی است. نجس‌ها انگشت شمارند. با احکام برخی از آنها آشنا می‌شویم.

نجس‌ها

نجس‌ها عبارتند از:

۱. ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند یعنی اگر رگ آنها را ببریم خون بیرون می‌جهد مانند گربه، موش و روباه
 ۲. منی، مردار و خون انسان و حیوان‌هایی که خون جهنده دارند مانند گوسفند و گربه
 ۳. سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند
 ۴. شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر
 ۵. آبجو غیرطبی
 ۶. عرق شتر نجاستخوار
 ۷. (کافر) (۲۶)
- برخی نجاست‌های دیگر نیز هست که برای اطلاع بیشتر می‌توانید به رساله توضیح المسائل رجوع کنید.

نجاست مُسری

نجس‌ها را شناختیم. نجس‌ها می‌توانند چیزهای پاك را از طریق زیر نجس کنند

- × پاك با نجس تماس برقرار کند
 - × یکی از آنها یا هر دو، مرطوب باشند
 - × رطوبت یکی به دیگری سرایت کند
- بنابراین اگر نجاست، خشک باشد و چیزی که با آن تماس برقرار می‌کند آن هم خشک باشد، نجاست سرایت نمی‌کند
- البته باید به فراتر از اینها اندیشید: آیا اگر يك دختر پاك با دختر آلوده‌ای به گونه‌ای گرم و صمیمی ارتباط برقرار کرد آلوده نمی‌شود؟

احکام نجس‌ها

از نجس‌ها و چیزهایی که نجس شده‌اند بپرهیزیم به عنوان نمونه

- (۱. ۲۷) خوردن و آشامیدن نجس و چیز نجس شده حرام است.
- (۲. ۲۸) (با بدن یا لباس نجس نماز نخوانیم که اگر عمدی باشد نماز، باطل است.)
- (۳. ۲۹) (بر نجس تیمم نکنیم که باطل است.)
- (۴. ۳۰) (بر نجس سجده نکنیم که باطل است.)

پاك‌کننده‌ها

انسان دوست دارد پاك و پاکیزه باشد. خداوند نیز به این خواسته پسنديده او پاسخ مثبت داده و بعضی از چیزها را پاك‌کننده قرار داده است

یکی از پاك‌کننده‌ها «آب» است البته ممکن است بعضی از مایعات دیگر و مواد شیمیایی و بخار آب در بین مردم پاك‌کننده به شمار آیند ولی از نظر شرعی پاك‌کننده نیستند

همچنین آب نیز اگر با چیز دیگری مخلوط شود به طوری که دیگر به آن آب نگویند نمی‌تواند پاك‌کننده باشد. مثل آبلوغ یا آب میوه و در اصطلاح به آن «آب مضاف» می‌گویند

آب اگر مضاف نباشد، مطلق است و تنها آب مطلق پاك کننده است

اقسام آب مطلق

آب باران ۱.

آب چاه ۲.

(آب جاری) آبی که از زمین می‌جوشد و جاری می‌شود ۳.

(آب راکد) آبی که از زمین نمی‌جوشد ۴.

(:آب راکد) دوگونه است

(آب قلیل) آبی که کمتر از اندازه مخصوص است ۱.

(آب کُر) آبی که به اندازه مخصوص یا بیشتر از آن است ۲.

مقدار آب کُر

اگر حوضچه‌ای داشته باشیم که ۳۸۵ لیتر آب خالص در دمای معمولی را در خود جای دهد مطمئن هستیم که این مقدار آب، کُر است (۳۱)؛ البته حضرت امام خمینی رحمه الله کمتر از این مقدار را نیز کُر می‌دانند یعنی (۱۹/۳۷۷) لیتر آب. آبی که از مقدار کُر کمتر باشد «آب قلیل» نامیده می‌شود. (۳۲)

آب لوله‌ها

آب لوله‌ها که به منبع بزرگ آب، متصل است و آب هر لوله‌ای که به آب کُر متصل باشد، حکم آب کُر را دارد البته تا آن لحظه که آب از لوله می‌آید و منبع آن، کمتر از کُر نشده است. ولی آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوشها می‌ریزد اگر متصل به کُر باشد در حکم آب جاری است. (۳۳)

احکام آب مطلق

تمام آبهای مطلق، به جز آب قلیل تا آن زمان که بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشند پاك و پاك ۱. (کننده هستند). (۳۴)

(آب قلیل به محض تماس با نجاست، نجس می‌شود و دیگر پاك کننده نیست). (۳۵، ۲)

به عنوان مثال

اگر در آب کُر یا آب جاری لباسهای نجس را شسته باشند آن آبها پاك و پاك کننده هستند مگر آنکه بو یا رنگ یا مزه نجاست به خود گرفته باشند البته در این صورت ممکن است این آب، بهداشتی نباشد ولی مسأله بهداشت و تمیزی چیز دیگری است

همین‌طور اگر کوچکترین نجاست یا چیز نجسی به آب ظرف و تشت بخورد دیگر آن آب، پاك و پاك کننده نخواهد بود

۶

فرهنگ پاکسازی

إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خدا پاك است، پاك را دوست دارد، پاکیزه است، پاکیزگی را دوست دارد. (۳۶)

همیشه تمیز و نظیف است، خانه را تمیز نگه می‌دارد، شیشه‌های در و پنجره را تمیز می‌کند، دیوار و سقف اتاقها را گردگیری می‌کند تار عنکبوتها را می‌گیرد، اثاث خانه را گردگیری می‌کند، ظرفهای کثیف و چرب را روی هم انباشته نمی‌کند به موقع همه چیز را تمیز می‌کند و در جای خودش قرار می‌دهد او پاك و پاکیزه است و خدا نیز او را دوست دارد

ارزش ما در این نیست که وسائل و لوازم منزلمان نو و گران قیمت باشند بلکه ارزش در این است که همه چیز تمیز، منظم و مرتب باشد. البته باید توجه داشته باشیم که در اسلام پاکی و طهارت با تمیزی فرق می‌کند بنابراین علاوه بر تمیزی باید پاک هم باشیم.

چیزهای نجس را باید پاک کرد. بعضی فکر می‌کنند اگر پارچه مرطوبی را روی فرش یا زمین نجس بکشند پاک می‌شود و یا با ریختن مقداری آب و جمع کردن آن آنها، چیز نجس پاک می‌شود، اینگونه نیست. تطهیر و پاکسازی اشیاء نجس آداب خاصی دارد که می‌توان به آسانی آن را فرا گرفت قبل از تطهیر، عین نجاست را از چیز نجس برطرف می‌کنیم آن‌گاه آن را با آب به روشی که خواهیم گفت تطهیر می‌کنیم.

تطهیر ظروف

با آب گُر، جاری و چاه: يك بار در آب فرو می‌بریم و بیرون می‌آوریم با آب لوله (وصل به کر یا جاری): آن را زیر شیر آب می‌گیریم تا آب به همه جای آن برسد و از ظرف جدا شود.
با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده خالی می‌کنیم و یا سه مرتبه مقداری آب داخل آن می‌ریزیم و هر مرتبه آب را طوری داخل آن می‌گردانیم که به جاهای نجس برسد و بیرون می‌ریزیم.
البته ظرفی را که سگ آن را لیسیده و یا از آن مایعی نوشیده است باید قبل از تطهیر با خاک پاک، خاکمالي کرد (آنگاه بنابر احتیاط واجب دو مرتبه آب کشید). (۳۷)

تطهیر غیر ظروف

غیر ظروف مانند لباس و فرش را به طریق زیر تطهیر می‌کنیم:
با آب گُر، جاری و چاه: يك مرتبه در آب فرو می‌بریم و بیرون می‌آوریم و اگر آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است بنابر احتیاط واجب آب را داخل آن می‌رسانیم و آن را خارج می‌کنیم.
با آب لوله (وصل به گُر یا جاری): يك مرتبه زیر شیر آب می‌گیریم و یا شلنگ آب را روی آن می‌گیریم و اگر آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است بنابر احتیاط واجب آب را داخل آن می‌رسانیم و خارج می‌کنیم.
با آب قلیل: اگر با بول نجس شده آن را دو مرتبه و اگر با چیز دیگری نجس شده آن را يك مرتبه می‌شوئیم و در هر صورت اگر آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است باید بعد از هر بار شستن آن را بفشاریم تا آبهای داخلش بیرون بیاید و یا به گونه‌ای دیگر آب را بگیریم.

توجه:

غیر ظروف، اگر به بول پسر بچه شیرخواری که غذاخور نشده نجس شوند، اگر يك مرتبه آب روی آن بریزیم (که به تمام جاهای نجس برسد پاک می‌شود و در فرش و لباس و مانند آن، فشار دادن هم لازم نیست). (۳۸)

لباسشویی‌ها

ابتدا عین نجاست را از لباسها برطرف می‌کنیم، آنگاه لباسها را داخل لباسشویی می‌ریزیم اگر لباسشویی پس از جمع شدن مقداری آب در مخزن، آبش قطع می‌شود و شروع به شستن می‌کند باید دوبار آن را بشوید و هر دفعه آب (آن خارج گردد و اگر آب لباسشویی قطع نمی‌شود يك بار شستن کافی است). (۳۹)

درباره لباسشویی‌های عمومی به این دو نکته توجه کنیم

۱. اگر لباس را پاک تحویل داده‌ایم ولی شك داریم که نجس شده است یا نه، پاک است.
۲. اگر لباسمان نجس بوده و متصدی شستن که مسلمان است بگوید آن را تطهیر کرده‌ام، حکم لباس پاک را دارد.

خشك‌شویی‌ها

لباسی را که نجس است نباید داخل خشك‌شویی انداخت باید ابتدا خودمان یا متصدی خشك‌شویی آن را تطهیر کند و داخل دستگاه بیندازد. چون خشك‌شویی با مواد شیمیایی مانند بنزین و سایر مواد پاک‌کننده، لباسها را تمیز می‌کند

و با آب و شستن سر و کار ندارد. بنابراین

۱. اگر لباس پاك خود را تحویل خشكشویی دادیم و شكّ کردیم که آیا در دستگاه نجس شده است یا نه، آن لباس، پاك است
 ۲. اگر یقین پیدا کنیم که لباس ما با لباسهای نجس مخلوط شده، لباس ما نجس است.
 ۳. اگر لباس ما نجس بوده و فراموش کرده‌ایم که به متصدی خشكشویی تذکر دهیم باید از او بپرسیم چنانچه آن (را تطهیر نکرده باشد، نجس است). (۴۰)
- تطهیر جامدات
- اگر گندم، برنج، گوشت، صابون و چیزهای جامد دیگر نجس شوند:
۱. اگر فقط ظاهر آنها نجس شده باشد، تطهیر آنها همانند ظروف نجس انجام می‌پذیرد.
 ۲. اگر نجاست به درون آنها هم رسیده باشد، قابل تطهیر نیستند.
 ۳. (اگر شكّ داریم نجاست به باطن آنها رسیده است یا نه، تطهیر ظاهر آنها کافی است). (۴۱)

تطهیر زمین نجس با آب گرّ، جاری و لوله: ابتدا عین نجاست را برطرف می‌کنیم آنگاه آب را روی آن می‌گیریم تا تمام جاهای نجس را فراگیرد

با آب قلیل: اگر زمین سخت و محکم نیست و آب را فرو می‌گیرد قابل تطهیر نیست ولی اگر آب بر آن جاری می‌شود، آب قلیل را روی محلّ نجس می‌ریزیم تا آب، جاری شود، آنگاه آب را به داخل چاه و فاضلاب هدایت می‌کنیم

(زمینی که روی آن شن یا ریگ است با آب قلیل پاك می‌شود ولی زیر شن‌ها و ریگ‌ها نجس می‌ماند). (۴۲)

۷

پاکسازی بدن

(وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ) (۴۳)

و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد

بهشت سراسر پاکی و قداست است و بهشتیان همه پاك‌اند آنان پاکی را از این دنیا به ارمغان برده‌اند

میل به طهارت و پاکی امری فطری است، همه به ویژه دوشیزگان و بانوان دوست دارند پاك و پاکیزه باشند

اگر آدمی در همین اندام و زندگی دنیا خلاصه می‌شد، پاکیزگی او به همین شستشوی عادی بود؛ ولی او علاوه بر اندام، روح لطیف و پاك خواه دارد و زندگی او با پایان یافتن دنیا به شکلی زیباتر، لطیف‌تر و برتر ادامه می‌یابد

از این‌رو برای تحصیل طهارت و پاکی باید همه جانبه عمل کند تا روح او نیز پاك گردد و گستره پاکیزگی او آخرت را هم فراگیرد

اسلام که به خوبی، آدمی و نیازهای فطری او را می‌شناسد، برای پاکیزگی روح و اندام او راههایی را ارائه داده است که یکی از آنها «غسل» است. غسل تنها شستن اندام نیست بلکه امر معنوی و عبادی است از این‌رو باید همراه با نیت «اطاعت دستور خداوند» باشد

غسلهای واجب

غسلهای واجب دو دسته‌اند

۱. غسلهایی که بر دختران و پسران واجب می‌شوند که عبارتند از: غسل جنابت، غسل مسّ میّت و غسل میّت
۲. (غسلهایی که ویژه دختران و بانوان هستند که عبارتند از: غسل حیض، غسل استحاضه و غسل نفاس). (۴۴)

غسل مسّ میّت

اگر انسان جایی از بدن خود را به مُرده‌ای که بدنش سرد شده و هنوز غسلش نداده‌اند، برساند باید غسل مسّ (میّت) کند و برای انجام کارهایی که به وضو نیاز دارند، وضو هم بگیرد. (۴۵)

روشن بینی

با قدم نهادن به دوران سبز بلوغ جنسی دنیایی شیرین، لذیذ و در عین حال شگفت و رؤیایگونه در برابر چشمان نوباوگان ظاهر می‌شود. در این دوره ویژگی‌های جنسی و ترکیب و تناسب اندام کاملاً مشخص و نمایان می‌گردد. میل و غریزه جنسی که خداوند آن را برای تشکیل يك خانواده گرم و صمیمی، در انسان به ودیعت نهاده است، شکوفا و شکوفاتر می‌گردد.

در این دوران حساس مواظبت و مراقبت از آرزوها، میل‌ها و خواسته‌ها در پرتو تعالیم نجات‌بخش اسلام، لازم و ضروری است.

چه بسا دخترانی که تحت تأثیر محیط‌های آلوده و برنامه‌های فسادانگیز قرار گرفته و کرامت خود را فراموش کرده و به پشیمانی ابدی دچار شده‌اند.

غرب که می‌کوشد فرهنگ و تمدن خود را بر نوجوانان و جوانان ما غالب کند، دختران و دوشیزگان را به دنیایی پر از تیرگی‌ها و سرگردانی‌ها کشانده است و خود نیز به این معترف است. اسلام از ما می‌خواهد که به خصوص در این ایام از هرگونه برنامه و حتی خیالی که غریزه جنسی را تحریک می‌کند به شدت پرهیزیم.

اسلام از دختران پاک و معصوم می‌خواهد که در اولین وقت ممکن ازدواج کنند و از حوادث ناگوار روزگار خود را نجات دهند.

جنابت

اگر منی از انسان خارج شود چه در خواب باشد و چه در بیداری، انسان «جُنُب» می‌شود البته از راه آمیزش (حلال یا حرام نیز انسان جُنُب می‌شود). (۶)

(بنابر این توجه به این نکته لازم است که ممکن است دختران نیز به واسطه خروج منی، جنب شوند). (۷)

در تاریخ آمده است

زنی نزد پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم آمد و با شرم و حیا پرسید:

اگر زنی در خواب آنچه را که مردان می‌بینند ببیند حکمش چیست؟

پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آیا همراه با لَدَت است؟

زن گفت: آری

(پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آنچه بر مردان است بر او نیز هست) باید غسل جنابت کند (۸)

بنابر این اگر کسی یقین کند که آنچه بیرون آمده منی است باید غسل کند و اگر یقین ندارد، چنانچه رطوبتی که از او خارج شده همراه با شهوت باشد حکم منی را دارد و باید غسل جنابت کند و اگر این نشانه را نداشته باشد و یا (شكّ کند که اینگونه بوده است یا نه، غسل بر او واجب نیست). (۹)

بنابر این ترشحات سفید رنگ و سایر ترشحات و آبها، همگی پاک‌اند و نباید زمینه وسواس ما را فراهم (سازند). (۱۰)

آداب ویژه غسل

به دو روش می‌توان غسل کرد

ترتیبی ۱.

به نیت غسل ابتدا سر و گردن را می‌شوئیم، سپس نیمه راست بدن، و بعد از آن نیمه چپ بدن را

ارتاماسی ۲.

به یکی از دو روش زیر غسل می‌کنیم

یا به نیت غسل به تدریج زیر آب می‌رویم تا تمام بدن در آب قرار گیرد. هر چند احتیاط آن است که یکدفعه ×

زیر آب رویم

و یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل، بدن را تکان می‌دهیم ×

احکام غسل

با کیفیت غسل کردن آشنا شدید، در اینجا به برخی نکته‌های مهم اشاره می‌کنیم

۱. چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف کنیم و اگر پیش از این کار غسل کنیم، غسل، باطل است. (۵۱)
- (در غسل، باید آب بر بدن جاری شود و به تمام آن برسد ولی دست کشیدن لازم نیست. (۵۲، ۲)
۳. شستن قسمت داخلی لاله گوش و نیز بین انگشتان پا واجب است ولی شستن جاهایی که دیده نمی‌شوند مانند داخل گوش و بینی واجب نیست
- هنگام غسل پای خود را از زمین برداریم تا کف پا هم آب برسد و شسته شود. ۵
۶. اگر در بین غسل کردن کاری که وضو را باطل می‌کند از انسان سر زند، غسل او باطل نمی‌شود. ولی برای (نماز باید وضو بگیرد. (۵۳)
- اگر کسی شك دارد که غسل کرده است یا نه، واجب است غسل کند. ۷
- کسی که غسل کرده و پس از غسل شك می‌کند که غسل او صحیح بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل کند. (۵۴)

پدیده قاعدگی

- (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ آذَىٰ) ۵۵
- ای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم (از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می‌پرسند، بگو: آن، يك نوع رنج است) صدای گریه نوزاد، تبسم‌های نمکین، چنگ زدن‌ها و خوشمزگی‌هایش؛ همه چیزش زیبا و دوست داشتنی است
- او به يك «روح لطیف» نیاز دارد تا زیبایی‌هایش را درك کند
- يك «عاطفه عالی» که او را با مهر بیرواند
- و يك «احساس سرشار» که خواسته‌هایش را لمس کند
- او به يك «مادر» نیاز دارد
- این مادر است که با عشق و علاقه، رنج و زحمت بارداری او را تحمل می‌کند
- عادت ماهانه یا قاعدگی، اعلان آمادگی برای پرورش جنین و مادر شدن است
- این پدیده تازه و کاملاً طبیعی معمولاً در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی برای دختران پیش می‌آید سطح داخلی رحم کنده می‌شود؛ ابتدا عروق منقبض و سپس منبسط شده خونریزی شدید آغاز می‌شود و لایه‌ها در اثر نداشتن خون و از پا درآمدن کنده شده خارج می‌گردد، اما خونی است که لخته نمی‌شود و به طور متوسط تا روز چهارم زیاد است، حرارت بدن در نیمه دوم قاعدگی بیشتر ولی فشار خون کمتر است
- در این ایام زن، بیمار نیست ولی ممکن است کم خون و عصبانی باشد و نتواند به خوبی کارهایش را انجام دهد. (او نیاز به عواطف پدران و مادرانه دارد. (۵۶)
- البته چنانچه او به این حقیقت آگاه باشد که قاعدگی هرگز حالت بیماری نیست بلکه کاملاً طبیعی و برای بدن او لازم است، بی‌شك می‌تواند طبق معمول و بدون ناراحتی و نگرانی به کارهای روزانه خود بپردازد بدون آنکه حتی اطرافیان او متوجه شوند، ولی توجه به نظافت و جلوگیری از کارهای سنگین و خسته کننده در دوران قاعدگی (بیش از هر زمان ضرورت دارد. (۵۷)
- به خونی که در ایام قاعدگی دیده می‌شود «خون قاعدگی» یا «خون حیض» گفته می‌شود. این خون دارای نشانه‌های زیر است
۱. سُرخ و بعضی اوقات مایل به سیاه است
 ۲. غالباً گرم بوده و با فشار و سوزش همراه است
 ۳. مدت آن از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نیست
 ۴. خونریزی در سه روز اول به طور مستمر می‌باشد
 ۵. فاصله دو حیض حداقل ده روز می‌باشد

حَذَاقِلَ سَنِّ بَرَّاءِ قَاعِدِغِ ٩ سال قمری و حَذَاكْثَرِ سَنِّ بَرَّاءِ بَاتَوَانِ سَيِّدِه ٦٠ سال قمری و بَرَّاءِ دِيكَرَانِ ٥٠ . ٦ (سال قمری است). ٥٨)

تشخيص كامل

زن خونريزي‌هاي ديگري نيز دارد مانند «خون استحاضه» و «خون نفاس». از اين رو بَرَّاءِ تشخيص كامل خون حيض بايد دقت‌هاي زير را بكار بندد
چهار گروه از بانوان بايد دقت كنند اگر خونی را كه مي‌بينند نشانه‌هاي خون حيض را داراست بايد آن را حيض به حساب آورند، وگرنه حيض نيست

١. كساني كه براي اولين بار خونريزي آنها شروع شده است .
٢. كساني كه خونريزي آنها سابقه دارد ولي هنوز تعداد روزها و زمان آن مشخص و منظم نيست .
٣. كساني كه تنها تعداد روزهاي خونريزي آنها مشخص و معين است .
٤. كساني كه خونريزي آنها مشخص و منظم بوده ولي اكنون آن نظم را فراموش کرده‌اند .
دو گروه ديگر از بانوان، از ابتدای خونريزي بايد آن را حيض به حساب آورند
كساني كه تعداد روزها و زمان خونريزي آنها مشخص و منظم است . ١
(كساني كه تعداد روزهاي خونريزي آنها مشخص نيست ولي وقت آن منظم است). ٥٩ . ٢

مقررات ايام قاعدگی

- دوران قاعدگی دو مشخصه دارد: یکی آلودگی جسمی و دیگری ناراحتی روحی.
دين مقدس اسلام براي هر دوی اين مشخصه‌ها، تدابييري انديشیده است
زن را با آلودگی جسمی كه دارد از برخي حريم‌ها دور کرده است مثلاً كارهايي را كه بر جنب حرام است . ١
بر او نيز حرام کرده است
زن را با ناراحتی روحی كه دارد از برخي عبادات موقتاً و يا به طور كلي معاف داشته است مثلاً نماز را به . ٢
طور كلي از عهده او برداشته است . همچنين او را از روزه گرفتن معاف داشته ولي قضای آن روزه‌ها را بر او (واجب کرده است). ٦٠
زن در ايام قاعدگی نسبت به شوهرش وظيفی دارد كه مي‌توان با رجوع به رساله توضيح المسائل آنها را ×
(فرآگرفت). ٦١)

پايان قاعدگی

- زن پس از پايان يافتن ايام قاعدگی به حالت عادتي برمي‌گردد، ولي براي انجام عبادات و وظيف شرعی بايد
بخست «غسل حيض» را انجام دهد
غسل حيض مانند غليه غسل‌ها انجام مي‌گيرد، تنها نيست آن فرق مي‌كند . ١
(پس از غسل حيض، براي نماز بايد وضو بگيرد). ٦٢ . ٢

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا) (٦٣)
و انسان را به نيکی به پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش با تحمل رنج و سختی به او باردار شد و با تحمل رنج و سختی او را به دنيا آورد
سرانجام پس از نه ماه و چند روز رنج و سختی، همراه با شيريني انتظار، کودک پا به دنياي تازه‌ای مي‌گذارد.
مادر با ديدن او همه سختی‌هاي دوران بارداری و وضع حمل را به فراموشي مي‌سپارد

با به دنیا آمدن نوزاد در محلّ اتصال جفت در رحم، پس از خارج شدن جفت، زخم‌های سطحی باقی می‌ماند که به زودی طی روزهای بعد از زایمان التیام می‌یابند، ترشحاتی که در اثر این زخمها حاصل می‌شود در اوایل، (خون‌آلود و سپس قهوه‌ای رنگ می‌باشد و کم کم در اثر التیام کم رنگ‌تر و بالاخره طبیعی می‌شود). (۶۴) به خونی که هنگام زایمان و پس از آن بیرون می‌آید «خون نفاس» می‌گویند. البته خون نفاس ممکن است يك (لحظه و گاهی تا ده روز دیده شود. اما خونی که پس از ده روز دیده می‌شود خون نفاس نیست). (۶۵)

احکام نفاس

در دوران نفاس باید همان مقرّرات دوران قاعدگی را مراعات کرد. (۶۶) اما پس از قطع شدن خون نفاس باید «غسل نفاس» کرد و از آن حالت بیرون آمد. البته در برخی مناطق مرسوم است که زن پس از هفت یا ده روز، غسل می‌کند و قبل از آن هر چند خونریزی پایان یافته باشد غسل نمی‌کند، این رسم باطلی است و ریشه دینی ندارد. (۶۷) غسل نفاس همانند غسل حیض انجام می‌شود، تنها در نیت تفاوت دارد و کفایت از وضو نیز نمی‌کند (۶۸)، یعنی برای نماز باید وضو بگیرد

خون استحاضه

خون استحاضه مربوط به بلوغ و بعد از آن نیست بلکه ممکن است پیش از بلوغ، و همچنین در «دوران یائسگی» که دیگر زن غالباً باردار نمی‌شود و خون قاعدگی و نفاس نمی‌بیند، مشاهده گردد

راههای تشخیص

در دو مورد زیر به احتمال بسیار قوی خون، خون استحاضه است البته اگر خون، ناشی از زخم یا نفاس نباشد. خونی که قبل از بلوغ و پس از یائسگی دیده می‌شود. ۱. (خونی که کمتر از سه روز جریان می‌یابد). (۶۹، ۷۰) برای تشخیص خون استحاضه باید به نشانه‌های آن توجه کرد: خون استحاضه غالباً زردرنگ و سرد است و (بدون فشار و سوزش می‌آید و غلیظ نیست). (۷۰)

اقسام استحاضه

جریان خون استحاضه همیشه یکسان نیست؛ گاهی کم، گاهی زیاد و گاهی متوسط است که هر کدام احکام ویژه‌ای دارد

(استحاضه قلیله) جریان کم. ۱.

خون، تنها يك طرف پنبه بهداشتی را آلوده می‌کند ولی از طرف دیگر ظاهر نمی‌شود. در این صورت فقط باید بدن را تطهیر کرد بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کرد، نماز را با وضو خواند، و روزه گرفتن هم صحیح است. (۷۱)

(استحاضه متوسطه) جریان متوسط. ۲.

خون دو طرف پنبه بهداشتی را آلوده می‌کند ولی به دستمال بهداشتی نمی‌رسد. در اینجا هر شبانه‌روز يك بار برای همان نمازی که پیش از آن خون دیده غسل می‌کند، برای نمازها وضو می‌گیرد، روزه گرفتن او (به شرط انجام غسل) مانعی ندارد. البته پس از پایان یافتن خونریزی هم باید غسل کند. (۷۲)

(استحاضه کثیره) جریان زیاد. ۳.

خون از پنبه می‌گذرد و به دستمال بهداشتی سرایت می‌کند. در این هنگام قبل از هر نماز باید غسل کرد؛ البته (اگر بین نماز ظهر و عصر، و بین مغرب و عشاء را فاصله نیندازد، يك غسل برای دو نماز کافی است). (۷۳)

نکته‌های مهم

در جریان متوسط و زیاد خون باید به این نکته‌ها توجه داشت

برای هر نماز بدن، پنبه و دستمال بهداشتی از خون استحاضه پاک باشند. ۱.
پس از وضو یا غسل تا حدی که امکان دارد و بیم ضرر ندارد باید از بیرون آمدن خون جلوگیری کرد. ۲.

توجه:

دختران باید با مطالعه و استمداد از مربیان و مادر یا خواهر بزرگ خود برداشت درستی از خون قاعدگی و استحاضه داشته باشند تا دچار تصورات عجیب و غریب و در نتیجه گوشه‌نشینی و دلهره و سردرگمی نگردند و از انجام وظایف خود باز نمانند.

۱۰

در اوج آسمانها

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. (۷۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی مسح کنید.
آن شب چه زیبا با من سخن می‌گفت
آهنگ کلامش مثل علی بود
ای محمد! دستت را بلند کن می‌خواهم چیزی را که از ناحیه راست عرشم جاری است به تو بدهم
و آب فرو ریخت

دست راستم را بلند کردم و قدری از آن آب را برگرفتم
سپس ندا آمد: ای محمد! با آبی که گرفتی صورتت را بشوی؛ چرا که می‌خواهی با آن به عظمت من نگاه کنی
سپس دست راست و چپ خود را از آرنج بشوی؛ چرا که می‌خواهی با آن دو، کلام مرا بگیری، آنگاه با آنچه در دستت باقی مانده سرت را و دو پایت را تا برآمدگی مسح کن؛ چرا که من می‌خواهم برکت را بر تو فرود آرم و (گام‌هایت را بر جایی بگذارم که احدی پیش از تو به آنجا گام ننهاده و پس از این هم، نخواهد نهاد. ۷۵)
تنها این شب معراج نبود که خداوند وضو را به من تعلیم داد. در زمین هم، همان اوائل که به نبوت برگزیده شدم، روزی جبرئیل بر من فرود آمد
جامی لبریز از آب از آسمان برایم آورده بود
به من گفت: ای محمد! برخیز و برای نماز وضو بگیر. آنگاه وضو گرفتن را از ناحیه خدا به من تعلیم داد. (۷۶)

وضوی مستحبی

وضو، نور است و مستحب است همیشه و در همه حالات با وضو باشیم به چند نمونه از وضوهای مستحبی
توجه کنیم

۱. وضو برای خواندن قرآن و همراه داشتن آن.
۲. وضو برای ورود به مساجد و مشاهد مشرفه و زیارت ائمه معصومین علیهم السلام.
۳. وضو گرفتن شخص جنب برای خوردن، آشامیدن و خوابیدن.
۴. (وضو گرفتن در ایام قاعدگی برای نشستن در محل نماز و خواندن ذکر) (۷۷).

وضوی واجب

برای خواندن نمازهای واجب باید وضو بگیریم، همچنین تماس برقرار کردن با نام خدا و نوشته قرآن و بنا بر احتیاط واجب نام ائمه معصومین علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام بدون وضو حرام است. بنا بر این به دو نکته توجه کنیم:

۱. استفاده کردن از گردن بندها و انگشترهایی که نام خدا و آیات قرآن و نام ائمه معصومین علیهم السلام در آنها نقش بسته است، اشکالی ندارد ولی شخصی که وضو ندارد نباید به آن قسمت‌ها (دست بزند و یا بدنش با آنها تماس برقرار کند). (۷۸)
۲. بعضی فکر می‌کنند شب زفاف و عروسی، نماز خواندن از عهده عروس برداشته می‌شود چون اگر بخواهد وضو بگیرد، آرایش او به هم می‌ریزد، این فکر ریشه مذهبی ندارد نماز خواندن بر عروس واجب است، او می‌تواند قبل از رفتن به آرایشگاه وضو بگیرد و نماز مغرب و عشاء را با همان وضو بخواند برطرف کردن موانع
- اگر یقین داریم مانعی از رسیدن آب به اعضای وضو هست یا شك داریم که این چیزی که در اعضای وضو هست، مانع هست یا نه، واجب است آن را برطرف کنیم، آنگاه وضو بگیریم بنابراین
۱. اگر بر اعضای وضو، لاک، کرم و مواد آرایشی باشد، در صورتی که جرم دارند و یا در اثر چربی مانع از رسیدن آب به اعضای وضو هستند و یا شك داریم که مانع هستند یا نه، واجب است آنها را برطرف کنیم
۲. برخی ناخن‌های خود را بلندتر از حد معمول می‌گذارند، این افراد باید توجه داشته باشند که هنگام وضو اگر (در زیر آن مقدار اضافی چرك هست واجب است آن را برطرف کنند). (۷۹)

محل وضوی بانوان

- دختران و بانوان باید دور از چشم نامحرمان وضو بگیرند و باید از وضو گرفتن در محل‌هایی که مردها آمد و شد دارند اجتناب کنند
- به این نکته نیز توجه کند که نامحرم، نامحرم است چه غریبه باشد و چه آشنا و فامیل. بنابراین در خانه‌ها نیز باید این نکته را رعایت کرد؛ و از وضو گرفتن در برابر چشم نامحرمان خودداری کرد

کیفیت وضو

- اگر از ما بپرسند که چگونه وضو می‌گیرید به طور خلاصه می‌توان گفت: ابتدا صورت آنگاه دست راست و پس از آن دست چپ خود را می‌شوئیم سپس با رطوبتی که از شستن دست بر کف مانده است سر را مسح می‌کنیم. بعد پای راست و در پایان پای چپ را مسح می‌کنیم
- این تصویر کلی از وضو است ما به برخی نکته‌های مهم درباره وضو اشاره می‌کنیم

شستن اعضای وضو

- هنگام وضو، لازم نیست صورت و دستها خشک باشند ولی اگر پیش از وضو دستها را شسته‌ایم باید هنگام (وضو از آرنج تا نوک انگشتان را بشوئیم وگرنه وضو، باطل است). (۸۰)

اعضای مسح

۱. اعضای مسح باید خشک باشند
۲. اگر يك بار مسح کشیدیم و شك کردیم که مسح ما کامل بود یا نه می‌توانیم آن محل را خشک کنیم و از نو مسح کنیم. اما نباید فاصله مسح اول و دوم به قدری باشد که از حالت وضو خارج شود
۳. احتیاط این است که وقتی دست رطوبت دارد از سایر اعضای وضو رطوبت نگیریم، مثلاً دست به صورت (نکشیم و سپس مسح کنیم). (۸۱)

مسح سر

۱. قسمت جلوی سر که بالای پیشانی است محل مسح سر می‌باشد
۲. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد ولی اگر موهای جلو سر به قدری بلند است که اگر آنها را شانه کنیم روی صورت می‌ریزند، باید موی سر را کنار بزنیم و پوست یا بیخ موها را مسح کنیم به موهایی که از سایر قسمت‌های سر به جلو سر آورده‌ایم نمی‌توان مسح کرد
۳. هنگام مسح سر، اگر مسح را تا پیشانی بکشیم و دستمان به رطوبت پیشانی برخورد کند وضو، باطل
۴. نمی‌شود ولی با این رطوبت نمی‌توان پا را مسح کرد بلکه باید از رطوبت سایر قسمت‌های کف دست كمك گرفت). (۸۲)

مسح پاها
مسح پا لازم نیست از نوک انگشت بزرگ شروع شود بلکه از هر یک از انگشتان که شروع شود صحیح ۱.
است.
(مسح بر روی جوراب هر چند که نازک باشد و رطوبت به پا برسد، صحیح نیست. ۸۳. ۲.)

بطلان وضو
هفت چیز وضو را باطل می‌کند که با بیشتر آنها آشنا هستید. ما به دو مورد آن اشاره می‌کنیم
کاری که برای آن باید غسل کرد ۱.
(استحاضه. ۸۴. ۲.)

۱۱

انتظار سبز

از مهالك در دو عالم این صلوات اهل خود را می‌دهد بی‌شك نجات (۸۵) نامه را با اشك شوق گرفتیم. مثل این بود
که جبرئیل از آسمان نامه‌ای برایم آورده باشد
مدت‌ها انتظار فرا رسیدن این لحظه‌های خوش و معطر را کشیده بودم
نامه را بر دیدگاتم کشیدم و آن‌گاه با اشتیاق آن را گشودم
خط و امضای آن درست بود، امام رضا علیه السلام به همه سؤال‌هایم پاسخ داده بودند
ای محمدبن سنان (... اینکه پرسیده‌ای چرا نماز، واجب شده است باید بگویم حکمت‌های فراوانی دارد)
نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عزیز و بلندمرتبه است و هرگونه مثل و مانندی را از او نفی می‌کند
نماز، ایستادن در پیشگاه خداوند است با ذلت و مسکنت و خضوع و اعتراف
نماز، پشیمان شدن از گناهان گذشته و درخواست بخشیدن آنها از سوی خدا است
... گذاشتن چهره بر زمین است برای بزرگداشت خداوند
با نماز، فروتن هستی و افزونی در دین و دنیا را خواهانی
با نماز، از گناهان بیزار می‌شوی و مُدام به یاد خدا هستی
با نماز، آقا و مدبر و آفریننده خود را فراموش نمی‌کنی، در نتیجه در عیش و خوشگذرانی‌ها فرو نمی‌روی و
طغیان نمی‌کنی
(با یاد خدا و ایستادن در مقابل او از گناهان و انواع فسادها و آلودگی‌ها بازداشته می‌شوی. ۸۶)»

احکام نماز

بخشی از احکام نماز را پیش از این فرا گرفته‌اید. هم اینک به ذکر چند نکته در این باره می‌پردازیم

پوشش نماز

دختران و بانوان هنگام نماز باید تمام بدن خود را بپوشانند، خواه کسی آنها را ببیند و خواه نبیند
:البته پوشاندن سه قسمت از بدن واجب نیست اگرچه بهتر است آن قسمت‌ها را نیز بپوشانند

۱. صورت
۲. دست‌ها تا مچ
۳. پاها تا مچ

نکته‌های مهم

پوشاندن مقداری از صورت که هنگام وضو گرفتن باید شسته شود، لازم نیست ۱.

برای آنکه یقین پیدا کنیم که مقدار واجب را پوشانده‌ایم باید مقداری از اطراف صورت و زیر چانه را ۲. بپوشانیم و همچنین مقداری پایین‌تر از مچ دستها و پاها را نیز بپوشانیم
اگر نامحرمی شاهد نماز خواندن ماست باید پاها را نیز بپوشانیم و اگر دست و صورت ما زیور و زینتی ۳. دارد باید آنها را نیز از او بپوشانیم و اگر نامحرم به قصد لذت به ما نگاه می‌کند اگرچه دست و صورت ما زیور و (زینتی نداشته باشد باید آنها را نیز از نامحرم بپوشانیم). (۸۷)

بدن و لباس نمازگزار
بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد؛ بنابراین
اگر ذره‌ای خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد نماز او باطل است ۱.
بنابر احتیاط واجب باید خون استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار نباشد ۲.
غیر از خون حیض، نفاس و استحاضه اگر خونی در بدن یا لباس نمازگزار باشد در صورتی که کمتر از ۳.
(اندازه یک سکه دو ریالی) باشد اشکال ندارد
کسی که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند مثلاً آب برای تطهیر ندارد، نماز او با بدن یا لباس ۴.
(نجس صحیح است). (۸۸)

مکان نمازگزار
بهتر است دختران در خانه نماز بخوانند ولی با رعایت دو مسأله زیر نماز خواندن آنها در مساجد فضیلت
بیشتری دارد
کاملاً خود را از نامحرم بپوشانند ۱.
(با رضایت ولی) پدر و جدّ پدری باشد. (۸۹، ۲)

نمازی شکوهمند
در حجله نشسته است و غرق در امیدها و آرزوهاست. به جهانی زیبا و آراسته قدم نهاده است آینده‌ای سراسر
روشن در دیدگان او جلوه می‌نماید
چه کسی این همه لطافت و زیبایی را به من داد؟ و چه کسی من را فرشته انس خانواده قرار داد؟
...چه کسی محبت من را در قلب داماد جای داد؟ و
باید برخاست و او را سپاس گفت، در برابرش تعظیم کرد و زبان به مدح و ثنایش گشود باید برخاست و به نماز
ایستاد. نماز واجب را مثل همیشه خواند، و نماز مستحبی ویژه شب زفاف را نیز به شکرانه این همه نعمت به جای
آورد. چقدر غافلند آنان که می‌گویند يك شب که هزار شب نیست، عروس اگر بخواند نماز بخواند، آرایشش به هم
می‌خورد و با لباس عروسی نمی‌تواند به رکوع و سجده رود. نه، هرگز چنین نیست می‌توان برنامه‌ها را به گونه‌ای
تنظیم کرد که نماز خواندن برای عروس ممکن گردد و نماز بخواند، نمازی شکوهمند در بچوبه شادی‌ها

۱۲

امام فرشتگان

در بدن داری اگر سوز حیات هست معراج مسلمان در صلوات (۹۰) برادرم جبرئیل مرا در آسمانها همراهی
می‌کرد، به سدره‌المنتهی که رسیدیم ناگهان صدای اذان را شنیدم. فرشته‌ای اذان می‌گفت که تا آن شب در آسمانها
دیده نشده بود
او اذان می‌گفت و هر جمله‌ای از آن را که می‌گفت پروردگارم او را تصدیق می‌کرد

به «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» که رسید پروردگارم فرمود: بنده من راست می‌گوئید. هرکس از روی میل و رغبت به نماز بایستد و حق آن را ادا کند، این کفاره گناهان گذشته او خواهد بود. و چون گفت: «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» پروردگارم فرمود: نماز، صلاح و نجات و رستگاری است. چون اذان تمام شد، جلو ایستادم و همه فرشتگان به من اقتدا کردند. پیش از این در بیت المقدس هم به نماز ایستاده بودم و همه پیامبران به من اقتدا کرده بودند و اینجا چون از نماز فارغ گشتم از سر شوق و ارادت به پروردگارم مدهوش گشتم و به حالت سجده فرو (افتادم). (۹۱)

حضور قلب

مرغ خیال لحظه‌ای نمی‌آساید، پیوسته از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر پرواز می‌کند و نمازگزار را که در حال راز و نیاز با خداست می‌آزارد. اگر بخواهیم مرغ خیال خود را رام کنیم تا در نماز، فکر و قلبمان متوجه نماز باشد باید اعمال و رفتار روزانه خود را برای رضای خدا و براساس تعالیم نورانی اسلام تنظیم کنیم. با حضور قلب در نماز می‌توان به مدارج عالی بندگی بار یافت.

از فرزند امام نقل شده است که می‌گفت:
شبی در ماه مبارک رمضان، من پشت بام خوابیده بودم. خانه ایشان يك خانه كوچك ۴۵ متری بود. بلند شدم « دیدم که صدا می‌آید و بعد متوجه شدم که آقاست که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دستهایش را طرف (آسمان دراز کرده و گریه می‌کند. (۹۲)»
تکبیرة الاحرام
اللَّهُ أَكْبَرُ؛

(خداوند بزرگتر است) از آن که در وصف بگنجد

برای ورود به نماز، اللَّهُ أَكْبَرُ می‌گوییم یعنی خدا را از همه موجودات حسی، عقلی، زمینی و آسمانی برتر می‌یابیم. دیگر دل از دنیا و مظاهر فریبنده آن می‌شوئیم و همه چیز و همه‌کس جز او نزد ما كوچك می‌شوند. الله اكبر، بیشترین ذکر است که هم در مقدمات نماز و هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می‌شود به طوری که يك مسلمان در طول يك شبانه‌روز تنها در نمازهای پنجگانه واجب حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می‌کند.

سور محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

بسم‌الله، سر آغاز کتاب وحی است. بسم‌الله، نه تنها در ابتدای قرآن که در آغاز تمام کتابهای آسمانی بوده است. بسم‌الله، سر لوحه عمل همه انبیاء بوده است. به زبان آوردن بسم‌الله در شروع هر کاری سفارش شده است. امامان معصوم‌علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز بسم‌الله را بلند بگویند تا جایی که بلند گفتن بسم‌الله از ویژگی‌های شیعه به حساب آمده است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است

وقتی انسان در برابر عظمت بیکران خداوند قرار می‌گیرد و همه کمال‌ها و جمال‌ها و زیبایی‌ها را از او می‌یابد و او را پروردگار و مدبر همه آفرینش می‌شناسد زبان به حمد و ستایش می‌گشاید حمد و ستایشی که در آن معنای پرستش نهفته است

ما، در آغاز مکالمه خود با خدا شیرین سخن می‌گوئیم و زبان به بیان خرمی‌ها و کمالات او می‌گشائیم پس چه بهتر که در آغاز سخن گفتن با دیگران نیز چنین باشیم

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

خداوند (رحمگر مهربان)

رحمن و رحیم هر دو از کلمه رحمت گرفته شده‌اند. رحمن، رحمت گسترده الهی است که همه انسانها را شامل می‌شود و چون آفتابی است که بر خوب و بد، و زشت و زیبا می‌تابد ولی رحیم، رحمت ویژه‌ای است که به عنوان

پاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می‌شود

مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ؛

مالك و فرمانروای روز جزا

یکی از نامهای روز قیامت «یومُ الدِّین» است یعنی روز کيفر و پاداش. خداوند هم مالك است و هم مَلِك. مالك است یعنی همه چیز در واقع برای اوست و مالکیت دیگران اعتباری است. مَلِك است یعنی پادشاه و فرمانروای حقیقی است

روز قیامت که پرده‌ها از جلو چشمان ما کنار می‌رود او را مالك و مَلِك خواهیم یافت و گرنه او هم در دنیا و هم در آخرت مالك و مَلِك است

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جویم

وقتی نمازگزار خداوند را همه کاره خود و جهان دانست و بدان اعتراف کرد، از جان و دل به او دل می‌بندد، تنها او را می‌پرستد و تنها از او یاری می‌جوید. او دیگر بنده طاغوتها، بنده شرق و غرب و بنده زر و زور نمی‌شود و در برابر هیچ قدرتی سر گرنش فرود نمی‌آورد

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ؛

ما را به راه راست راهبر باش

کلمه صراط که بیش از ۴۰ بار در قرآن آمده است، به معنای راه هموار، روشن و وسیع است. ما از خدا می‌خواهیم که همه مسلمانان را به بزرگراه سعادت هدایت کند؛ بزرگراهی که به راحتی ما را به خدا برساند کسی که می‌خواهد در صراط مستقیم قرار گیرد باید راه هوسهای خود، راه هوسهای مردم، راه طاغوتها، و راه نادرست نیاکان و پیشینیان خود را کنار بگذارد و تنها در راه مستقیمی که توسط انبیاء و امامان ترسیم شده است، حرکت کند

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛

راه آنان که نعمتشان دادی

نمازگزار این حقیقت را باور دارد که راه مستقیم، راهی است پیمودنی و پیش از او کسانی این راه را پیموده‌اند، لذا از خدا می‌خواهد که او را در زمره آنان قرار دهد. آنها کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول نعمت‌های خود ساخته است

قرآن، پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان را از جمله کسانی می‌داند که از نعمت هدایت برخوردار شده‌اند و نمازگزار از خدا می‌خواهد که دنبالش و آنان باشد

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ؛

(همانان که نه در خور خشم‌اند و نه گمراهان و گمگشتگان) اند

نمازگزار در پایان سوره حمد از خدا می‌خواهد که جزء دو گروه نباشد و راه آنان را نیبماید

غضب شدگان، آنان که چون فرعون و قارون و ابولهب و چون قوم عاد و ثمود و بنی‌اسرائیل در برابر حق ۱. و حقیقت و دین و خدا جبهه‌گیری می‌کردند و مورد خشم او قرار گرفتند

گمراهان و گمگشتگان، آنان که حیران و سر در گم‌اند. نه راه انبیاء را برگزیده‌اند و از آنان جانبداری ۲. می‌کنند و نه راه مخالفان و معاندان را برگزیده‌اند آنان افرادی بی‌تفاوت، بی‌درد، و رفاه‌طلب هستند که به فکر شهوت و شکم خود هستند و کاری به حق و باطل ندارند. مانند عابدان پس از حضرت عیسی یا عالم نمایان دنیادوست

سوره توحید

این سوره سراپا از یگانگی خدا سخن می‌گوید از این رو «سوره توحید» نام گرفته است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛
به نام خداوند رحمتگر مهربان
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛

بگو او خدایی است یکتا
توحید که همان یگانه دانستن خداست، اساسی‌ترین اصل همه ادیان آسمانی است. توحید مرز میان ایمان و کفر
است. او یکتاست یعنی دومی ندارد، شبیه و مثل و مانندی ندارد، جزء و عضوی ندارد
کسی که توحید خدا را باور کند، دچار شرک و ریا نمی‌شود و همه کارهایش را برای او انجام می‌دهد

اللَّهُ الصَّمَدُ؛

(خدای بی‌نیاز) پاک از عیب و پناه نیازمندان
همه موجودات سر تا پا نیازند و در وجود و بقاء خود، به خدا نیازمندند، همه به او پناه می‌آورند و خود را پُر از
عیب و نقص می‌یابند. کسی که تنها خدا را «صمد» می‌داند، و خود و دیگران را فقیر و نیازمند و بی‌پناه، جز به
خدا تکیه نمی‌کند

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ؛

نه کسی زاده اوست و نه او زاده کسی است
او سرچشمه هستی است. همه‌چیز و همه‌کس آفریده او هستند اما او خود همیشه بوده و همیشه خواهد بود، او
ازلی و ابدی است. دل بستن و پناه آوردن به چنین حقیقت بیکرانی، انسان را در برابر همه خطرات مادی و
آسیب‌های اجتماعی بیمه می‌کند

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛

و احدی همتای او نیست
در پایان سوره باز تاکید می‌کنیم که خدا یکتاست و هیچ‌کس، همتا و همانند او نیست و اگر این حقیقت را به
خوبی باور کنیم، همه کارهای خود را برای خدا انجام می‌دهیم و در اهداف فردی و گروهی و اجتماعی خود، غیر
خدا را دخیل و شریک نمی‌کنیم

ذکر رکوع

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بزرگم را منزه می‌دانم و می‌ستایم

ذکر سجده

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ؛

پروردگار بلندمرتبه‌ام را منزه می‌دانم و می‌ستایم
نمازگزار پس از بیان آن همه عظمت و بزرگی خدا، خود را کوچک و بی‌مقدار بلکه هیچ می‌یابد و در برابر
عظمت او خم می‌شود (رکوع) و آنگاه به زمین می‌افتد (سجده) و زبان به تسبیح او می‌گشاید
او خدا را منزه از هر عیب و نقص می‌یابد، پس از آن باز به حمد و ستایش رو می‌آورد
او دریافته است که خداوند حقیقت بی‌کرانی است که از فهم و درک او بالاتر است و باید تنها در برابر عظمت او
سر فرود آورد. او دیگر در برابر غیرخدا و طاغوت‌ها کرنش نخواهد کرد

قنوت

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ)؛ (۹۳)

پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار
در هنگام قنوت دستها را بالا می‌آوریم و به عنوان عرض نیاز و اظهار تهیدستی و امید به عطای خدا، آنها را
در مقابل صورت قرار می‌دهیم. در قنوت هر دعایی را می‌توان خواند ولی بهتر است دعایی را برگزینیم که
همگانی باشد مثل دعای «رَبَّنَا آتِنَا»، که در قرآن آمده است

ما در این دعا از خدا می‌خواهیم هم نیکی‌ها و خوبی‌های دنیا را و هم نیکی‌ها و خوبی‌های آخرت را به ما عطا کند.

چرا که گرفتن دنیا و رها کردن آخرت خطاست، همینطور گرفتن آخرت و رها کردن دنیا نیز خطاست. دنیا، مزرعه آخرت است و با نیکی‌ها و حسنات دنیا می‌توان آخرت خود را آباد کرد. در پایان از خدا می‌خواهیم که ما را از آتش جهنم برهاند.

تسبیحات اربعه

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ

منزه است خدا، و ستایش تنها برای خداست، و معبودی جز او نیست، و خدا بزرگتر است (از آن که در وصف) بگنجد.

تسبیحات اربعه، مشتمل بر چهار ذکر است:

(تسبیح) سُبْحَانَ اللَّهِ ۱.

(تحمید) الْحَمْدُ لِلَّهِ ۲.

(تهلیل) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۳.

(تکبیر) اللَّهُ أَكْبَرُ ۴.

حضرت ابراهیم به هنگام ساختن خانه کعبه لبهائش به ذکر مقدس تسبیحات اربعه مترنم بود. نمازگزار، ابتدا خدا را پاک و منزه می‌یابد آنگاه زبان به ستایش او می‌گشاید سپس تنها او را شایسته پرستش می‌شمارد و در پایان، خدا را بزرگتر از آن می‌داند که بتوان او را وصف کرد.

تشهد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ؛

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست. یکتاست و او را شریکی نیست.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛

و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛

ایارخدایا بر محمد و خاندان او درود بفرست

نمازگزار با آنکه در اذان و اقامه به توحید و نبوت پیامبر شهادت داده است باز در پایان نماز نیز به این دو

حقیقت بزرگ اعتراف می‌کند سپس بر پیامبر و خاندان پاک او صلوات و درود می‌فرستد

او اعتراف می‌کند که پیامبر در پرتو عبودیت و بندگی خدا به آن همه عظمت دست یافته است و این راه را به روی خود باز می‌یابد و تصمیم می‌گیرد همین راه را بپیماید.

سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛

ای پیامبر خدا! بر تو درود، و رحمت و برکات خدا بر تو باد

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ؛

درود بر ما و بر بندگان شایسته خدا

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛

درود بر شما (مؤمنین) و رحمت و برکات خدا بر شما باد

نمازگزار که از مردم جدا شده و به پیشگاه خدا بار یافته و لحظاتی با او گرم راز و نیاز بوده اکنون که

می‌خواهد دوباره به سوی آنان برگردد هنگام بازگشت ابتدا به پیامبر سپس به نمازگزاران و بندگان شایسته او آنگاه به خلق خدا سلام می‌کند.

او به سوی خدا رفته و قلب خود را صیقل داده و از کینه و کدورت پاک شده و اینک به سوی مردم آمده است. او پیام صلح و صفا، و درود و سلام آورده است

احکام «فراموش شده‌ها» در نماز
با احکام نماز پیش از این آشنا شده‌اید. ما در اینجا به ذکر احکام «فراموش شده‌ها» بسنده می‌کنیم
برای فراگیری این مطلب یادآوری این مطلب لازم است که واجبات نماز یازده تا هستند که عبارتند از:

(واجبات نماز) ۹۴

واجبات رُکنی O

P

P

P

P

P

P

واجبات غیر رُکنی P

Q

نیت O۱

قیام P۲

تکبیرة الاحرام P۳

رکوع P۴

دو سجده Q۵

قرائت O۱

ذکر P۲

تشهّد P۳

سلام P۴

ترتیب P۵

موالات Q۶

قاعده کلی

با فراگیری این قاعده کلی، می‌توانید تمامی مسائل این بخش را حلّ کنید، قاعده کلی این است که

گاهی واجب رکنی را فراموش می‌کنیم. در اینجا دو صورت پیدا می‌کند. ۱.

الف: وارد رکن بعدی شده‌ایم. در اینجا نماز - باطل است

(مثلاً رکوع را فراموش می‌کنیم و پس از رفتن به سجده متوجّه می‌شوم). ۹۵

ب: وارد رکن بعدی نشده‌ایم، نماز، باطل نمی‌شود. باید برگردیم واجب را به جا آوریم و نماز را ادامه دهیم

مثلاً رکوع را فراموش کردیم و روانه سجده شدیم ولی قبل از آنکه سر بر زمین بگذاریم، متوجه شدیم، در این (صورت باید برگردیم و به‌طور کامل بایستیم و به رکوع و سپس به سجده برویم و نماز مان صحیح است). (۹۶)

گاهی واجب غیررکنی را فراموشی می‌کنیم. باز در اینجا دو شکل پیدا می‌کند. ۲.

الف: وارد رکن بعدی شده‌ایم اینجا نماز، صحیح است و آن را ادامه می‌دهیم. مثل آن که سوره را فراموش کرده (و مشغول ذکر رکوع هستیم). (۹۷)

ب: وارد رکن بعد نشده‌ایم، در اینجا نیز نماز، صحیح است برمی‌گردیم واجب را بجا می‌آوریم و نماز را ادامه (می‌دهیم). (۹۸)

بیا حفظ این قاعده می‌توانید وظیفه نمازگزار را در حالت‌های زیر مشخص کنید

سوره حمد را فراموش کرده و مشغول خواندن سوره توحید است. ۱.

تشهد را فراموش کرده و مشغول سلام دادن است. ۲.

دو سجده را فراموش کرده و تشهد بعد از آن را بجا می‌آورد. ۳.

احکام «فراموش شده‌ها» پس از نماز

اگر آنچه در نماز فراموش شده، رکن باشد، نماز، باطل است و اگر رکن نباشد، نماز، صحیح است ولی اگر «تشهد» یا «یک سجده» فراموش شده است در اینجا نمازگزار وقتی پس از پایان یافتن نماز یادش آمد، بدون آن که صورت نماز را به هم بزند، آن تشهد و یا یک سجده را بجا می‌آورد و پس از آن «دو سجده سهو» انجام (می‌دهد). (۹۹)

سجده سهو

گاهی اوقات، باید پس از تمام شدن نماز، دو سجده بجا آوریم که به آن «سجده سهو» می‌گویند

در دو مورد زیر، سجده سهو، واجب می‌شود ×

در بین نماز ناخودآگاه حرف بزنیم، یا مثلاً آخ یا آه بگوییم. ۱.

یک سجده را فراموش کنیم و پس از وارد شدن به رکوع رکعت بعد یادمان بیاید. ۲.

و در دو مورد زیر، احتیاط واجب بجا آوردن سجده سهو است ×

بی‌جا سلام دوم نماز یا سلام سوم و یا هر سه سلام را با هم بگوییم. مثلاً در رکعت دوم نماز ظهر و عصر و ۱. عشاء.

(تشهد را فراموش کنیم). (۱۰۰). ۲.

طریقه بجا آوردن سجده سهو

پس از پایان یافتن نماز، فوری نیت سجده سهو می‌کنیم و بدون گفتن تکبیرة الاحرام به سجده می‌رویم و می‌گوییم

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ

آن‌گاه می‌نشینیم و دوباره به سجده می‌رویم و ذکر بالا را می‌گوییم پس از آن می‌نشینیم و تشهد و سلام (می‌گوییم). (۱۰۱)

ولی چنانچه تشهد یا یک سجده را فراموش کرده بودیم، پس از نماز ابتدا باید قضای آن تشهد یا سجده را بجا آوریم و بعد از آن دو سجده سهو را

(فَلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). (۱۰۲)

ای پیامبر! بگو: در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خدا] آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس [باز] خداست که (جهان آخرت را پدید می‌آورد، خداست که بر هر چیز تواناست

از دوستان و آشنایان خداحافظی می‌کنیم، از آنان حلالیت می‌طلبیم، اثاث و وسائل خود را برمی‌داریم. می‌خواهیم به مسافرت برویم. قرآن بارها ما را به سیر و سفر دعوت کرده است (در زمین بگردید و بنگرید چگونه) خدا (آفرینش را آغاز کرده است؟) عنکبوت / ۲۰ (در زمین بگردید آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟) انعام / ۱۱ (در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناهکاران چگونه بوده است.) نمل / ۶۹ (در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که بیشتر بوده و بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.) روم / ۴۲ (آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشه‌ایی که با آن بشنوند.) حج / ۴۶ فراوان فوایدی که برای سیر و سفر و گردش و مسافرت هست، ما را گاهگاهی وامی‌دارد تا به مسافرت برویم برای ایمنی از حوادث، صدقه می‌دهیم، با نام خدا و توکل بر او حرکت می‌کنیم، می‌خواهیم رفت و برگشت ما ۴۵ کیلومتر (۱۰۳) و یا بیشتر از آن باشد، اسلام برای ما تخفیف ویژه‌ای قرار داده است؛ نمازهای چهار رکعتی ما کوتاه (نصف) می‌شود و روزه گرفتن هم از عهده ما (در سفر) برداشته می‌شود اسلام با این حکم، حمایت خود را از مسافرین اعلام کرده است ولی هرگز با گناه موافق نیست، از این‌رو اگر سفر، حرام باشد مانند فرار از جبهه و یا سفر بدون رضایت والدین و یا سفر برای کار حرام، مانند سرقت، هیچ (تخفیفی شامل مسافر نمی‌شود.) ۱۰۴

کم کم از اقامتگاه خود دور می‌شویم، دیگر به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دیوارهای آنجا را نمی‌بینیم و صدای طبیعی اذان آنجا را نیز نمی‌شنویم یعنی به «حدّ ترخّص» یا «مرز سفر» رسیده‌ایم (۱۰۵)، از اینجا به بعد، حکم مسافر داریم، نماز خود را شکسته می‌خوانیم و هنگام بازگشت وقتی به این نقطه رسیدیم از اینجا تا اقامتگاه، حکم مسافر نداریم یعنی نمازمان را باید تمام بخوانیم

وطن

در وطن که هستیم نمازمان تمام است و روزه هم باید بگیریم ولی بعضی وقتها نمی‌دانیم وطن ما کجاست؟ وطن ما کجاست؟

زادگاه پدر و مادرم آنجاست من هم در همانجا به دنیا آمده‌ام ولی بزرگ شده آنجا نیستم، حالا نمی‌دانم وطن × من هم همانجاست یا نه؟

پدرم در آنجا خانه شخصی دارد، زادگاه او نیز همانجا بوده چند سالی برای تحصیل به آنجا رفته‌ام ولی خودم × بزرگ شده جای دیگری هستم، وطنم کجاست؟

پدر و مادرم می‌گویند ما از وطن خود، اعراض کرده‌ایم، یعنی برای همیشه آنجا را ترک کرده‌ایم، هر وقت × آنجا می‌روند نمازشان را شکسته می‌خوانند، نمی‌دانم وظیفه من چیست؟

بعضی‌ها به من می‌گویند تا وقتی ازدواج نکرده‌ای، وطن تو همان وطن پدر و مادر توست از آن به بعد حق × !انتخاب وطن داری

می‌گویند دختران بعد از ازدواج، وطن آنها همان وطن شوهرانشان است، آیا واقعیت دارد؟ × وطنم کجاست؟

تشخیص وطن کار دشواری نیست، به این امور توجه کنید

(زادگاه شما، وقتی وطن شماست که بزرگ شده آنجا هم باشید.) ۱۰۶. ۱.

(زادگاه پدر و مادر شما وطن شما نیست.) ۱۰۷. ۲.

(زادگاه همسر شما وطن شما نیست.) ۱۰۸. ۳.

جایی که پدر و مادر شما یا همسر شما به عنوان وطن انتخاب کرده‌اند، وطن شما نیست. ۴.

یعنی شما در انتخاب وطن و یا اعراض از وطن تابع دیگران نیستید، باید به تکلیف خود عمل کنید (۱۰۹) یعنی

وطن شما اینجاست

(زادگاه شما که در آنجا بزرگ شده‌اید.) ۱۱۰. ۱.

(جایی که بعد از بالغ شدن، برای اقامت همیشگی انتخاب می‌کنید.) ۱۱۱. ۲.

ما بعضی وقتها، به سفر می‌رویم. ولی بعضی‌ها شغلشان مسافرت است مانند راننده قطار و ماشینهای برون

شهری، خلبان و ملوان، وظیفه این گروه چیست؟

در سفرهایی که شغل آنهاست چنین عمل می‌کنند. ۱.

در سفر اول، هر چند طول بکشد، نمازشان شکسته است ×

(در سفرهای بعدی، نمازشان تمام است.) ۱۱۲. ×

(در سفرهایی که مربوط به شغل آنها نیست مانند سفرهای زیارتی سیاحتی نمازشان شکسته است). (۱۱۳، ۲)
 بعضی از دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان، کارمندان، کارگران و... شغلشان مسافرت نیست ولی محلّ تحصیل، خدمت و یا شغل آنان جای دیگری است و به آنجا آمد و رفت می‌کنند حکم آنان چیست؟
 به فتوای حضرت امام خمینی قدس سره این گروه حکم مسافر دارند و باید مقرّرات آن را در نظر بگیرند. البته به فتوای مقام معظم رهبری (زید عَزَّه و برخی از مراجع بزرگوار دیگر این گروه نیز مانند کسانی که شغلشان مسافرت است، نمازشان تمام است با توجه به این سه مسأله
 ۱. برای کارشان در کمتر از ده روز به محلّ کارشان سفر کنند.
 ۲. سفر به آنجا برای شغل و کارشان باشد نه به جهت دیگری.
 ۳. سفر برای تحصیل وقتی حکم سفر برای شغل دارد و مشمول این حکم است که تحصیل، در حکم کار و شغل باشد مانند کسانی که در سپاه و ارتش یا ادارات، برای تحصیل، مأمور می‌شوند. بنابراین شامل همه دانش‌آموزان و دانشجویان نمی‌شود. (۱۱۴)

قصده روزه

تازه به اینجا آمده‌ایم، می‌گویند قصد ده کرده‌اید یا نه؟ یکی می‌گوید در این دو هفته‌ای که اینجا هستیم من قصد نمی‌کنم، نظر شما چیست فکر می‌کنید چگونه باید قصد کرد؟
 همین که می‌دانید یا قصد دارید که ده روز و یا بیشتر، در آنجا بمانید و در این مدت از حدّ ترخّص آنجا خارج نشوید، قصد ده روز شما شکل گرفته، باید نمازهایتان را تمام بخوانید و اگر ماه مبارک رمضان است، روزه (بگیرید). (۱۱۵)
 از روزی که به اینجا آمده‌ایم هنوز نمی‌دانیم که ده روز کامل اینجا می‌مانیم یا نه، تاکنون سی روز بلا تکلیف × مانده‌ایم وظیفه ما چیست؟
 (تا روز سیام نمازتان شکسته است پس از سی روز تا هر چه بمانید نمازتان تمام است). (۱۱۶)
 از ابتدا که اینجا آمدیم قصد جدی داشتیم ده روز کامل بمانیم، حالا تصمیم ما عوض شده یعنی می‌خواهیم × کمتر از ده روز بمانیم و یا بلا تکلیف مانده‌ایم وظیفه ما چیست؟
 ۱. اگر پیش از خواندن يك نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده، نمازهایتان را باید شکسته بخوانید.
 ۲. اگر پس از خواندن يك نماز چهار رکعتی تصمیم شما عوض شده تا هر وقت که آنجا بمانید، نمازهایتان تمام است. (۱۱۷)

نیت نماز شکسته

می‌خواهم نماز شکسته بخوانم نمی‌دانم چگونه نیت کنم، بگویم مثلاً چهار رکعت نماز ظهر، شکسته می‌خوانم یا بگویم دو رکعت نماز ظهر شکسته شده؟
 فرقی ندارد، اصلاً نیت به گفتن و یا خطور دادن در قلب نیست همین که تصمیم داری نمازت را شکسته یعنی دو رکعتی بخوانی کافی است.

۱۴

آنجا کجاست؟

(وَاقِمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ). (۱۱۸)
 در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای خدا خالص گردانیده‌اید روی را بخوانید
 آنجا کجاست؟

پایگاه مقاومت» در برابر هوی و هوس، شیطان و اهرمن،
 میعاد» پیامبران، امامان و پاکان عالم،»

مجمع عمومی «مسلمانان و مستضعفان»،
میدان «نمایش وحدت مسلمانان علیه دشمنان اسلام»،
بازار «تقوا و ایمان، صلح و صفا، همدلی و همراهی»،
فرشتگان چشم امید به آنجا دوخته‌اند،
و اهریمنان از رونق آن نگرانند
و به راستی آنجا کجاست؟

آنجا، مسجد است، خانه خدا، محل ارتباط خاک با افلاک، حلقه اتصال هیچ با همه چیز، و چه زیباست که به آنجا
بشتابیم، زیاد به آنجا برویم، زودتر از همه برویم و دیرتر از همه برگردیم، با لباسهای تمیز به آنجا وارد شویم، در
نظافت آن بکوشیم، و در برنامه‌های فرهنگی آن شرکت فعال داشته باشیم
بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره در باره اهمیت مساجد می‌فرماید
مساجد را پر کنید که مساجد سنگرند و محراب یعنی جایی که حرب (جنگ و مبارزه) از آنجا آغاز می‌شود و «
محل حرب است. شیطانها از مساجد و نماز می‌ترسند، آنها می‌خواهند از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن
(سنگرها، حمله کنند.» (۱۱۹)

نماز جماعت

اینان چه می‌کنند

با هم می‌ایستند، با هم به رکوع می‌روند، با هم سر بر خاک می‌گذارند، با هم برمی‌خیزند، نظم و انضباط،
وحدت و انسجام، صلح و صفا و یکدلی و یکرنگی از اجتماعشان پیداست. گویی در دلهاشان کینه و حسادت نیست،
قلبهاشان با هم پیوند خورده، همه با هم برادرند، اینان چه می‌کنند
همه با هم در صف‌های منظم و پشت سر هم، از يك نفر که پیشاپیش آنها قرار گرفته پیروی می‌کنند
اینان، همه مسلمانند و با هم نماز را به جماعت می‌خوانند و شکوه خود را به نمایش می‌گذارند. اینان خار چشم
دشمنان اسلام هستند

ندای اذان که به گوش تو می‌رسد تو را به این جمع باشکوه دعوت می‌کند، منادی حق را لبیک بگو. هر چه
جمعیّت نمازگزار بیشتر شود، ثوابش افزون‌تر است. اگر عدد آنها از ده بگذرد پاداشی نصیب آنان می‌شود که قابل
بیان و شمارش نیست

اگر دنبال دوست خوب می‌گردی، و یا خواهان فردی دلسوز برای حل مشکلات هستی، اگر می‌خواهی با
دیگران آشنا شوی، در حل مشکلات دیگران دخیل باشی، و از فردگرایی و خودخواهی به دیگرگرایی و خداخواهی
روی آوری، در جماعت خواهان دینی خود به ویژه در نماز جماعت شرکت کن و اگر می‌خواهی تبعیّت از
ارهایی را تمرین کنی، باز هم در نماز جماعت حاضر شو

برپایی نماز جماعت

يك نفر به عنوان «امام جماعت» جلو می‌ایستد، و حداقل يك نفر هم پشت سر او به عنوان «مأموم» می‌ایستد و
به او اقتدا می‌کند نماز جماعت شکل می‌گیرد

احکام نماز جماعت

۱. جایگاه امام جماعت نباید از جایگاه مأمومین بالاتر باشد. (۱۲۰)
۲. مأمومین می‌توانند در مکانی بالاتر از امام بایستند، مثلاً امام در صحن مسجد و مأمومین پشت بام بایستند.
۳. ولی اگر ساختمان چند طبقه باشد، اشکال دارد. (۱۲۱)
- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه آنها نیت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه يك قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، فرادی می‌شود و صحیح است. (۱۲۲)

شرایط امام جماعت

۱. امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را صحیح بخواند.
۲. اگر مأموم، مرد است امام جماعت نیز باید مرد باشد.

و اگر مأوم، زن است بنا بر فتوای حضرت امام‌قدس سره احتیاط واجب آن است که امام جماعت او، مرد ۳. (باشد). (۱۲۳)

استفتاء از مقام معظم رهبری

س - چه وقت زن می‌تواند امام جماعت باشد؟

(ج - اگر مأومین تنها زنان باشند، امام جماعت می‌تواند زن باشد). (۱۲۴)

وظیفه مأوم در نماز جماعت

(احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، مأوم تکبیر نگوید). (۱۲۵، ۱)

مأوم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا ۲. (چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را) آهسته بخواند. (۱۲۶)

پیوستن به نماز جماعت

اگر در بین نماز جماعت خواستیم اقتدا کنیم باید توجه داشته باشیم که فقط در دو حالت می‌توان به جماعت

پیوست:

۱. وقتی که امام در حال قیام است و مشغول قرائت حمد و سوره یا تسبیحات اربعه و یا قنوت است.

۲. وقتی که امام در رکوع است. (۱۲۷، ۲)

چگونه اقتدا کنیم؟

اقتدا کردن و پیوستن به نماز جماعت حالت‌های مختلفی دارد که با کمی دقت می‌توان آنها را فراگرفت

اگر امام جماعت رکعت اول نماز را می‌خواند اقتدا کردن به او تا دو صورت پیدا می‌کند:

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره است

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیت می‌کنیم سپس تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم، حمد و سوره را

نمی‌خوانیم و بقیه اعمال را همراه او انجام می‌دهیم

ب: امام جماعت در رکوع است

برای اقتدا کردن به او ابتدا نیت می‌کنیم آنگاه تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم سپس به رکوع می‌رویم و

ذکر رکوع را نیز با آرامش می‌گوییم آن را يك رکعت به حساب می‌آوریم و بقیه نماز را همراه امام جماعت انجام

می‌دهیم

اگر امام جماعت رکعت دوم نماز را می‌خواند باز هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می‌کند

الف: امام جماعت، ایستاده و مشغول خواندن حمد و سوره و یا قنوت است

برای اقتدا کردن، ابتدا نیت می‌کنیم سپس تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم؛ اگر امام جماعت حمد و

سوره را می‌خواند، ساکت می‌مانیم آنگاه قنوت را همراه امام می‌خوانیم و رکوع و دو سجده را با او به جای

می‌آوریم سپس وقتی امام، تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب به صورت نیم‌خیز می‌نشینیم

[تا اینجا يك رکعت نماز خوانده‌ایم]

حال چنین عمل می‌کنیم

س اگر نماز امام جماعت، دو رکعتی است برمی‌خیزیم و بقیه نماز را خودمان می‌خوانیم

س اگر نماز امام جماعت، سه یا چهار رکعتی است همراه او برمی‌خیزیم وقتی امام، مشغول خواندن تسبیحات

اربعه است، آهسته حمد و سوره و قنوت (و اگر وقت، کافی نبود حمد و سوره و اگر وقت محدودتر بود فقط سوره

حمد) را می‌خوانیم، آنگاه همراه با امام جماعت به رکوع و سجده می‌رویم

[تا اینجا يك رکعت نماز خوانده‌ایم]

از اینجا به بعد چنین انجام می‌دهیم

س اگر نماز امام جماعت، سه رکعتی است همراه او تشهد را می‌خوانیم آنگاه

الف: اگر نماز ما دورکعتی بود همراه با امام جماعت سلام نماز را می‌خوانیم و نماز را به پایان می‌بریم

ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی‌خیزیم و بقیه نماز را خودمان می‌خوانیم

س اگر نماز امام جماعت، چهار رکعتی بود، امام جماعت پس از سجده برای انجام رکعت چهارم برمی‌خیزد ولی ما می‌نشینیم و تشهد نماز را می‌خوانیم
-آنگاه

الف: اگر نماز ما دو رکعتی بود، سلام نماز را هم می‌خوانیم و نماز را به پایان می‌بریم
ب: اگر نماز ما سه یا چهار رکعتی بود برمی‌خیزیم، تسبیحات اربعه را مثل همیشه سه بار (و اگر وقت، کافی نبود يك بار) می‌خوانیم آنگاه با امام، رکوع و سجود را انجام می‌دهیم
[تا اینجا سه رکعت نماز خوانده‌ایم]

س اگر نماز ما سه رکعتی بود همراه امام، تشهد و سلام را می‌خوانیم و نمازمان را به پایان می‌بریم
س اگر نماز ما چهار رکعتی بود می‌توانیم نیم‌خیز بنشینیم پس از تمام شدن تشهد و سلام برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم و اگر نخواستیم می‌توانیم پس از به جا آوردن سجده بلافاصله برخیزیم و نمازمان را ادامه دهیم
ب: امام جماعت در حال انجام رکوع رکعت دوم است
برای اقتدا به او ابتدا نیت می‌کنیم سپس تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم آنگاه به رکوع می‌رویم، ذکر رکوع را نیز با آرامش می‌گوییم آن را يك رکعت به حساب می‌آوریم و بقیه نماز را (به همان شیوه‌ای که در قسمت الف گفتیم) به جا می‌آوریم

اگر امام جماعت رکعت سوم یا چهارم نماز را به جا می‌آورد در اینجا هم اقتدا کردن به او دو صورت پیدا می‌کند:

الف: امام جماعت ایستاده و مشغول خواندن تسبیحات اربعه است
برای اقتدا کردن باید ابتدا وقت را بسنجیم چنانچه برای خواندن حمد و سوره (و یا حمد تنها) وقت داریم می‌توانیم اقتدا کنیم ولی اگر وقت، کافی نیست بنا بر احتیاط واجب باید صبر کنیم تا امام جماعت به رکوع رود آنگاه به او اقتدا کنیم

اگر وقت، کافی بود برای اقتدا کردن ابتدا نیت می‌کنیم سپس تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم آنگاه حمد و سوره (و اگر وقت، کم بود حمد را) آهسته می‌خوانیم سپس همراه با امام جماعت به رکوع می‌رویم و نماز را (ادامه می‌دهیم) ادامه نماز را می‌توان از آنچه که قبلاً گفته‌شد به دست آورد یا به توضیح المسائل مراجعه کرد
ب: امام جماعت در حال رکوع رکعت سوم یا چهارم است
برای اقتدا کردن ابتدا نیت می‌کنیم سپس تکبیرة الاحرام را با آرامش بدن می‌گوییم آنگاه به رکوع می‌رویم و ذکر رکوع را نیز با آرامش می‌گوییم، آن را يك رکعت به حساب می‌آوریم و نماز را با امام جماعت ادامه می‌دهیم.
(کیفیت ادامه نماز مثل قسمت الف می‌باشد. (۱۲۸))

سیل رحمت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ دَرُّوا النَّبِيَّ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (۱۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است

باز هم آسمان ابری است، باران می‌آید، آب در خیابان و کوچه پس کوچه‌ها به راه افتاده، آنها به هم می‌پیوندند، خاک و خاشاک را با خود می‌برند، دیگر در و دیوار شهر غبارروبی شده است، درختان و گلها با نشاط شده‌اند، پرندگان نغمه شادی سر می‌دهند. و بار دیگر چهره شهر زیبا و آراسته گردیده، چه خبر است؟

باز هم روز جمعه است و این سیل خروشان امت است که به «نماز جمعه» می‌آیند، می‌آیند تا عظمت و شکوه اسلام را به نمایش بگذارند، خار و خاشاک شرک و نفاق را از جامعه بزدايند، بر چهره دشمنان اسلام سیلی بزنند، می‌آیند تا از اوضاع سیاسی اجتماعی کشور خود و جهان اسلام باخبر شوند و در حل مشکلات آنها شریک گردند،

می‌آیند تا راههای مقابله با دشمنان قسم خورده اسلام را فرا گیرند، می‌آیند تا دست در دست هم دهند و بر فرق استکبار جهانی بکوبند، روز جمعه است، کارهامان را رها کنیم و به این جمعیت انبوه بپیوندم.
رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرکس سه جمعه پیاپی، بدون عذر، در نماز جمعه شرکت نکند بر (دل او مَهْری از نفاق) و دورویی (زده می‌شود)» (۱۳۰)

امام جمعه

۱. (امام جمعه از سوی ولیّ امر مسلمین) رهبر (منصوب می‌شود). (۱۳۱)
 ۲. شرایطی که درباره امام جماعت گفته شده، در امام جمعه نیز معتبر است.
 ۳. شایسته است امام جمعه اینگونه باشد.
- از اوضاع سیاسی کشور و جهان اسلام باخبر باشد ×
مصلح اسلام و مسلمین را بشناسد ×
شجاع باشد ×
در اظهار حقّ و ابطال باطل، صریح باشد ×
(از حبّ دنیا و ریاست، پرهیز کند). (۱۳۲) ×

برپایی نماز جمعه

۱. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز بیان می‌شود.
۲. نماز جمعه دو قنوت مستحبّی دارد یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.
۳. (نماز جمعه، از نماز ظهر کفایت می‌کند) خواندن نماز ظهر واجب نیست.
۴. (نماز گزار جمعه، بنابر احتیاط واجب باید به خطبه‌ها گوش دهد). (۱۳۳)

اعتکاف

بستر خویش را برچیده، کمر بند همّت را محکم بسته، از خانه و زندگی بیرون آمده و به سوی مسجد می‌آید او به این خلوتگاه برای عبادتی بزرگ می‌آید.
همه ساله ده روز آخر مبارک رمضان را به این امر اختصاص می‌دهد (۱۳۴)، در این ایام کارش ارتباط با خداست، گاهی دعا می‌خواند، گاهی قرآن تلاوت می‌کند، گاهی به نماز برمی‌خیزد، روزها روزه می‌گیرد، از جلوه‌های زودگذر و فریبنده دنیا به دور است، از خواب و استراحت صرف‌نظر کرده و از غوغای کوچه و بازار فاصله گرفته است.
آن قدر به این عبادت علاقمند است که چون جنگ بدر در ماه مبارک رمضان واقع شد و نتوانست به مقصود و (مراد خود برسد، سال آینده بیست روز آخر ماه مبارک را به آن اختصاص داد) (۱۳۵)
به راستی او کیست؟ و این عبادت با عظمت کدام است؟
او محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و این عبادت، «اعتکاف» است.
اعتکاف نه از صدر اسلام که در زمان پیامبران پیشین نیز مورد توجه بوده است و خداوند به ابراهیم و اسماعیل (امر می‌کند تا خانه او را برای اعتکاف کنندگان، پاک و پاکیزه کنند). (۱۳۶)
همه ساله در کشور ما در بیشتر شهرها مراسم اعتکاف برگزار می‌شود. شرکت جوانان در این مراسم، بر شور، حرارت، اخلاص و صفای آن می‌افزاید، شما نیز می‌توانید با گروهی از جوانان در مسجد جامع شهر خود گرد آید و به این عبادت بزرگ بپردازید.
اعتکاف از اذان صبح شروع می‌شود و روز اول و دوم، روزه، مستحبّ است و روز سوم واجب می‌شود و اگر تا غروب روز سوم در مسجد بمانیم، کافی است.
در حال اعتکاف، برخی از کارها حرام است، مانند:
خروج از مسجد جز برای کارهای ضروری ۱.
بوییدن عطر و گل ۲.
خرید و فروش ۳.
(جدال در امور دنیایی و دینی برای غلبه بر دیگری و اظهار فضل و برتری بر او). (۱۳۷) ۴.

اعتکاف برنامه‌ای فشرده برای تهذیب نفس و خودسازی، دوری از شهوت‌ها و پیدا کردن اخلاق حسنه است. اعتکاف را به تنهایی نیز می‌توان انجام داد و همچنین در تمام اوقات سال می‌توان به این عبادت پرداخت (ولی باید در روزهایی که روزه گرفتن در آنها حرام است، نباشد). در ایام البیض ماه مبارک رجب یعنی روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم این ماه برنامه باشکوه اعتکاف در بیشتر شهرهای کشورمان برگزار می‌شود. حضور جوانان در این برنامه عبادی بسیار چشم‌گیر و تحسین‌برانگیز است. رسول خدای علی‌ه و آله وسلم درباره عظمت اعتکاف‌کنندگان فرمود: اعتکاف‌کننده، خود را از گناه باز می‌دارد، بنابراین ثواب کسی را دارد که همه خوبیها را انجام داده» (است)» (۱۳۸)

۱۶

در سوگ هجران

(یا ایها الذین آمنوا کتیب علیکم الصیام کما کتیب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون). (۱۳۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

مروریدهای اشک بر چهره رخشانش پراکنده می‌گشت. نشسته بود و دو زانوی غم را در بغل گرفته بود. اینگار جاننش بود که از کالبد بیرون آمده بود و می‌رفت و او در فراقش چنین می‌گریست. گاهی بر می‌خاست و بی‌تابانه چند قدمی راه می‌رفت، گاهی هم فروتنانه خود را به سجده می‌انداخت و زمزمه می‌کرد:

درد بر تو، ای گرمی‌ترین وقت‌هایی که با ما مصاحب و یار بودی و ای بهترین ماه در روزها و ساعتها»

درد بر تو، ای ماهی که آرزوها در آن برآورده است و کردار شایسته در آن فراوان

درد بر تو، ای همنشینی که احترام و گرامیداشت تو هنگام آمدنت بزرگ است و غم هجران تو بس جانکاه

درد بر تو ای همسایه‌ای که دلها با آمدن تو نرم و فروتن گردید و گناهان در آن کاستی گرفت

درد بر تو ای یاری دهنده‌ای که ما را بر چیره شدن بر شیطان یاری کردی، و ای همنشینی که راههای نیکی را آسان نمودی

درد بر تو چه طولانی بودی بر گناهکاران و چه با هیبت و عظمت بودی در دلهای اهل ایمان!

... (بارخدا یا ما اهل این ماه هستیم). (۱۴۰)

این نه يك بار که کار همه ساله او بود.

او امام سجاده‌علیه السلام بود که در فراق ماه مبارک رمضان چنین می‌گریست.

برخی از آثار روزه

اراده نیرومند ۱.

به دست آوردن ارزش‌های اخلاقی و تأمین سعادت آخرت همراه با تحمل ناگواریهاست (حضرت علی‌علیه السلام می‌فرماید: الْمَكَارِمُ بِالْمَكَارِهِ؛ ارزشهای والای انسانی با ناگواریها بدست می‌آید). (۱۴۱)

کسی که می‌خواهد به قلّه تقوا صعود کند، باید هم‌متی عالی و اراده‌ای پولادین داشته باشد که با روزه گرفتن، تا اندازه زیادی از آن برخوردار می‌شود.

عزت نفس ۲.

کسی که نزد دیگران خوار و ذلیل است و چشم طمع به دیگران دوخته است برای رسیدن به آب و نان برده این و آن می‌شود، و یا به حق‌بازی و فریب دیگران روی می‌آورد، او هرگز نمی‌تواند به سوی قلّه تقوا حرکت کند. او چون کبوتری است که در دست این و آن اسیر است.

انسان با روزه گرفتن، تا اندازه‌ای قلبش صاف و زلال می‌شود و به عظمت خود پی می‌برد و به خوبی درمی‌یابد که نباید بنده شکم بود. باید عزت و شکوه خود را نگه داشت و از تنگناهای مالی با تحمل گرسنگی و سختی‌ها بیروز و سربلند بیرون آمد.

فروتنی ۳.

برای رسیدن به قلّه تقوا، باید از پرتگاه‌های خود بزرگ‌بینی و غرور و تکبر دور شد. انسان مغرور، همیشه تنه‌است، هیچ‌کس دوست ندارد با او رفت و آمد کند؛ چرا که کسی حاضر نیست فخرفروشی او را تحمل کند و خود را در نزد او کوچک نماید.

انسان مغرور، چون کسی است که از جمع قلّه‌پیمایان کناره گرفته و به عقب برمی‌گردد و حرف هیچکس را گوش نمی‌دهد. او هرگز قلّه را فتح نخواهد کرد. روزه او را از غرور دور و به سوی کمال و قلّه پرهیزگاری رهنمون می‌سازد.

دوری از گناهان ۴.

در مسیر قلّه تقوا، راهزنانی کمین کرده‌اند تا قلّه پیمایان را با وعده‌های شیرین و کاذب خود از مسیر برگردانند. راهزنان قلّه تقوا؛ شیطان، هوای نفس و دوستان ناباب هستند که راهیان قلّه تقوا را به گناه دعوت می‌کنند کسی که می‌خواهد به قلّه تقوا برسد باید از شیرینی‌ها و لذت‌های زودگذر گناهان به راحتی صرف‌نظر کند و روح پاک خود را به آنها نیالاید.

کسی که از هوس‌ها و لذت‌ها و گناهان دوری می‌گزیند، کم‌کم قلب او نورانی و باصفا می‌گردد و با چشیدن لذت‌های معنوی که نصیب او می‌گردد، راحت‌تر و آسان‌تر و با عشق و علاقه بیشتر به سوی قلّه تقوا حرکت می‌کند. روزه گرفتن ما را در این راه، یاری می‌دهد.

فوائد روزه گرفتن بیش از اینهاست که ذکر شد: برخوردار شدن از صحت جسمی، همدردی با محرومان، یادآوری گرسنگی و تشنگی روز قیامت و ده‌ها فایده دیگر.

برای روزه گرفتن نیت می‌کنیم یعنی تصمیم می‌گیریم برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا اذان مغرب از کارهایی که روزه را باطل می‌کند پرهیز کنیم. عمده آنها عبارتند از

خوردن و آشامیدن ۱.

رساندن غبار غلیظ به خلق ۲.

فرو بردن تمام سر در آب ۳.

قی کردن ۴.

باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح ۵.

(نسبت دادن دروغ به خدا و پیامبر و جانشینان او) (۱۴۲، ۶).

اقسام روزه

روزه گرفتن گاهی واجب است و گاهی حرام، مستحبّ و یا مکروه

روزه‌های واجب مانند: روزه ماه مبارک رمضان، روزه قضا، روزه کفاره، و روزه‌ای که به سبب نذر، عهد و (یا سوگند بر انسان واجب می‌شود). (۱۴۳)

روزه‌های حرام مانند: روزه عید فطر، و عید قربان، روزه مستحبّی فرزندی که سبب اذیت و آزار پدر و مادر (شود)، و بنا بر احتیاط واجب روزه مستحبّی زن که شوهر از آن نهی کرده باشد. (۱۴۴)

روزه‌های مستحبّی مانند: روزه پنجشنبه اول و آخر ماه و هر جمعه، روز مبعث، عید غدیر و عید نوروز روزه‌های مکروه مانند: روزه عاشورا، روزه مستحبّی مهمان بدون اجازه میزبان، و روزه مستحبّی فرزند (بدون اجازه پدر). (۱۴۵)

جبران گذشته‌ها

کسی که در ماه مبارک رمضان روزه نگرفته است بر اساس انگیزه و شرایط خاصی که داشته باید آن را جبران کند گاهی باید آن را قضا کند، گاهی علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب می‌شود، گاهی هم باید کفاره جمع بدهد و در برخی موارد مقداری طعام نیز باید به فقیر بپردازد.

قضای روزه

- در برخی موارد انسان باید روزه‌ای را که نگرفته است قضا کند مانند:
۱. در اوایل بلوغ بنا به توصیه پدر و مادر مبنی بر اینکه قدرت روزه گرفتن را نداری، روزه نگرفته است و گمان می‌کرده که اطاعت از این دستور، واجب است
 ۲. اوایل بلوغ، احتمال می‌داده که بالغ شده است، تحقیق و بررسی هم کرده و به این نتیجه رسیده که بالغ نشده است. بر همین اساس روزه نگرفته و بعدها به اشتباه خود پی برده است
 ۳. اوایل بلوغ روزه نگرفته است چون مریض بوده و روزه گرفتن را مضرّ می‌دانسته است
 ۴. غسل جنابت را فراموش کرده و با حال جنابت يك يا چند روز روزه نگرفته است
 ۵. (در ایام قاعدگی و یا نفاس بوده است و نمی‌توانسته روزه بگیرد. (۱۴۶) ۵.
- موارد دیگر هم هست که در رساله ذکر شده است و توصیه می‌کنیم که حتماً به رساله رجوع کنید

قضا و کفاره

- بعضی مواقع انسان باید روزه‌ای را که نگرفته است قضا کند و کفاره نیز بپردازد مانند:
۱. با توجه و آگاهی، روزه نگرفته است
 ۲. اوایل بلوغ، احتمال می‌داده که بالغ شده است ولی در تحقیق سهل‌انگاری کرده و روزه هم نگرفته است
 ۳. شب ماه مبارک رمضان جنب بوده و می‌دانسته که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود تا قبل از اذان، غسل کند و خوابیده و بیدار نشده است
 ۴. با توجه و آگاهی، روزه خود را باطل کرده است
- برای انجام کفاره می‌توان یکی از این دو راه را انتخاب کرد:
۱. دو ماه روزه گرفت به گونه‌ای که سی و يك روز آن پی در پی باشد
 ۲. شصت فقیر را سیر کرد و یا به هر يك از آنها ۷۵۰ گرم گندم یا برنج و مانند آن داد
- البته کسی که هیچ‌یک از این دو برایش مقدور نیست هر اندازه که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد. و اگر اصلاً (نمی‌تواند، باید استغفار کند. (۱۴۷) ۱

قضا و اطعام

- در برخی موارد باید علاوه بر قضای روزه در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهد مانند:
۱. در ماه مبارک رمضان به خاطر عذر مثلاً مسافرت یا بیماری روزه نگرفته است و پس از ماه مبارک رمضان با آنکه عذرش برطرف شده است عمداً تا ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایی را که خورده نمی‌گیرد زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد
 ۲. زنی که زائیدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد (در این صورت
 ۳. (قضای روزه بر او واجب است ولی اطعام به فقیر بنا بر احتیاط واجب است
 ۴. زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد
 ۵. زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد (در این صورت قضای روزه، واجب است ولی اطعام به فقیر بنا بر احتیاط واجب است. (۱۴۸) ۱

اطعام

اسلام دینی با گذشت و آسان‌گیر است و تمامی دستورات و فرامین آن با فطرت انسانها هماهنگ است از این رو کسانی را که توان روزه گرفتن ندارند از انجام این فریضه واجب، معاف دانسته است که عبارتند از:

۱. سالخوردهگان و پیران
- سالخوردهگان دو گروه هستند:
۱. سالخوردهگانی که اصلاً توان روزه گرفتن ندارند
 ۲. سالخوردهگانی که روزه گرفتن برای آنان مشقت و سختی دارد
- هر دو گروه در صورتی که پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند، از روزه گرفتن معاف هستند البته گروه (دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند. (۱۴۹) ۱

بیماران ۲.

بیمارانی که روزه گرفتن برای آنها ضرر دارد اگر بیماری آنها تا ماه مبارک سال آینده طول بکشد، قضای (روزه‌هایی که نگرفته‌اند بر آنان واجب نیست ولی باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند. (۱۵۰))

بیماران مبتلا به تشنگی ۳.

بیمارانی که اگر روزه بگیرند زیاد تشنه می‌شوند اینها دو گروه هستند

بیمارانی که اصلاً توان تحمل تشنگی را ندارند ۱.

بیمارانی که تحمل تشنگی برای آنان مشقت و سختی فراوان دارد ۲.

هر دو گروه در صورتی که پس از ماه مبارک نیز نتوانند روزه بگیرند از روزه گرفتن معاف هستند، ولی بنابر احتیاط واجب در حال روزه نباید بیشتر از مقداری که ناچار هستند آب بنوشند (البته گروه دوم باید در برابر هر روز ۷۵۰ گرم طعام به فقیر بدهند. (۱۵۱))

۱۷

از سر اخلاص

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِهُ خُمْسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمِنْتُمْ
(بِاللَّهِ. ۱۵۲)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید (و یا از راه‌های دیگر بدست آورید) يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است اگر به خدا ایمان آورده‌اید

حیران و سرگردان ایستاده بودم و به کوچه‌های مدینه نگاه می‌کردم. از نیشابور، این همه راه را با پای شوق آمده بودم؛ شوق دیدار امام

ایستاده بودم و به شیعیان نیشابور فکر می‌کردم، به لحظه‌های به یادماندنی خداحافظی و بدرقه آنان. یادم آمد که چگونه از سر شوق (يك پنجم) اموالشان را به من می‌دادند و در حالی که چهره‌هاشان از عشق به امام می‌درخشید، می‌گفتند این ناقابل را تقدیم امام کن و سلام ما را به او برسان

پاکت‌های نامه‌هاشان را که پرسش‌هاشان را در آن نوشته و آنها را مهر کرده بودند به من می‌دادند تا پاسخ آنها را از امام بگیرم و برای آنها بیاورم

این کار همه ساله آنان بود. ولی این بار خدا به من توفیق داده بود که به نمایندگی آنان به محضر امام شرفیاب شوم

ایستاده بودم و از فکر «شطیطه» بیرون نمی‌رفتم. يك پارچه آورده بود که به دست خودش رشته بود با يك درهم

گفتم: ای بانوی بزرگوار! من خجالت می‌کشم که این ناچیز را خدمت امام ببرم. اشک در چشمانش حلقه زد و گفت:

«آنچه بر عهده من هست همین مقدار است و نباید در عمل به احکام خدا حیا کرد»

از صداقت و ایمان او شگفت‌زده شدم و آن ناچیز را از او تحویل گرفتم

هنوز ایستاده بودم که ناگاه نگاهم به پسر بچه‌ای افتاد که به من می‌گوید: بیا خانه امام را به تو نشان دهم

وقتی بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم فرمود: پاسخ نامه‌ها را در کنار پرسش‌ها نوشته‌ام. آنگاه قبل از آنکه از

شیعیان نیشابور سخنی به میان آورد، نشانی‌های درهم و پارچه شطیطه را داد و آنها را از من مطالبه کرد

وقتی درهم و پارچه را برداشت، همان جمله‌ای را که شطیطه همراه با اشک دیدگانش گفته بود تکرار کرد

آنگاه فرمود: «سلام من را به شطیطه برسان سپس چهل درهم با پارچه‌ای به من داد و فرمود این پارچه،

پنبه‌اش از «قریه صیدا» قریه فاطمه زهرا علیها السلام است و خواهرم حلیمه آن را رشته، اینها را از جانب من به (شطیطه هدیه کن. (۱۵۳))

آدای تکلیف

خمس نه فقط بر مردان و پسران که بر بانوان و دختران نیز واجب است. از آن زمان که آدمی به سن بلوغ پا می‌گذارد و نماز و روزه بر او واجب می‌شود باید اهل حساب و کتاب باشد و برای اموال و درآمد خود «سال خمس» معین کند و سالی یک بار براساس قانون خمس، یک پنجم سود اموالش را حساب کند و به دفتر مرجع تقلید خود یا نماینده او تحویل دهد، و از کم بودن مبلغ آن نباید خجالت کشید البته دختران و بانوانی که کار و شغل و درآمدی از خود ندارند و پدر و مادر خرج آنها را می‌پردازند، خمس بر آنها واجب نیست

تهیه جهیزیه

جهیزیه باید براساس ضوابط سال خمس تهیه شود و اگر پدر و مادر و دیگران نیز در تهیه آن سهیم هستند آنها نیز باید سال خمس داشته باشند و براساس ضوابط سال خمس آن را تهیه کنند همچنین مصارف شخصی، هدیه‌ها، چشم روشنی‌ها و کادوها همه باید براساس ضوابط سال خمس باشند

سال خمس

سال خمس براساس ضوابط خاصی شکل می‌گیرد و تاریخ شروع آن اختیاری نیست برای فراگیری آغاز سال خمس باید به نکته زیر توجه کرد

کسانی که درآمدی دارند دو دسته‌اند

دسته‌ای، درآمدها در تاریخ معینی به دستشان می‌رسد؛ مانند حقوق بران و مزد بگیران جامعه ۱.

دسته‌ای دیگر، درآمدها به صورت تدریجی به دستشان می‌رسد؛ مانند تاجران و صنعتگران ۲.

دسته اول، وقتی اولین درآمدها به دستشان رسید، و دسته دوم از اولین روزی که شروع به فعالیت کردند و (اولین سود را به دست آوردند سال خمس‌شان آغاز می‌شود). (۱۵۴)

از آغاز اولین درآمد و سود تا گذشت یک سال کامل را «سال خمس» می‌گویند

قانون کلی خمس

در بین سال، هر گونه درآمدی که از راه حلال بدست آید صرف هزینه‌های زندگی گردد از قانون پرداخت خمس معاف است؛ البته در صورتی که هزینه‌ها از شأن اجتماعی ما بالاتر نباشند و در آنها اسراف و زیاده‌روی (هم نکرده باشیم). (۱۵۵)

غیر از هزینه‌ها، هر چه هنگام فرا رسیدن سال خمس موجود است باید بررسی و محاسبه گردد ما در اینجا به صورت کوتاه و کلی به وظیفه دسته اول (حقوق بران و مزد بگیران) اشاره می‌کنیم

این دسته از مردم باید آنچه پول و مواد مصرفی (خوراکیها، نوشیدنی‌ها و مواد سوختی) در این تاریخ دارند همه را محاسبه کنند و یک پنجم (۲۰٪) آن را به عنوان خمس جدا کنند و به مرجع تقلید خود یا به یکی از نمایندگان او در استانها و شهرستانها تحویل دهند. (۱۵۶)

مسأله خمس، ریزه‌کاریهایی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد

شایسته است هر ساله نزد شخصی که از مسائل خمس آگاهی کامل دارد، رفته و به خمس اموال خود رسیدگی کنیم.

فرهنگ اقتصاد

مال را از چه راهی بدست می‌آوریم و در چه راهی مصرف می‌کنیم. اسلام می‌گوید باید در هر دو قسمت، مبتلا به حرام نشویم

بعضی‌ها در بدست آوردن مال، حلال الهی را رعایت نمی‌کنند و خیال می‌کنند با مصرف آن در امور خیریه و کمک به مستمندان، مستحق ثواب و پاداش هم می‌شوند، این یک برداشت اشتباه از احکام الهی است

مصرف مال در راه‌های حلال وقتی ثواب دارد که از راه حلال بدست آمده باشد

مثلاً اگر کسی پولش را به تاجری بدهد و بگوید ماهی فلان مبلغ سود به من بده، این «ریا» و «حرام است و با مصرف این پول نمی‌توان به پاداش الهی رسید

رشوه

هدف ما از تحصیل، باید خدمت به دین باشد. خدمت به جامعه هم وقتی مقدّس و ارزشمند است که براساس موازین اسلام و همراه با اخلاص باشد. از هم اینک باید با مطالعه قرآن و کتابهای مذهبی، ایمان خود را تقویت کنیم تا فردا که در جامعه مشغول به خدمت می‌شویم از کم‌کاری و گرفتن «رشوه» پرهیزیم و دیگران را نیز از این کارهای ناشایست بازداریم. حضرت علی علیه السلام به مسؤولان و تمامی خدمتگزاران جامعه می‌فرماید: هر مسؤولی که از رسیدگی به کارهای مردم خودداری ورزد، خداوند در روز قیامت او را ناکام و از خود «دور خواهد ساخت، و اگر در برابر انجام وظیفه هدیه‌ای بگیرد، گریبانگیر او خواهد شد و اگر رشوه بگیرد، به خدا شرک ورزیده است.» (۱۵۷)

رشوه، اگر چه به عنوان «هدیه»، «پیشکش»، «شیرینی»، و «حقّ و حساب» و مانند آن باشد، حرام است (بر رشوه‌گیر واجب است چیزی را که گرفته به صاحبش برگرداند). (۱۵۸)

۱۸

فریادگر حق

(فَرَضَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ) (۱۵۹)

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خداوند امر به معروف را برای مصلحت جامعه و عامه مردم واجب کرده است. آرام اما با متانت و وقار از خانه درآمد، زنان بنی‌هاشم گرد وجودش را گرفتند و به سوی مسجد روان شدند. مسجد غلغله بود. مهاجرین و انصار از هم پیشی می‌گرفتند، انگار جمعیت می‌خواست دیوارهای مسجد را درهم بکشند. تنها پاره تن رسول خدا در میان زنان بنی‌هاشم به مسجد رسید و در پس پرده‌ای که به دستور او آویخته بودند قرار گرفت. نفسها در سینه‌ها حبس شده بود و یادگار رسول خدا نیز ساکت و خاموش ایستاده بود، سکوتی که يك دنیا حرف در آن بود. فاطمه علیها السلام به اجتماع مردم می‌آمد و از حقایق اجتماعی و سیاسی دفاع می‌کرد و همه این آمدن‌ها در باشکوه‌ترین جلوه‌های حیا، عفاف، وقار و متانت انجام می‌گرفت. رفتار و گفتار او و همه معصومان گواه این واقعیت دینی است که امر به معروف و نهی از منکر بر بانوان نیز واجب است. البته امر به معروف و نهی از منکر «واجب کفایی» است. یعنی اگر گروهی به قدر کافی به این کار همت گمارند از عهده دیگران برداشته می‌شود. بنابراین بهتر است بانوان در مواردی که مردان به تنهایی از عهده این واجب الهی برنمی‌آیند و یا مواردی که درباره بانوان است، اقدام کنند و بکوشند که در انجام این واجب الهی خود مرتکب گناهان دیگر نشوند.

معروف و منکر

در فرهنگ دینی به تمامی واجبات و مستحبات «معروف» و به تمامی محرّمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. بنابراین امر کردن افراد جامعه به کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنان از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» نامیده می‌شود. البته تنها درباره واجبات و محرّمات ما موظفیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم. معروف‌ها مانند: نماز - روزه - رعایت حجاب - اجرای عدالت - و احترام به والدین. منکرها مانند: حرام خوری - ظلم و ستم - جلوگیری در برابر نامحرم - چشم‌چرانی - قماربازی - اذیت و آزار والدین - دزدی - ارتکاب قتل و ریختن آبروی مؤمن.

جلوگیری از گناه در جامعه

پیشگیری از بروز گناهان علنی در جامعه، از راه قوانین و مجازاتها به تنهایی کارساز نیست. حضور مأمور در گوشه و کنار جامعه و نظارت همیشگی ناممکن است، بهترین راه برای پیشگیری و مقابله، ایجاد انگیزه عمومی بر این کار است. ابتکار اسلام در زمینه پیشگیری و مقابله با گناهان اجتماعی، از طریق نظارت مردمی «امر به معروف و نهی از منکر» نام دارد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تا آنجاست که پیامبر خدا افراد يك جامعه را به سر نشینان يك کشتی تشبیه فرموده‌اند که اگر یکی از آنان گوشه‌ای از کشتی را سوراخ کند، نه تنها به خود، که به دیگران نیز آسیب می‌رساند و همگان باید از کار او جلوگیری کنند.

واکنش‌های نخستین
اگر گناهی در جامعه رخ داد باید قبل از برخورد با گناهکار از آلوده شدن خود جلوگیری کنیم در این باره به چند دستور ایمنی اشاره می‌کنیم:

۱. به مجلس گناه نرویم.
۲. در مورد انجام گناه از هیچ کس (حتی از پدر و مادر) اطاعت نکنیم.
۳. رضایت قلبی از عمل بدکاران، نداشته باشیم.
۴. دوستی قلبی خود را از آنان قطع کنیم.

پس از مراقبت از خود، با سعه صدر و صبر و حوصله و با انگیزه اعتلای دین به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت ورزیم.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر
امر به معروف و نهی از منکر در مورد مستحبات و مکروهات، واجب نیست بلکه در مورد واجبات و محرمات واجب است و آن، در صورتی است که شرایط زیر محقق باشد:

۱. ابتدا، معروف (واجب) و منکر (حرام) را بشناسیم.
۲. اقدام ما بی‌نتیجه نباشد، لاقلاً احتمال تأثیر بدهیم.
۳. گنهکار، در صدد ادامه و تکرار آن کار باشد.
۴. اقدام ما، ضرر جانی، آبرویی یا مالی قابل توجه برای خودمان یا نزدیکان یا یاران و همراهانمان و یا سایر (مؤمنان نداشته باشد؛ مگر آن که مسأله، خطیر و حساس باشد). (۱۶۰)

فرهنگ امر و نهی
و داشتن دیگری به کاری و یا بازداشتن او از کاری، ذوق، سلیقه، هنر و ابتکار می‌طلبد این لطافت روحی، ملایمت و نرمی و در عین حال صلابت و کوتاه نیامدن ماست که می‌تواند ما را به هدف مقدس‌مان نزدیک کند بنابراین توجه به نکته‌های زیر کارساز است:

۱. به جای تحقیر و توهین، ترغیب و تحسین کنیم.
۲. برای جلوگیری از منکر، خود دچار منکر نشویم.
۳. به جای پرخاش و عیب‌جویی، مهر و رأفت به خرج دهیم.
۴. مصلحت طرف را نادیده نگیریم.
۵. از خودخواهی و خودستایی بپرهیزیم.
۶. تنها خشنودی خدا را در نظر داشته باشیم.
۷. خود را منزّه از گناه و برتر از گنهکار نبینیم.
۸. این را بدانیم که چه بسا گنهکار دارای صفات و اعمال نیک بسیاری نیز باشد.
۹. (در صورت نیاز، امر به معروف و نهی از منکر را تکرار کنیم). (۱۶۱)

مراحل امر به معروف و نهی از منکر
حجابش خداپسند نیست، در برابر نامحرم خودنمایی و جلوه‌گری می‌کند، زینت و آرایش خود را از نامحرم، نمی‌پوشد و یا نسبت به نماز کاهلی می‌کند، حلال و حرام را مراعات نمی‌کند، و یا مبتلا به گناهان دیگری است.

گنهکار را باید امر به معروف و نهی از منکر کرد اما از آن مهمتر این است که کار ما منظم و منطقی باشد و مراحل زیر را یکی پس از دیگری اجرا کنیم

در مرحله نخست با گنهکار به گونه‌ای برخورد می‌کنیم که بفهمد این طرز برخورد ما تنها به خاطر گناه ۱. اوست. مثلاً از او چهره برمی‌گردانیم یا با چهره گرفته و برافروخته با او مواجه می‌شویم و یا رفت و آمد خود را با او قطع می‌کنیم

اگر از رفتارهای ما متأثر نشد به گفتار رو می‌آوریم و با زبان او را امر و نهی می‌کنیم البته با نرمی و ۲. رعایت ادب و احترام اما با قاطعیت و صلابت

مرحله بعد را به عهده نیروهای قضایی و انتظامی حکومت اسلامی می‌گذاریم تا در جامعه هرج و مرج ۳. (ایجاد نشود). (۱۶۲)

دفاع همگانی

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ (مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ). (۱۶۳)

اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعض دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است

دشمنان اسلام شب و روز نقشه می‌کشند که نور اسلام را خاموش کنند ولی خداوند نور اسلام را عالم‌گیر خواهد کرد و این با مبارزه و دفاع مسلمانان حقیقی محقق خواهد شد

بنابراین اگر دشمن به کشور اسلامی ما هجوم آورد بر همه افراد مملکت، چه مرد و چه زن، چه بزرگ و چه کوچک واجب است که دفاع کنند

اگر دیروز دشمن به خاک میهمن اسلامی ما حمله کرده بود و ما شجاعانه او را به عقب راندیم، امروز به شکل پیچیده‌تری به مرزهای ایمان و عقیده ما حمله کرده است

ترویج فساد و ابتدال و سوق دادن پسران و دختران به بی‌بند و باری‌های اخلاقی از بارزترین نشانه‌های حمله دشمن است

ردپای دشمن را در فیلم‌های مستهجن، عکسها، و برنامه‌های مبتذل ببابیم؛ دشمنی که می‌کوشد با برداشتن مرزهای حیا و عفاف، بانوان و دختران را به زشت‌ترین شکل، به صحنه‌های اجتماع بکشاند و تمام شرافت و حیثیت یک زن و دختر ایرانی مسلمان را به غارت ببرد. پس برای دفاع آماده باشیم و فریب خودباختگان فرهنگ غرب را نخوریم

گل پاک

(إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ). (۱۶۴)

حضرت علی علیه السلام فرمود: زن (مانند) گل است

یکی بامدادان به فصل بهار جوانی به باغی فتادش گذار

به شاخی، گلی دید خوش رنگ و بو که از جان و دل گشت مشتاق او

گلویش بیفشرد و کردش جدا ز گل‌های دیگر به جور و جفا

چو آن گل جدا شد ز شاخ درخت

بیفتاد در دست آن تیره‌بخت
بکرد از طریق تحسّر نگاه
به یاران و از دل برآورد آه
بگفتا که ای خواهران عزیز
برای شما هست این روز نیز
گذارد آرایش خود کنار
بگیرید در زیر برگی قرار
نمایید خود را از این دم نمان
که مانند ایمن ز غارتگران

× × ×

اگر گل در پس برگها مخفی نشود،
اگر گل مراقبت باغبان را نپذیرد، و اگر گل بر بیگانگان جلوه‌گری کند، به غارت خواهد رفت
گل، ظرافت‌ها، لطافت‌ها و جلوه‌گری‌های خود را باید برای يك قهرمان نگه دارد
او امانتدار لطافت‌ها و ظرافت‌هاست و آنگاه است که می‌تواند با این خود نگه‌داریها يك قهرمان را به آستان خود
بکشاند و در دست يك قهرمان قرار گیرد نه در زیر پای غارتگران
زن، گل است و يك گل دانا و پاك هرگز نمی‌پسندد چهره و موی و اندام خود را در اختیار نگاه‌های هوس‌آلود
قرار دهد؛ در پس برگهای حجاب و حیا می‌ماند و حیثیت و شخصیت خود را پاسبانی می‌کند
غنچه تا در پرده است از دست گلچین ایمن است
گر صیانت از جفا خواهی حیا می‌بایدت

مصونیت نه محدودیت

حجاب، مصونیت است نه محدودیت

زن با خودداری و خود نگه داری‌های ظریفانه خود نه تنها شخصیت خود را حفظ می‌کند که به مرد نیز
شخصیت می‌دهد

متفکر و اندیشمند فرزانه استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌نویسد

مرد، بسیاری از هنر‌نمایی‌ها و شجاعت‌ها و دل‌آوریها و نبوغها و شخصیت‌های خود را مدیون زن و «
خودداریهای ظریفانه زن، مدیون حیا و عفاف زن می‌داند

زن همیشه مرد را ساخته و مرد اجتماع را، آنگاه که حیا و عفاف و خودداری زن از میان برود و زن بخواهد
در نقش مرد ظاهر شود اول به زن مهر باطله می‌خورد و بعد مرد مردانگی خود را فراموش می‌کند و سپس

(اجتماع منهدم می‌گردد)» (۱۶۵)

حضرت امام‌رحمه الله این انسان‌شناس و اسلام‌شناس بزرگ قرن می‌فرماید

زن مرتبی جامعه است... زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را «
(آباد می‌کند)» (۱۶۶)

اعتراف دانشمندان

دانشمندان و جامعه‌شناسان مُنصف و باریک‌بین همه به این حقیقت اعتراف دارند که عظمت و شکوه زن در حیا،
حجاب و خود نگه داری‌های اوست

ویل دورانت می‌گوید

زنان دریافته‌اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند...»

مرد جوان به دنبال چشمان پراز حیا است و بی‌آنکه بداند حس می‌کند که این خودداری ظریفانه از يك لطف ...
«و رقت عالی خبر می‌دهد

برتراند راسل می‌گوید

«از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت»

از همه شگفت‌آورتر سخنی است که یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجله به حسب فنّ و
شغل فیلم‌سازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می‌کند او می‌گوید

زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روبندی که به کار می‌بردند خود به خود جذاب می‌نمودند و همین مسأله جاذبه نیرومندی بدانها می‌داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می‌رود و «همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می‌شود»

خلأ عشق

امروزه یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و آمریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان اروپایی این نکته زیاد به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی و بی‌بند و باری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی‌کند. از داستان‌های لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین و مانند آن می‌توان فهمید که زن بر اثر دور نگه داشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است قطعاً درک زن، این حقیقت را در تمایل او به پوشش بدن خود و حفظ کردن خود به صورت یک راز، تأثیر (فراوان داشته است). (۱۶۷)

۲۰

الگوی بانوان

(الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَ لَكِنَّ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ) (۱۶۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: حیا، پسندیده و نیکوست، ولی در زنان، پسندیده‌تر و نیکوتر است گرد ماه وجودش حلقه زده بودیم،

من بودم و دیگر یاران او،

دوست داشتیم او بگوید و ما گوش باشیم؛ ولی مثل بعضی وقت‌های دیگر از ما پرسید. هر کسی چیزی گفت، ولی هیچ‌یک از پاسخ‌ها را نپسندید

یا خود گفتم پاسخ را باید از فاطمه بشنوم. نزد همسر فاطمه آمدم

فاطمه جان! پدرت، رسول خدا، از ما سوالی پرسید، کسی نتوانست پاسخ دهد. «چه چیز برای زن بهترین است؟»

«علی جان!

«بهترین چیز برای زن آن است که مرد (نامحرمی) را نبیند و مرد (نامحرمی) نیز او را نبیند»

:چون پاسخ فاطمه را به پیامبر گفتم، پیامبر پاسخ او را پذیرفت و از صمیم جان فرمود

(پاسخ فاطمه، صحیح است، او پاره تن من است!) «(۱۶۹)»

منطق فاطمه این است که زن، گوهری گرانبها و فرشته‌ای آسمانی است که هر چه پوشیده‌تر و محبوب‌تر باشد نزد خدا محبوب‌تر است و این، با فطرت او کاملاً سازگار است

منطق فاطمه این است که خودآرایی و خودنمایی زن نباید در برابر چشم نامحرمان باشد، خداوند این هنر را به زن داده است تا قلب شوهرش را فتح کند و چنان قلب او را پر کند که به زنهاى دیگر هیچ اعتنا نکند و طمع وصال آنان را در سر نپروراند

اما کسانی که افسار شهوت و هوس را رها کرده‌اند و تن به لذات حیوانی داده و غرق در دنیا گشته‌اند فرهنگ زندگی آنها چیز دیگری است

«خودآرایی، خودنمایی و چشم‌چرانی؛ و در يك کلمه: آزادی حیوانی»

انان شخصیت زن را در اینها می‌دانند

از نگاه آنان زنی که با مدرن‌ترین آرایش‌ها و زیباترین لباس‌ها خود را می‌آراید و با دلرباترین شیوه‌ها در جامعه جلوه‌گری می‌کند و چشمانش به دنبال خواسته‌های نفسانی‌اش می‌چرخد، زنی با فرهنگ، امروزی، مترقی و خوشبخت است؛ ولی واقعیت چیز دیگری است
مه‌ار حرص و هوس را اگر رها کردی
مدام در هوسی و دوام در دردی

پوشش اسلامی

زن مرواریدی گرانبهاست که باید در صدف حجاب و پوشش، خود را به کاملترین شکل حفظ کند. بنابراین واجب است موها و تمام اندام خود را از نامحرم بپوشاند. خواه نامحرم به قصد لذت و هوسرانی به او نگاه کند و یا بدون قصد لذت، البته پوشاندن صورت و دستها تا مچ واجب نیست اگرچه بهتر است و به تقوا نزدیک‌تر است

بنابراین

بیرون گذاشتن مقداری از موها به هر انگیزه‌ای که باشد حرام است و ناپسند ۱.

نمایان گذاشتن روی پا، کف پا، و پاشنه پا، ناپسند و حرام است ۲.

(جورابه‌های نازک و پانما کافی نیست و باید پاها را کاملاً بپوشانیم). (۱۷۰)

چهره و دستها

چهره دختران یکی از دلرباترین اعضای آنهاست بکوشیم در حدّ توان آن را از نامحرم بپوشانیم. در محیط‌هایی که اکثر جوانان عادت دارند که با چشمهای آلوده و تند به ما نگاه کنند و در مسیر هرزگی و سبکسری و آزار و متلک گفتن گام برمی‌دارند، روا نیست که با چهره‌ای باز و متبسم و خندان رفت و آمد کرد

درباره چهره و دستها به نکته‌های زیر توجه کنیم

مقتعه یا روسری باید اطراف چهره، گلو و زیر چانه را بپوشاند ۱.

قدری پایین‌تر از مچ دستها را باید بپوشاند ۲.

دست‌ها و چهره باید خالی از هرگونه آرایش، زیور و زینتی باشد و گرنه پوشاندن آنها نیز واجب است ۳.

کسی با قصد لذت به دستها و چهره ما نگاه نکند و گرنه پوشاندن آنها واجب می‌شود ۴.

(کسی که چهره طبیعی او به گونه‌ای است که باعث مفسده می‌شود باید چهره خود را نیز بپوشاند). (۱۷۱)

پوشش کامل

برخی گمان می‌کنند که پوشش اسلامی، همان پوشش بدن است و در اسلام چیزی فراتر از این وجود ندارد، این برداشتی ناقص از دین است. اسلام علاوه بر پوشش بدن، پوشش زیور و زینت را نیز واجب می‌داند. در سوره (نور) به این مطلب تصریح شده است. (۱۷۲)

بنابراین هرچه در نظر مردم زینت به حساب می‌آید باید از نامحرم پوشانده شود؛ مانند انگو، لاک ناخن، سرمه (چشم) و از همه مهمتر آراستگی چهره. (۱۷۳)

معیارهای انتخاب لباس

لباسی که می‌خواهیم آن را در برابر نامحرم بپوشیم باید دارای ویژگی‌های زیر باشد

۱. نازک و بدن‌نما نباشد

۲. بنا بر احتیاط واجب لباسی که باعث شهرت و انگشت‌نما شدن ما در میان نامحرم می‌شود نباشد

۳. بنا بر احتیاط واجب از لباسهای ویژه مردان نباشد

۴. از لباسهایی که مهیج است و توجه نامحرم را جلب می‌کند نباشد

۵. از لباسهایی که از حیث دوخت و شکل و یا از نظر رنگ، ترویج و تقلید از فرهنگ مهاجم غیرمسلمین است. (نباشد). (۱۷۴)

جلب نامحرم

تنها پوشش اندام و زیور و زینت کافی نیست، بلکه باید پوشش ما به گونه‌ای باشد که نامحرم را جلب نکند؛ به چند نکته در این زمینه توجه کنید

پوشیدن لباسی که برجستگیهای بدن را به گونه‌ای ظاهر می‌سازد که باعث سوق دادن زن به گناه و جلب نظر (نامحرم است، جایز نیست). (۱۷۵)

استفاده از کفش‌هایی که هنگام راه رفتن به گونه‌ای صدا می‌دهند که نامحرم‌ان را متوجه می‌سازند و باعث گناه (می‌شوند، جایز نیست. (۱۷۶)

برخی در عین اینکه چادر می‌پوشند ولی با گرفتن و رها کردن آن و ژست‌های رنگارنگی که با آن می‌گیرند، نشان می‌دهند که اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از اینکه مورد بهره‌برداری چشمها قرار بگیرند ناراحت نمی‌شوند

آنها باید بدانند که صرف استفاده از چادر، ارزش نیست بلکه باید به گونه‌ای از چادر استفاده کرد که بانوان عقیف از آن استفاده می‌کنند آنان که آهنگ چادرشان به نامحرم‌ان «دورباش» می‌گوید و ناپاک‌لان را مأیوس (می‌کند. (۱۷۷)

بعضی‌ها موهای جلو و یا عقب سر خود را به گونه‌ای برجسته می‌کنند که حتی از روی چادر به خوبی نمایان است.

آنان به گمان خود می‌خواهند شیک باشند ولی باید بدانند هر کاری که باعث جلب توجه نامحرم و گناه شود نارواست و از آن باید پرهیز کرد

۲۱

در حریم عفاف

(أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ. (۱۷۸)

حضرت علی علیه السلام، همواره می‌فرمود: بالاترین عبادت عفت است در خانه را می‌کوبید، ابن ام مکتوم «آن مرد نابینا بود، می‌خواست به خانه من وارد شود،» به عایشه و حفصه گفتم برخیزید و به اتاق دیگر بروید! گفتند: او که نابیناست و ما را نمی‌بیند! گفتیم: اگر او شما را نمی‌بیند، شما او را می‌بینید: همانجا به یاد فاطمه‌ام افتادم وقتی نابینایی می‌خواست بر من وارد شود، بی‌آنکه به او چیزی بگویم، در پس پرده رفت به او گفتم: این مرد، نابیناست و تو را نمی‌بیند گفت گرچه او من را نمی‌بیند ولی من او را می‌بینم و او بوی من را استشمام می‌کند اینجا بود که از سر حقیقت، احساساتم اوج گرفت و گفتم: (گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی!) «(۱۷۹)»

ما نیز باید از رفتار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و فاطمه زهرا علیها السلام درس بگیریم و منزل ما و رفت و آمدهای خانوادگی و فامیلی ما به گونه‌ای باشد که حریم مرد و زن در آن رعایت گردد. نامحرم، نامحرم است اگرچه از نزدیکان و وابستگان ما باشد، ما نباید با او همانند یک محرم رفتار کنیم فرهنگ که از طریق بیشتر فیلم‌ها و برخی از برنامه‌های سیما به آن بها داده می‌شود با فرهنگ ناب اسلامی فاصله‌ها دارد

نشستن در کنار هم بدون مراعات کامل پوشش اسلامی و گفتن و خندیدن و شوخی کردن بدون مراعات محرم و نامحرمی کاری ناروا و ناشایسته است

اختلاط دختر و پسر

پیامبر خود از اختلاط زن و مرد جلوگیری می‌کرد، به دستور ایشان در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا شد

پیامبر برای اینکه برخورد و اصطکاکی رخ ندهد دستور می‌داد مردان از وسط و زنان از کنار کوچه‌ها بروند؛ (زیرا فتنه‌ها از اختلاطها برمی‌خیزد. (۱۸۰)

پیامبر خطاب به جامعه اسلامی می‌فرماید:
نگذارید بین مردان و زنان اختلاط برقرار شود، چه آنکه اگر بین آنها اختلاط و آمیختگی باشد دردی بی‌درمان»
(شما را فرا خواهد گرفت)» (۱۸۱)
جامعه اسلامی به ویژه دانشگاهها باید به این سمت سوق داده شوند که از اختلاط زن و مرد بکاهند. اختلاط، اگر مفاسد دینی و اخلاقی به همراه داشته باشد زیانبار است.
حضرت امام‌رحمه‌الله درباره ادامه تحصیل دختران می‌فرماید:
ادامه تحصیل در رشته‌های حلال اشکالی ندارد ولیکن تستر (۱۸۲) از اجانب و خودداری از اختلاط با آنها»
لازم است و اگر ادامه تحصیل مستلزم اختلاط با اجانب باشد و مفاسد دینی و اخلاقی در بر داشته باشد ترك
کند.» (۱۸۳)

خلوت با نامحرم

جاذبه جنسی بین زن و مرد، و دختر و پسر آنقدر نیرومند است که غلبه بر آن در هنگام خلوت با نامحرم، تقوایی در حد معصومین علیهم‌السلام می‌خواهد.
اگر دختر و پسر یا زن و مرد در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند به آنجا وارد»
(شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند.)» (۱۸۴)

مکالمه با نامحرم

قرآن به دختران و بانوان هشدار می‌دهد که با صدای نازک و ناز و کرشمه با نامحرم سخن نگویند مبادا
(بیماردلی به آنان طمع ورزد.) (۱۸۵)
بنابراین مستحب است در مواقعی که ضرورتی ندارد، با نامحرم سخن نگوئیم و چون خواستیم سخن بگوئیم باید
با متانت و سنگینی در فضایی سالم و به دور از هوس سخن بگوئیم و از شوخی و خنده پرهیزیم و در عین حال به
نامحرم خیره نشویم و پوشش کامل خود را در برابر او حفظ کنیم.

مراجعه به نامحرم

امید است که جامعه اسلامی هر چه سریعتر به جایی برسد که دختران و بانوان به راحتی بتوانند کارهای خود را
بدون مراجعه به نامحرم انجام دهند.
بنابراین تا جایی که امکان دارد شایسته نیست به پزشک مرد و یا عکاس مرد و... مراجعه کنیم
و در مواقع اضطرار باید پوشش خود را در حد امکان حفظ کرده و تمامی مسائل مربوط به نامحرم را مراعات
کنیم.
در این زمینه مسائل فراوان لازمی وجود دارد که شما را به رساله توضیح المسائل مراجع عظام تقلید ارجاع
می‌دهیم.

نگاه به نامحرم

چشم، از مناظری که می‌بیند، فیلم و عکس تهیه، و در مخزن خیال بایگانی می‌کند. گاهی هم در سالن خیال
می‌نشیند و به تماشای آنها می‌پردازد.
مراقب باشیم که چشمان ما از مناظر شهوت‌آلود فیلم و عکس تهیه نکند و اگر به این خطا و گناه دچار شدیم
فوری آن منظره را با اشک و آه و توبه از صفحه خیال خود پاک کنیم.
نگاه آلوده به هیچ چیز و هیچ کس جایز نیست.
در فرهنگ اسلام این تنها مردان نیستند که موظفند نگاه‌های خود را مهار کنند بلکه قرآن صریحاً زنان را نیز به
(رعایت این نکته فرمان می‌دهد.) (۱۸۶)
محرم و نامحرم
شاید بعضی‌ها خیال کنند که نامحرم یعنی غریبه و ناآشنا، و محرم یعنی قوم و خویش و آشنا، ولی در فرهنگ
اسلام فرقی بین غریبه و آشنا نیست.
کسانی که به دخترها و زنها محرمند عبارتند از: پدر، پدربزرگ، پسر، نوه، برادر، خواهرزاده (پسر خواهر)،
(برادرزاده) (پسر برادر)، (عمو) (عموی خود و عموی پدر و مادر)، (دایی) (دایی خود و دایی پدر و مادر)

این گروه به سبب خویشاوندی نسبی، محرم هستند؛ گروهی دیگر نیز به سبب ازدواج، بر دخترها و زنها محرم می‌شوند که عبارتند از شوهر، پدر و پدربزرگ شوهر، پسر شوهر (هر چند فرزند خود انسان نباشد) و نوه او، شوهر مادر (۱۸۷)، و (شوهر دختر) داماد کسان دیگر هر چند خویش و آشنا باشند نامحرم به شمار می‌آیند و باید همه احکام مربوط به نامحرم را درباره آنان رعایت کرد. بنابراین پسر دایی، پسر عمو، پسر خاله، پسر عمه، شوهر خاله، شوهر عمه، شوهر خواهر و برادر شوهر همه نامحرم هستند. (۱۸۸) و باید در روابط خانوادگی و فامیلی آنان را نامحرم دانست. ممکن است این نکته برای آنان ناخوشایند باشد ولی رضایت و خشنودی خدا را باید بر رضایت و خشنودی آنان مقدم داشت و آخرت خود را به بهای اندک دنیا فروخت. ولی می‌توان با نرمی و ملایمت مسأله را برای آن‌ها روشن ساخت

روابط دختر و پسر

اسلام کوشیده است تا روابط دختران و پسران را به گونه‌ای تنظیم کند که احتمال بروز هر گونه آلودگی و تباهی از میان برداشته شود. روح حاکم بر روابط پسران و دختران باید روح پاکی و عفاف باشد. جوامعی که روابط دختران و پسران را تا اندازه‌ای آزاد گذاشته‌اند تجربه تلخی را متحمل گشته‌اند و به اشتباه خود اعتراف دارند. دین مترقی اسلام می‌گوید: قلب با نگاه‌های آلوده، بر خوردهای ناسالم و غیر عقیفانه کم کم تاریک می‌گردد، یاد خدا از قلب بیرون می‌رود، جاذبه نیرومند تمایلات جنسی بر آدمی غالب می‌شود، و چه بسا جوان دچار بلای خانمانسوز عشق و محبت نابجا گردد. مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره عشق نابجا پرسیدم فرمود (قلب‌هایی هستند که از یاد خدا خالی می‌شوند، خدا نیز (عشق) و محبت غیر خود را به آنان می‌چشاند. «۱۸۹» و اگر کسی به این بلای خانمانسوز دچار شد باید با عفت و پرهیز و خود نگهداری خود را نجات دهد: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: برگزیدگان امت من کسانی هستند که چون به بلایی دچار شوند عفت می‌ورزند پرسیدند: آن کدامین بلاست؟» (فرمود: عشق) نابجا. «(۱۹۰)» دستورات و احکام اسلامی در زمینه روابط دختران و پسران همه، حکیمانه و عادلانه است، اسلام نمی‌خواهد بی‌جهت برای کسی محدودیتی قائل شود و او را در تنگناهای اجتماعی قرار دهد. همه این احکام که به ظاهر محدود کننده هستند جهت حفظ آبرو و احترام انسان هستند. البته اسلام در کنار این احکام، با جدیت فراوان، دختران و پسران را به ازدواج ترغیب و تشویق کرده است. اسلام می‌خواهد دختران و پسران در بحبوحه جوانی و نشاط، اساس زندگی آینده خود را پی‌ریزی کنند و با گرمی و طراوت به زندگی ادامه دهند. متأسفانه بهانه‌گیری‌ها، سخت‌گیری‌ها، چشم و هم چشمی‌ها، و تجملات، جوانان ما را تهدید می‌کند. با بالا رفتن سن ازدواج و پدید آمدن بحران جوانی، جامعه نیز دچار مشکلات فراوانی می‌گردد که گاه غیرقابل تصور و تحمل است. چاره کار در دست ما و خانواده‌های ماست. بیاییم تصمیم جدی بگیریم که هرگاه جوانی متدین، خوش اخلاق و با ایمان به خواستگاری ما آمد و مورد پسند قلبی ما بود او را بپذیریم و به بهانه ادامه تحصیل و یا چیزهای دیگر خود را به بحران آزاردهنده جوانی سوق ندهیم. در همه کارها و به ویژه در امر مقدس ازدواج به خدا توکل کنیم و از توهم‌های بیجا بپرهیزیم.

(ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ النَّزْوِيجِ). (۱۹۱)
پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هیچ بنا و بنیانی نزد خداوند عزیز و بلندمرتبه دوست داشتنی‌تر از ازدواج نیست

وقتی پیامبر مرا دید تبسم کرد و گفت:
ای ابالحسن به چه کاری بدینجا آمده‌ای؟
از قرابت و نزدیکی خود با او، از پیشی گرفتن خود در اسلام، از یاری کردن او، و از جهادم سخن به میان آوردم.

«فرمود: «علی جان تو از آنچه گفתי بالاتر و برتری
بسپس از حیا سرم را به زیر انداختم و نگاهم را به زمین دوختم
«من امروز به خواستگاری دخترت فاطمه آمده‌ام»
فرمود: علی جان پیش از تو کسانی به خواستگاری فاطمه آمده‌اند چون از آنان نزد او سخن گفتم چهره‌اش گرفته
شد، دانستم به این کار راضی نیست
علی جان بنشین تا برایت خبر آورم
پیامبر بر فاطمه وارد شد، فاطمه مثل همیشه تمام قد در برابر پدر بلند شد و از وی دلجویی کرد
!فرمود: فاطمه جانم

فضائل و خوبیهای علی بن ابی‌طالب را می‌دانی، من از خدا خواسته‌ام تو را به ازدواج برترین و محبوبترین
«خلقتش درآورد، علی از تو سخن به میان آورده، نظر تو چیست؟
فاطمه ساکت ماند، چهره برنگرداند و نشانه کراهت در چهره‌اش دیده نشد
«پیامبر برخاست و می‌گفت: «اللَّهُ اکبر، سکوت او نشانه رضایت اوست. (۱۹۲)
فاطمه بر چه مینایی علی را پذیرفت؟

آنچه روشن است علی از مال و منال دنیوی بهره چندانی نداشت، شمشیری داشت که با آن در راه خدا جهاد
می‌کرد، شتری که با آن نخلستان را آبیاری می‌کرد و یک زره که آن را کابین فاطمه قرار داد
ملاک و محور انتخاب، دین و اخلاق و پاکی بود
پیامبر خطاب به دختران و اولیاء آنان می‌فرماید
هنگامی که کسی نزد شما آمد که از اخلاق و دین او راضی هستید او را بپذیرید وگرنه فتنه و فساد بزرگی در
(زمین رخ خواهد داد. (۱۹۳)

در احادیث و روایات ما به نکته‌های مهم اخلاقی یک جوان ایده‌آل اشاره شده است
او با تقوا، پاکدامن و بخشنده است. چشمش پاک است. به پدر و مادرش نیکی می‌کند و بار زندگی خود را به
(دوش دیگران نمی‌اندازد. (۱۹۴)
بنابراین اگر جوانی اهل پاکی و تقوا نیست و چشم چران و بی‌بند و بار است و از سایر فضائل اخلاقی بی‌بهره
است، نباید گول مقام و ثروت او را خورد و زمام زندگی خود را به دست او داد

خواستگاری

رسم خواستگاری یک تدبیر ظریف و عاقلانه و برای حفظ حیثیت و احترام زن است، خلاف حیثیت و احترام
زن است که به دنبال مرد بدود

زن که می‌خواهد محبوب و معشوق و مورد ستایش باشد و بر سراسر وجود مرد حکومت کند قابل تحمل و
موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری
(برود. (۱۹۵)

از طرف دیگر آراستن خود و جلوه‌گری در کوچه و بازار برای جلب جوانان هم‌گناه است و هم از ارزش
دختر نزد جوانان می‌کاهد

دختر باید سنگین، با حیا و وقار زندگی کند و عفت خود را نگه دارد. بانوانی که او را می‌شناسند از حالات و
خصوصیات او در خانه‌های خود سخن به میان خواهند آورد و جوانان پاک، شیفته او خواهند شد و به خواستگاری
او خواهند آمد. این بهترین روش برای حفظ حیثیت، احترام و عظمت یک دختر است

اجازه پدر

زن اسیر محبت است. آن چیزی که او را از پا درمی آورد و اسیر می کند این است که نغمه محبت و صفا و وفا و عشق از دهان مردی بشنود، خوش باوری او در اینجاست. مردها نیز به این نکته کاملاً واقفند و برای صید دختران به خوبی از آن استفاده می کنند. بنابراین زن تا مادامی که دوشیزه است به سهولت زمزمه های محبت مردان را باور می کند. اینجاست که لازم است دختر ناآزموده با پدرش که از احساسات مردان بهتر آگاه است مشورت کند و لزوماً موافقت او را جلب کند. این نکته را نیز به خاطر بسپاریم که اجازه مادر و برادر لازم نیست. (۱۹۶) گرچه جلب رضایت آنان امری است پسندیده و صفا بخش زندگی آینده و موافق احتیاط.

مهریه

قانون مهریه هماهنگی با طبیعت است. از این رو که نشانه و زمینه آن است که عشق از ناحیه مرد آغاز شده و (زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیه ای نثار او می کند). (۱۹۷) سخن از معامله و خرید و فروش نیست، سخن از رقابت و چشم و هم چشمی نیست. شاید برخی تا توان دارند مهریه را بالا می برند تا همسرشان را پای بند به زندگی کنند هرگز چنین نخواهد بود، او می تواند با کاهش محبت و توجه خود به زندگی، زن را در تنگنایی قرار دهد که مهریه خود را ببخشد و بگوید: «مهرم حلال، جانم آزاد»

بنابراین میزان پای بندی شوهر به زندگی به میزان تقوا، اخلاق و دین او بستگی دارد و گرنه سنگینی مهریه نه تنها ضامن بقاء زندگی نیست بلکه مایه کینه و کدورت شوهر است چون او همیشه فکر می کند همسرش خود را به او فروخته است.

از این رو اسلام، هم به انتخاب شوهر خوش اخلاق و متدین و باتقوا سفارش نموده است و هم پایین بودن مهریه را سفارش کرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بهترین زنان امت من کسانی هستند که مهریه هاشان کمتر است.» (۱۹۸)

و باز از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود (مهریه زنان را بالا نبرید که موجب دشمنی می گردد.) (۱۹۹)»

دوران نامزدی

دو کبوتر بی سر و سامان در آستانه سامان گرفتن اند. دو دلداده پس از سالها انتظار، یکدیگر را یافته اند. آنان می خواهند به زودی شالوده يك زندگی ایده آل را پیریزی کنند. می خواهند يك عمر با هم و در کنار هم با تفاهم و همدلی زندگی کنند.

دوران نامزدی شیرین ترین ایام زندگی است. نگاه ها، کلام ها، برخوردها، و رفت و آمدها همه شیرین و به یادمانندی است.

دورانی است که دختر و پسر بیشتر با هم انس می گیرند و از افکار و عقاید و سلیقه های یکدیگر مطلع می شوند. نکته اساسی که باید مورد توجه ما قرار گیرد این است که تا زمانی که صبیغه عقد دائم یا موقت خوانده نشده است، دختر و پسر با هم نامحرم هستند و تمامی احکام مربوط به نامحرم را باید مراعات کنند پس بهتر است که تا امکان دارد بین دوران نامزدی و عقد فاصله نیندازیم.

مواظب باشیم قبل از عقد با داماد عکس بر نداریم و از عکس های خود که حجاب شرعی در آنها مراعات نشده است به او ندهیم.

و پس از آن نیز از هر رفتاری که خلاف عفت عمومی جامعه و حفظ حرمت و غیرت يك خانواده مسلمان است پرهیزیم مانند فشردن دست یکدیگر و راه رفتن در خیابان، یا دست در گردن یکدیگر انداختن در اماکن عمومی و تاکسی و... که این گونه اعمال گاهی موجب تحریک جوانان می شود و گناه است.

مراسم ازدواج

سعی کنیم مراسم ازدواج را آسان بگیریم، خرید بازار، و خرید لباس و طلا، همه در حد معمولی و متعارف باشد.

پیمانی که اساس آن بر محبت و یگانگی است نه بر اساس رقابت نباید با بهانه گیری ها و تحمیل ها ضربه ببیند. محبت، شیشه ای است شفاف و نازک، شیشه ها را غبار آلود نکنیم و آنها را نشکنیم.

بدانیم که به مصلحت زندگی ما نیست که با احساسات مردی بازی کنیم که از او انتظار داریم ما را از صمیم قلب دوست داشته باشد و نسبت به ما فداکاری کند و سعادت ما را سعادت خود بداند. از چشم و هم چشمی جداً بپرهیزیم.

عروسی

کوچه‌های مدینه نور باران می‌شد، پیامبر از جلو، جبرئیل از راست، میکائیل از چپ و هفتاد هزار فرشته از پی او، همه تسبیح گوی و تکبیر گوی، و دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار همراه او، شعر می‌خواندند، شادی می‌کردند، تکبیرگویان و حمد کنان

آنان عروس را به خانه علی علیه السلام می‌بردند

:پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به آنان فرموده بود که در مراسم بردن عروس به خانه همسر

(شادی کنید، شعر بخوانید، تکبیر بگویید، حمد کنید ولی چیزی که خدا راضی نیست نگوید.)» (۲۰۰)

:یعنی فرمول مراسم عروسی اینهاست

«شادی، شعور، شرافت»

با کمال تأسف حتی بعضی از مؤمنان و مذهبی‌ها در مراسم عروسی، دین و آخرت خود را فراموش می‌کنند و از هر برنامه شاد و محرکی استقبال می‌کنند

آنان می‌گویند يك شب که هزار شب نیست، بعد از عمری انتظار می‌خواهیم شاد باشیم و... ولی فراموش

کرده‌اند که: يك شب گناه، می‌تواند هزاران روز انسان را تیره کند بلکه آخرت انسان را

بنابراین سعی کنیم که مراسم عروسی ما آلوده به گناه نشود و در مراسم عروسی دیگران نیز اگر همراه با گناه است شرکت نکنیم حتی اگر از ما کینه به دل بگیرند

:استفتاء از مقام معظم رهبری

شرکت نکردن در مجالس عروسی که نوعاً همراه با لهو و لعب است، باعث دشمنی و خصومت بین اقوام و فامیل می‌شود وظیفه چیست؟

شرکت کردن در مجالس حرام در هر صورت جایز نیست و امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است. (۲۰۱)

برنامه‌های عروسی

همه دوست دارند که برنامه‌های عروسی شاد، و دلنشین باشند. اسلام نیز این مطلب را تأیید می‌کند ولی به ما هشدار می‌دهد که این برنامه‌های شاد نباید آلوده به گناه و معصیت باشند

بنابراین تلاش کنیم از اختلاط زن و مرد و دختران و پسران جوان جلوگیری کنیم، و در مراسم عروسی از

اجراء برنامه‌هایی که خداوند راضی نیست، بپرهیزیم

:در این زمینه به چند استفتاء از مقام معظم رهبری (زید عَزَّه) بسنده می‌کنیم

زدن دست در مراسم عروسی، رقص مرد برای مردان در مراسم عروسی، رقص زن برای زن در مراسم عروسی چه حکمی دارد؟

کف زدن به نحو متعارف معمول مجالس جشن و سرور مانع ندارد و رقص اگر موجب تحریک و تهییج « - (شهوت و یا مستلزم ارتکاب حرام باشد جایز نیست.» (۲۰۲)

زدن دایره و تنبک در مراسم عروسی و خرید و فروش آن، آیا جایز است؟ ۲.

(اگر از آلات لهو محسوب باشد خرید و فروش و نگهداری و استعمال آن جایز نیست.» (۲۰۳) -

فیلمبرداری و عکاسی از برخی مجالس عروسی که به علت لایبالی‌گری مسائل محرم و نامحرم احیاناً ۳.

رعایت نمی‌شود توسط عکاس زن که شغلش این کار است، چه حکمی دارد؟

مراعات کامل حجاب اسلامی در برابر نامحرم در هر حال لازم است و فیلمبرداری از مجالس زنانه یا از « - (مجالس مختلط اگر مستلزم نظر حرام و موجب اشاعه فساد و ترتب مفساد باشد جایز نیست.» (۲۰۴)

بر قلّه خوشبختی

(عاشِرْ أَهْلَ الْفَضْلِ تَسْعَدْ وَ تَنْبُلْ). (۲۰۵)

حضرت علی علیه السلام فرمود: با انسانهای بافضیلت زندگی کن تا خوشبخت و بزرگ گردی. آفتاب یثرب بر خانه گلی و کوچکی می‌تابید که دو گوهر پاک و نایاب را در بر گرفته بود. خانه‌ای که يك قطعه حصیر و يك پوست گوشه‌ای از آن را مفروش کرده بود و اکثر ظرف‌های گلی بود. خانه‌ای که در آن از مظاهر فریبنده دنیا خبری نبود، خود خانه را هم «حارث‌بن ثَعْمَان» به آنان بخشیده بود. با این همه سادگی و کوچکی، دریایی ژرف از مهر و محبت و عاطفه را در خود جای داده بود. اینك اولین لحظه‌های نخستین زندگی آن دو آغاز می‌شد که کسی از پشت در سلام می‌کرد و اجازه ورود می‌طلبید.

اسماء» آمد و در را گشود»

پیامبر بود که با شوق و آفری به سوی داماد و عروس آمده بود

علی جان همسرت را چگونه یافتی؟ -

و: علی با آهنگی سپاس‌آمیز پاسخ گفت

«او بهترین یار و یاور من در مسیر زندگی است»

فاطمه جانم! تو همسر خود را چگونه دیدی؟

و: فاطمه با لحنی لبریز از حیا و محبت پاسخ داد

(او بهترین همسر است.)» (۲۰۶)

و زندگی مشترك آغاز شد، پیامبر کارها را تقسیم کرد

کارهای خارج از منزل را به علی و کارهای داخل منزل را به فاطمه سپرد

فاطمه از این بابت بسیار مسرور و خوشحال گشت. چون کار داخل منزل او را از برخورد با نامحرمان و

اختلاط با آنها برکنار می‌داشت

و زندگی آن دو در کمال بی‌آلایشی و دور از تجملات ادامه یافت. آنان خوشبختی را در بندگی خدا و فتح

مرتفع‌ترین قلّه‌های تقوا و کمال می‌دانستند

اصول همسرداری

غالباً زندگی با شیرینی، آرامش و صفا آغاز می‌گردد ولی گاهی دیری نمی‌پاید که احساس‌ها و عاطفه‌ها، عشق‌ها و علاقه‌ها فرو می‌کاهد. تنشج، درگیری و کشمکش بالا می‌گیرد و چه بسا کانون گرم زندگی به سردی و

خاموشی می‌گراید. برای جلوگیری از این پدیده ناگوار دو تدبیر بایسته است

در انتخاب همسر دقیق باشیم، سعی کنیم با تحقیق و گفتگو در چارچوب شرع همسر آینده‌مان را تا اندازه ۱.

زیادی بشناسیم. اگر اختلاف نظر و سلیقه ما با او زیاد است، تن به ازدواج ندهیم

اصول و روشهای همسرداری را فرا بگیریم و بکار بندیم ۲.

فاطمه از آن روز که آمد تا آن لحظه که با همسرش بدرود گفت اصول زندگی را کاملاً مراعات کرد فاطمه در

آخرین لحظه‌های زندگی‌اش به علی گفت

(ای پسر عمو! من را دروغگو و خائن نیافتی و در این مدت از تو سرپیچی نکردم.)» (۲۰۷)

و: علی تصدیق کرد، یعنی اصول زندگی اینهاست

«راستگویی، امانتداری، فرمانبری»

راستگویی ۱.

مسائل را از همسرمان کتمان نکنیم و به او دروغ نگوئیم، ممکن است از ما کاری سر زده باشد که اگر واقعیت

را بگوئیم ما را سرزنش و یا تنبیه کند، این بهتر از آن است که مسأله را از او کتمان کنیم و به او دروغ بگوئیم، او

با پی بردن به کتمان و دروغگویی ما روز به روز اعتمادش کم می‌شود و بنیان زندگی متزلزل می‌گردد

امانتداری ۲.

الف: زیبایی‌ها و لطافت‌ها

شوهر با پیمان ازدواج تمام زیبایی‌ها، دلبریها، طنزهایها، خوشمزگیها و همه لطافت‌ها و ظرافت‌های زن را مالک می‌گردد و زن دیگر خود را امانتدار شوهر می‌داند، بنابراین باید نسبت به مردان بیگانه جداً اجتناب کند شوهر نمی‌تواند تحمل کند که مرد بیگانه‌ای به همسرش نگاه آلوده کند یا با او بگوید و بخندد و شوخی کند و چنین عملی را تجاوز به حق مشروع خویش می‌داند شوهر اگر ببیند همسرش زیبایی‌هایش را در معرض دید مردان بیگانه قرار می‌دهد بسیار ناراحت می‌شود، (همواره پریشان خاطر و بدبین است. و محبت و صفایش نسبت به خانواده تدریجاً کم می‌شود. (۲۰۸) ب: اسرار زندگی

صفا و صمیمیت، و یکرنگی و یکدلی که بر روابط زن و شوهر حاکم است شوهر را و می‌دارد که تمام یا بیشتر اسرار خود را با همسرش در میان بگذارد و به او سفارش کند که اینها را به کسی نگوید. شرط دوستی و صفا در این است که زن راز نگهدار باشد و در این زمینه نیز در امانتداری کوتاهی نکند

ج: اموال و دارایی خانه، اموال و دارایی شوهر به امانت در دست زن قرار می‌گیرد. همسر باید مقررات و احکام امانتداری را مراعات کند و در حفظ و نگهداری آنها بکوشد و از اسراف و زیاده‌روی در مصرف بپرهیزد، و از هرگونه تصرفی که بدون رضایت شوهر است دوری کند و با رضایت شوهر در اموال او تصرف نکند

فرمانبری ۳.

تردیدی نیست که باید بین اعضای يك خانواده تفاهم کامل و تعاون و همکاری وجود داشته باشد لیکن مسؤلیت اداره منزل باید بر عهده يك نفر باشد وگرنه اوضاع منظم و رضایت بخشی نخواهد داشت، خداوند حکیم و سنجیده کار این مسؤلیت بزرگ را بر دوش شوهر نهاده است

پیامبر فرمود

«زن خوب، به حرف شوهرش گوش می‌دهد و مطابق دستوراتش عمل می‌کند»

همچنین فرمود

(بدترین زنها، زن لجباز و يك دنده است. (۲۰۹)»

فرمانبری زن از شوهر باعث گرمی و صفای کانون خانواده است

شغل بانوان

روحیه لطیف و نازک زن برای خانهداری، همسرداری، و تربیت فرزند متناسب است. او با این کارها هم به غریزه خدادادی خود پاسخ مثبت می‌دهد و هم شالوده سرای آخرت خویش را می‌ریزد بانوان خوش سلیقه و فداکار می‌توانند خانه را به صورت بهشت برین و مهد پرورش کودکان خوب و استرحتگاه شوهران مجاهد و پرتلاش خویش در آورند

(رسول خدا فرمود: «جهاد زن، خوب شوهداری است.» (۲۱۰)

ام سلمه از رسول خدا پرسید: کار کردن زن در خانه چه مقدار فضیلت دارد؟

فرمود: «هر زنی که به منظور اصلاح امور خانه چیزی را از جایی بردارد و در جای دیگر بگذارد خدا نظر

«مرحمت به او خواهد کرد و هرکس که مورد نظر خدا واقع شود به عذاب الهی گرفتار نخواهد شد

ام سلمه عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادرم به قربانت برای زنان ثوابهای بیشتری بفرمایید

فرمود: «هنگامی که زن آبستن می‌شود خدا به او اجر کسی را می‌دهد که با جان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند، هنگامی که بچهاش را بر زمین نهاد به او خطاب می‌رسد: گناهانت آمرزیده شد، اعمالت را از سر بگیر و هنگامی که بچهاش را شیر می‌دهد در برابر هر مرتبه شیر دادن ثواب آزاد کردن يك بنده در نامه عملش نوشته

(می‌شود. (۲۱۱)»

بنابراین شغل اصلی و اساسی زن، خانهداری، همسرداری و تربیت فرزند است. خانم خانهداری که به خوبی از عهده این مهم برآید در فرهنگ اسلام، بانویی مترقی، با فرهنگ، سرفراز و با شخصیت است. جامعه سالم و پویا

از افراد سالم و با فرهنگ شکل می‌گیرد و افراد سالم در خانه توسط بانوان پرورش می‌یابند

بنابراین يك زن خانه‌دار در تمام جامعه نقش فعال دارد اگر چه حضور فیزیکی نداشته باشد

معیارهای انتخاب شغل

اسلام با آن که شغل اساسی زن را خانه‌داری، همسر داری، و تربیت فرزند می‌داند ولی هیچگاه از حضور سالم او در اجتماع و در دست گرفتن مشاغل گوناگون جلوگیری نکرده است. اسلام می‌خواهد زن عنصری فعال، پرتحرک و نقش‌آفرین و در عین حال عفیف، پاک و پیراسته باشد بنابراین محیط کار زن باید به گونه‌ای باشد که یا با مردان معاشرت نداشته باشد و یا اگر ناگزیر از معاشرت است روابط، بسیار سالم و عفیفانه باشد.

از این رو برای انتخاب شغل معیارهای زیر را مدنظر قرار دهیم بدون اجازه شوهر شغل نگیریم که آرامش و صفای زندگی را به هم می‌زند، این حق شوهر است که اجازه ۱. بدهد یا ندهد

۲. شغلی را انتخاب کنیم که از نظر احکام اسلامی، حلال، مباح و پاکیزه باشد.

۳. شغل انتخابی ما با طبع لطیف و مهربان ما تناسب داشته باشد.

۴. شغل مورد نظر ما نیازی به اختلاط و معاشرت با مردان بیگانه نداشته باشد و یا کمتر داشته باشد.

و چون برای شغل خود بیرون رفتیم نکته‌های زیر را رعایت کنیم

۱. ساده، بی‌آرایش، سنگین و متین از منزل خارج و در محل کار تا حد امکان از معاشرت با مردان بیگانه

بپرهیزیم. لباسهای زیبا، آرایش، و زر و زیور را در خانه و برای همسرمان بگذاریم

۲. از کار خانه‌داری، شوهر داری، و بچه‌داری نیز غفلت نکنیم. به این امر توجه داشته باشیم که مرد می‌خواهد

کانون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفع خستگی و فراموشخانه گرفتاریهای بیرونی باشد، این نیاز و احساس (شوهر را نادیده نگیریم) (۲۱۲)

اخلاق همسر داری

زن، فرشته انس خانواده است و با نشاط، طراوت، صفا و صمیمیت او همسر و فرزندان در کمال آرامش و شادابی زندگی خواهند کرد

بنابراین زن باید با ظرافت‌های اخلاقی خود همیشه کانون خانه و خانواده را گرم و پر حرارت نگه دارد

در اینجا از میان صدها حدیث گرانبها که در این زمینه وجود دارد با ذکر چند حدیث از پیامبر، سخن را به پایان می‌رسانیم

۱. (اگر سجده کردن برای غیر خدا جایز بود، دستور می‌دادم تا زن در برابر شوهرش سجده کند.) (۲۱۳)»

۲. حق مرد بر زن این است که زن ملازم خانه باشد و به شوهرش دوستی و محبت و مهربانی کند و از خشم» (او دوری نماید و آنچه را که مورد رضایت اوست انجام دهد و به پیمانها و وعده‌های وی وفادار باشد.) (۲۱۴)

۳. برای زن شایسته نیست که بیش از توانایی شوهرش او را مجبور کند و شایسته نیست که از شوهرش نزد (دیگران شکایت برد چه از نزدیکان باشند و چه از غریبه‌ها.) (۲۱۵)

۴. هر زن شوهر داری که به مردان نامحرم چشم بدوزد مورد خشم شدید پروردگار واقع می‌شود و خداوند (پاداش همه اعمالی را که انجام داده است از بین می‌برد.) (۲۱۶)

۵. هر کس از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نباید زینتش را برای غیر شوهرش نشان دهد، و نباید (زیر) روسری و مچ دست خود را آشکار کند هر کس یکی از اینها را برای غیر همسرش انجام دهد دین خود را (تباه کرده و خدا بر او خشمگین است.) (۲۱۷)

۶. بهترین زنان شما آن زنی است که بیشتر (از دیگران) برای شوهرش آرایش و زینت می‌کند اما از (بیگانگان خود را می‌پوشاند.) (۲۱۸)

۷. هر زنی که با ثروتش بر شوهرش منت گذارد و به او بگوید: «تو از ثروت من ارتزاق می‌کنی»، اگر این (ثروت را در راه خدا صدقه بدهد خدا از او نمی‌پذیرد تا آنکه شوهرش از او راضی شود.) (۲۱۹)

برای تضمین زندگی فردای خود از هم‌اکنون خود را مهیا سازیم. کتابهای مذهبی و علمی معتبر را مطالعه کنیم. از تجربه‌ها و اندوخته‌های افراد موفق و ناموفق بهره بگیریم و مراکزی را که به عنوان مشاور و راهنمای ازدواج و یا خانواده وجود دارد شناسایی کرده و از راهنمایی آنان بهره‌مند گردیم. به امید فرداهای سبز سبز و زندگی شیرین شیرین

خدا یار و نگهدار تان باد

۳۸۵

۱۶۵

.....(Anotates).....

- نمونه‌هایی از «بیان احساس» دانش‌آموزان شرکت‌کننده در ششمین دوره مسابقات کشوری احکام (تابستان ۱۳۸۰).
- ۱) پله پله تا خدا / صفحه ۹۷ و ۹۸ (۲)
- دیوان مثنوی طاق‌دیس (ملا احمدنراقی) / صفحه ۱۲۴ (۳)
- سوره توبه / آیه ۱۲۲ (۴)
- گناه کبیره؛ گناهی است که عذاب شدید و آتش جهنم را در پی دارد (۵)
- اجوبه الاستفتاءات / جلد ۱ / سؤال ۱۵؛ تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۷؛ رساله توضیح المسائل / مسأله ۲ (۶)
- بانوی مجتهد سیده نصرت امینی معروف به بانوی اصفهانی در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در اصفهان متولد شد. او سراسر عمر پربرکتش را صرف تعلیم و تعلم معارف اسلامی کرد و در رشته‌های فقه، حکمت، تفسیر قرآن، حدیث و اخلاق تألیفاتی از خود به یادگار گذاشت. تفسیر مخزن العرفان یکی از آثار این بانوی مجتهد است.
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۳ (۸)
- بحار الانوار / جلد ۱ / حدیث ۴۴ / صفحه ۱۷۶ (۹)
- منتهی‌الامال / صفحه ۷۶۷ (۱۰)
- ولایت فقیه (حضرت امام خمینی‌قدس سره) / ص ۱۴۹ (۱۱)
- گزیده و اقتباس با اندکی تصرف از کشتی پهلو گرفته (سیدمهدی شجاعی) / صفحه ۲۵ تا ۱۳۰ (۱۲)
- وسائل الشیعه / جلد ۱۸ / حدیث ۹ / صفحه ۱۰۱ (۱۳)
- قانون اساسی / اصل ۵ (۱۴)
- سوره نساء / آیه ۱۷۴ (۱۵)
- رجوع کنید به درس هشتم (۱۶)
- رجوع کنید به رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۲۵۲ (۱۷)
- الفتاوی‌الواضحه / جلد ۱ / صفحه ۸۳ (۱۸)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۷۳۹ (۱۹)
- همان / مسأله ۸۰۲ (۲۰)
- همان / مسأله ۷ و ۸ (۲۱)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۵ (۲۲)
- استفتاءات / جلد ۲ / صفحه ۵۴۰ و ۵۵۹ / سؤال ۵۱ و ۹۳؛ رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۵۴۸ (۲۳)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۷۹۴ (۲۴)
- سوره مائده / آیه ۶ (۲۵)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۱۱ □ ۸۳ و ۱۱۵ (۲۶)
- همان / مسأله ۱۴۱ (۲۷)
- همان / مسأله ۷۹۹ (۲۸)

- رساله توضیح المسائل / مسأله ۶۹۲ (۲۹)
همان / مسأله ۱۰۶۵ (۳۰)
این مقدار، مقتضای احتیاط و جمع بین فتاوی مراجع تقلید است (۳۱)
توضیح المسائل، مسأله ۲۵ (۳۲)
همان / مسأله ۳۵ (۳۳)
تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۱۳ / مسأله ۴ (۳۴)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۶ (۳۵)
میزان الحکمة / جلد ۴ / حدیث ۱۰۳۱۴ / صفحه ۳۳۰۲ (۳۶)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۵۵ □ ۱۵۰ و ۱۵۹ (۳۷)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۶۱ □ ۱۶۰ □ ۱۵۹ و ۱۶۲ (۳۸)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۱۹۱ و ۱۲۰ / سؤال ۳۲۷ و ۳۲۸ (۳۹)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۱۲۱ / سؤال ۳۳۱ □ ۳۳۰ و ۳۳۲ (۴۰)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۶۵ □ ۱۶۴ و ۱۶۶ (۴۱)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۷۹ و ۱۸۰؛ العروة الوثقی / جلد ۱ / صفحه ۸۸ و ۸۹ / مسأله ۲۶ (۴۲)
سوره توبه / آیه ۱۰۸ (۴۳)
رساله توضیح المسائل / بعد از مسأله ۳۴۴ (۴۴)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۵۲۱ و ۵۳۰ (۴۵)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۴۵ (۴۶)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۵۰ / سؤال ۹۰ و ۹۱ (۴۷)
بحار الانوار / جلد ۷۸ / حدیث ۲۸ / صفحه ۵۹ (۴۸)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۵۰ و ۵۳ / سؤال ۱۰۳ □ ۹۱ □ ۹۰ و ۱۰۴ (۴۹)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۵۳ / سؤال ۱۰۲؛ احکام بانوان (محمد وحیدی) / صفحه ۹۷ (۵۰)
رساله توضیح المسائل مسأله ۳۷۷ (۵۱)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۵۶ / سؤال ۱۱۷ و ۱۱۹ (۵۲)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۸۶ (۵۳)
همان / مسأله ۳۸۵ (۵۴)
سوره بقره / آیه ۲۲۲ (۵۵)
برگرفته از کتاب ازدواج (شهید دکتر پاکنژاد) / جلد ۲ / صفحه ۱۷۰ و ۱۷۱ (۵۶)
دانشنیهای پزشکی برای زنان (دکتر کریم توگلیان) / صفحه ۲۴ و ۲۵ (۵۷)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۴۴۰ □ ۴۳۶ □ ۴۳۵ □ ۴۳۴ و ۴۴۱؛ تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۴۲ / (۵۸)
مسأله ۸
تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۴۴ / مسأله ۱۳؛ رساله توضیح المسائل / مسأله ۵۰۰ (۵۹)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۴۵۰ و ۴۶۹ (۶۰)
رجوع شود به احکام حائض / مسأله ۴۵۰ به بعد (۶۱)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۴۶۶ (۶۲)
سوره احقاف / آیه ۱۵ (۶۳)
دانشنیهای پزشکی برای زنان (دکتر کریم توگلیان) / صفحه ۴۸ (۶۴)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۵۱۱ (۶۵)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۵۱۳ (۶۶)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۵۱۵ (۶۷)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۹۱ (۶۸)
تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۵۰۱ (۶۹)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۹۲ (۷۰)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۹۳ و ۳۹۴ (۷۱)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۹۵ □ ۳۹۳ و ۴۱۲ (۷۲)
رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۹۳ و ۳۹۶ (۷۳)

- سوره مائده / آیه ۶ (۷۴)
- برگرفته از علل الشرائع / جلد ۲ / صفحه ۵ (۷۵)
- برگرفته از كشف الغمه / جلد ۱ / صفحه ۱۱۶ و ۱۱۷ (۷۶)
- العروة الوثقى / جلد ۱ / صفحه ۱۳۷ □ ۱۳۶ و ۱۳۸ (۷۷)
- العروة الوثقى / جلد ۱ / صفحه ۱۳۱ و ۱۳۲؛ استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۴۷ / سؤال ۸۱ (۷۸)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۹۱ و ۲۹۴؛ استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۳۶ / سؤال ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ (۷۹)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۴۷ (۸۰)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۳۹ / سؤال ۵۲ و ۵۳؛ رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۵۶ (۸۱)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۳۹ / سؤال ۵۱؛ توضیح المسائل / مسأله ۲۵۱ (۸۲)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۵۲ و ۲۵۹ (۸۳)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۳۲۳ (۸۴)
- دیوان اشعار رجاء اصفهانی / صفحه ۲۴ (۸۵)
- برگرفته از بحار الانوار / جلد ۷۹ / صفحه ۲۶۱ و ۲۶۲ (۸۶)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۷۸۹؛ العروة الوثقى / جلد ۱ / صفحه ۳۹۱ و ۳۹۲ / مسأله ۵ و ۶ (۸۷)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۸۴۸ و ۸۵۵ (۸۸)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۲۷۶ / سؤال ۴۷۰؛ رساله توضیح المسائل / مسأله ۸۹۴ (۸۹)
- دیوان اقبال لاهوری / صفحه ۳۱ (۹۰)
- برگرفته از بحار الانوار / جلد ۷۹ / صفحه ۲۵۶ و ۲۵۷ (۹۱)
- فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی قدس سره / صفحه ۷۰ (۹۲)
- این دعا در سوره بقره، آیه ۲۰۱ آمده است (۹۳)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۹۴۲ (۹۴)
- همان / مسأله ۱۱۰۹ (۹۵)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۱۱۰ (۹۶)
- همان / مسأله ۱۱۱۱ (۹۷)
- همان / مسأله ۱۱۱۲ (۹۸)
- تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۱۸۰ / مسأله ۱ (۹۹)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۲۳۶ (۱۰۰)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۲۵۰ (۱۰۱)
- سوره عنکبوت / آیه ۲۰ (۱۰۲)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۱۹۴ / سؤال ۲۳۸ (۱۰۳)
- رساله توضیح المسائل / نماز مسافر / شرط پنجم (۱۰۴)
- همان، شرط هشتم (۱۰۵)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۲۶۶ / سؤال ۴۳۲ (۱۰۶)
- رساله توضیح المسائل / صفحه ۲۶۷ / سؤال ۴۳۴ (۱۰۷)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۲۶۵ / سؤال ۴۳ (۱۰۸)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۲۶۴ / سؤال ۴۲۸ (۱۰۹)
- همان / صفحه ۲۶۶ / سؤال ۴۳۲ (۱۱۰)
- همان / صفحه ۲۶۵ / سؤال ۴۳۱ (۱۱۱)
- توضیح المسائل / نماز مسافر / شرط هفتم (۱۱۲)
- همان، مسأله ۱۳۰۷ (۱۱۳)
- اجوبه الاستفتاءات / جلد ۱ / سؤال ۶۵۴ و ۶۶۹ (۱۱۴)
- استفتاءات / جلد ۱ / صفحه ۲۳۰؛ توضیح المسائل / مسأله ۱۳۳۶ □ ۱۳۳۰ و ۱۳۳۸ (۱۱۵)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۳۵۵ (۱۱۶)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۱۳۴۶ (۱۱۷)
- سوره اعراف / آیه ۲۹ (۱۱۸)
- صحیفه نور / جلد ۱۲ / صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹ (۱۱۹)

- . العروة الوثقى / صفحہ ۷۷۶ و ۷۷۷ (۱۲۰)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۴۱۶ (۱۲۱)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۴۳۸ (۱۲۲)
همان / مسألہ ۱۴۵۳ (۱۲۳)
اجوبۃ الاستفتاءات / جلد ۱ / سؤال ۶۰۶ (۱۲۴)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۴۶۷ (۱۲۵)
همان / مسألہ ۱۴۶۱ (۱۲۶)
همان / مسألہ ۱۴۲۷ و ۱۴۳۰ (۱۲۷)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۴۴۲ □ ۱۴۴۱ □ ۱۴۴۰ □ ۱۴۳۹ □ ۱۴۲۷ و ۱۴۶۱؛ تحریر الوسیلہ / (۱۲۸)
جلد ۱ / صفحہ ۲۷۱ و ۲۷۲ / مسألہ ۶ □ ۵ و ۸
سورہ جمعہ / آیہ ۹ (۱۲۹)
وسائل الشیعہ / جلد ۵ / صفحہ ۶ (۱۳۰)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحہ ۲۶۸ / سؤال ۴۴۰ (۱۳۱)
تحریر الوسیلہ / جلد ۱ / صفحہ ۲۳۱ و ۲۳۴ (۱۳۲)
تحریر الوسیلہ / جلد ۱ / صفحہ ۲۳۱ و ۲۳۵ (۱۳۳)
بحار الانوار / جلد ۹۴ / صفحہ ۱۳۰ (۱۳۴)
بحار الانوار / جلد ۹۴ / صفحہ ۱۳۰ (۱۳۵)
سورہ بقرہ / آیہ ۱۲۵ (۱۳۶)
تحریر الوسیلہ / جلد ۱ / صفحہ ۳۰۴ و ۳۰۵ (۱۳۷)
کنز العمال / جلد ۸ / حدیث ۲۴۰۱۲ (۱۳۸)
سورہ بقرہ / آیہ ۱۸۳ (۱۳۹)
برگرفته از دعای چهل و پنج صحیفہ سجادیہ / صفحہ ۳۰۳ و ۳۰۴ (۱۴۰)
غرر الحکم / جلد ۱ / صفحہ ۱۹ / حدیث ۴۳ (۱۴۱)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۵۷۲ (۱۴۲)
العروة الوثقى / جلد ۲ / صفحہ ۱۰۵ (۱۴۳)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۴۱ □ ۱۷۳۶ (۱۴۴)
العروة الوثقى / جلد ۲ / صفحہ ۱۵۷ □ ۱۰۵ و ۱۵۸؛ رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۴۷ □ ۱۷۴۱ (۱۴۵)
□ ۱۷۴۰ □ ۱۷۳۹ و ۱۷۴۸
استفتاءات / جلد ۱ / احکام روزہ / سؤال ۴۴ □ ۴۱ □ ۳۶ و ۷۶؛ العروة الوثقى / جلد ۲ / صفحہ ۱۴۸ / (۱۴۶)
مسألہ ۳؛ رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۶۸۸
استفتاءات / جلد ۱ / صفحہ ۳۱۵ / سؤال ۳۶؛ رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۶۵۸ و ۱۶۶۰ (۱۴۷)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۰۵ و ۱۷۲۸ و ۱۷۲۹ (۱۴۸)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۲۵ و ۱۷۲۶ (۱۴۹)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۰۳ (۱۵۰)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۲۷ (۱۵۱)
سورہ انفال / آیہ ۴۱ (۱۵۲)
برگرفته از ریاحین الشریعہ / صفحہ ۱۶؛ منتهی الآمال / صفحہ ۷۹۴ و ۷۹۵ (۱۵۳)
استفتاءات / جلد ۱ / صفحہ ۳۸۹ و ۳۹۴ / سؤال ۱۳۵ و ۱۴۳؛ تحریر الوسیلہ / جلد ۱ / صفحہ ۳۵۷ / (۱۵۴)
مسألہ ۱۰
العروة الوثقى / جلد ۲ / صفحہ ۳۹۴ / مسألہ ۶۱؛ استفتاءات / جلد ۱ / سؤال ۹۰ □ ۸۹ □ ۳۴ و ۱۰۶؛ (۱۵۵)
توضیح المسائل / مسألہ ۱۷۷۵
استفتاءات / جلد ۱ / سؤال ۱۲۲ □ ۱۲۱ □ ۱۲۰ و ۱۴۳؛ رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۱۸۳۴ (۱۵۶)
عقاب الاعمال / صفحہ ۳۵ (۱۵۷)
تحریر الوسیلہ / جلد ۲ / صفحہ ۴۰۶ / مسألہ ۶ (۱۵۸)
کشف الغمہ / جلد ۲ / صفحہ ۱۱۰ (۱۵۹)
رسالہ توضیح المسائل / مسألہ ۲۷۹۱ و ۲۷۹۲ (۱۶۰)

- تحریر الوسیله / جلد ۱ / صفحه ۴۱۴ / مسأله ۱۴ (۱۶۱)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۸۱۳ □ ۲۸۰۵ و ۲۸۱۸ (۱۶۲)
- سوره حجّ / آیه ۴۰ (۱۶۳)
- نهج البلاغه / نامه شماره ۳۱ / صفحه ۴۰۵ (۱۶۴)
- نظام حقوق زن در اسلام (استاد شهید مطهری) / صفحه ۲۳۴ (۱۶۵)
- نقل از کتاب پوشش زن در اسلام (محمد اشتهاردی) / صفحه ۷۶ (۱۶۶)
- برگرفته از کتاب مسأله حجاب (استاد شهید مطهری) ص ۵۲ تا ۵۷ (۱۶۷)
- نهج الفصاحه / حدیث ۲۰۰۶ (۱۶۸)
- برگرفته از مستدرک الوسائل / جلد ۱۴ / حدیث ۲ / صفحه ۲۸۹ (۱۶۹)
- استفتاءات (ستاد احياء امر به معروف و نهی از منکر خوزستان) (صفحه ۵، احکام بانوان) (محمد وحیدی) / (۱۷۰)
- صفحه ۱۲۴
- العروة الوثقی / جلد ۱ / صفحه ۳۹۰ و ۳۹۱؛ احکام خانواده (عبدالرحیم موگهی) (صفحه ۲۸۳ و ۲۸۶) (۱۷۱)
- سوره نور / آیه ۳۱ (۱۷۲)
- العروة الوثقی / جلد ۱ / صفحه ۳۹۱؛ احکام خانواده (عبدالرحیم موگهی) / صفحه ۳۰۴ (۱۷۳)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۸۴۵ و ۸۴۶؛ استفتاءات (ستاد احتیاء امر به معروف و نهی از منکر (۱۷۴)
- خوزستان) (صفحه ۳ و ۴؛ احکام بانوان / صفحه ۱۲۹ □ ۱۲۸ و ۱۳۰)
- احکام خانواده (عبدالرحیم موگهی) / صفحه ۲۸۵ (۱۷۵)
- احکام خانواده (عبدالرحیم موگهی) / صفحه ۳۰۳ (۱۷۶)
- برگرفته از کتاب مسأله حجاب (استاد شهید مطهری) / صفحه ۱۵۸ (۱۷۷)
- وسائل الشیعه / جلد ۱۱ / صفحه ۱۹۸۲ (۱۷۸)
- برگرفته از وسائل الشیعه / جلد ۱۴ / حدیث ۱ / صفحه ۱۷۱؛ مستدرک الوسائل / جلد ۱۴ / صفحه ۲۸۹ (۱۷۹)
- برگرفته از کتاب مسأله حجاب (استاد شهید مرتضی مطهری) / صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸ (۱۸۰)
- مرآت النساء / صفحه ۱۴۰ (۱۸۱)
- پوشش کامل (۱۸۲)
- نقل از احکام بانوان (محمد وحیدی) / صفحه ۱۵۱ (۱۸۳)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۴۴۵ (۱۸۴)
- سوره احزاب / آیه ۳۲ (۱۸۵)
- سوره نور / آیه ۳۱ (۱۸۶)
- محرم بودن شوهر مادر شرایطی دارد که در رساله توضیح المسائل آمده است (۱۸۷)
- تحریر الوسیله / جلد ۲ / صفحه ۲۷۷ □ ۲۶۴ □ ۲۶۳ و ۲۸۰ (۱۸۸)
- بحار الانوار / جلد ۷۳ / صفحه ۱۵۸ (۱۸۹)
- کنز العمال / جلد ۳ / صفحه ۷۷۹ (۱۹۰)
- وسائل الشیعه / جلد ۱۴ / حدیث ۴ / صفحه ۳ (۱۹۱)
- برگرفته از بحار الانوار / جلد ۴۳ / حدیث ۴ / صفحه ۹۳ (۱۹۲)
- وسائل الشیعه / جلد ۱۴ / حدیث ۲ / صفحه ۵۱ (۱۹۳)
- برگرفته از وسائل الشیعه / جلد ۱۴ / حدیث ۲ / صفحه ۱۸ (۱۹۴)
- برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام (استاد شهید مطهری) / صفحه ۴۷ و ۴۹ (۱۹۵)
- رساله توضیح المسائل / مسأله ۲۳۷۶ (۱۹۶)
- برگرفته از نظام حقوق زن در اسلام (استاد مطهری) / ص ۲۴۴ (۱۹۷)
- دعائم الاسلام / جلد ۲ / صفحه ۱۹۷ (۱۹۸)
- مستدرک الوسائل / جلد ۱۵ / صفحه ۶۶ (۱۹۹)
- برگرفته از کتاب بحار الانوار / جلد ۴۳ / صفحه ۱۱۵ (۲۰۰)
- ویژن نامه فرهنگ اسلام (بهار ۱۳۷۸) / صفحه ۳ (۲۰۱)
- احکام هنری / صفحه ۶ / سؤال ۳۹ (۲۰۲)
- احکام هنری / صفحه ۶ / سؤال ۴۶ (۲۰۳)
- احکام هنری / صفحه ۱۰ / سؤال ۷۵ (۲۰۴)

- . غررالحکم / جلد ٤ / صفحه ٣٥٦ (٢٠٥)
 . برگرفته از بحارالانوار / جلد ٤٣ / حدیث ٢٤ / صفحه ١١٧ (٢٠٦)
 . بحارالانوار / جلد ٤٣ / حدیث ٢٠ / صفحه ١٩١ (٢٠٧)
 . برگرفته از آیین همسر داری (ابراهیم امینی) / صفحه ٦٤ و ٦٥ (٢٠٨)
 . بحارالانوار / جلد ١٠٠ / صفحه ٢٣٥ (٢٠٩)
 . بحارالانوار / جلد ١٠٠ / حدیث ٢٨ / صفحه ٢٤٧ (٢١٠)
 . بحارالانوار / جلد ١٠٠ / حدیث ٤٩ / صفحه ٢٥١ (٢١١)
 . برگرفته از آیین همسر داری (ابراهیم امینی) / صفحه ١٨٠ تا ١٨٤ (٢١٢)
 . فروع کافی / جلد ٥ / حدیث ٦ / صفحه ٥٠٧ (٢١٣)
 . مستدرک الوسائل / جلد ١٤ / حدیث ٢ / صفحه ٢٤٤ (٢١٤)
 . مستدرک الوسائل / جلد ١٤ / حدیث ٢ / صفحه ٢٤٢ (٢١٥)
 . وسائل الشیعه / جلد ١٤ / حدیث ٢ / صفحه ١٧٢ (٢١٦)
 . مستدرک الوسائل / جلد ١٤ / حدیث ٢ / صفحه ٢٤٤ (٢١٧)
 . بحارالانوار / جلد ١٠٠ / حدیث ٢٧ / صفحه ٢٤٧ (٢١٨)
 . مکارم الاخلاق / صفحه ٢٠٢ (٢١٩)